www.Gama-Plus.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

معارف اسلامی
دین و زندگی

دورهٔ پیش دانشگاهی

درس مشترک کلیهٔ رشته‌ها

۱۳۹۵

www.Gama-Plus.ir

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری
نام کتاب : معارف اسلامی (دین و زندگی) دورهٔ پیش‌دانشگاهی ــ ۲۸۵/۱
شورای برنامه‌ریزی و تألیف : محمدمهدی اعتصامی، حمید پارسانیا، سیدصادق پیشنمازی، عباس جوارشکیان، فضل‌الله خالقیان، سیدمحمد دلبری، سید محمدحسین تقوی، حسین سوزنچی، علی شیروانی، سیدحمید طالب‌زاده، سیدمحسن میرباقری و مسعود وکیل
مؤلفان : محمدمهدی اعتصامی، حسین سوزنچی
آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : ادارهٔ کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
تهران : خیابان ایرانشهر شمالی ــ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن : ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹، وب سایت : www.chap.sch.ir
مدیر امور فنی و چاپ : لیدا نیک‌روش
طراح جلد : مریم خونساری
صفحه‌آرا : زهره بهشتی‌شیرازی
حروفچین : فاطمه محسنی، کبریٰ اجابتی
مصحح : نوشین معصوم‌دوست، آذر روستایی فیروزآباد
امور آماده‌سازی خبر : فاطمه پزشکی
امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت‌کلاچاهی، سیده شیوا شیخ‌الاسلامی
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران ــ کیلومتر ۱۷ جادّهٔ مخصوص کرج ــ خیابان ۶۱ (داروپخش)
تلفن : ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، **دورنگار** : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵
چاپخانه : شرکت چاپ ونشر کتاب‌های درسی ایران«سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ یازدهم ۱۳۹۵

حقّ چاپ محفوظ است.

شابک ۵ـ ۱۴۳۶ـ ۰۵ـ ۹۶۴ ISBN 964 - 05 - 1436 - 5

www.Gama-Plus.ir

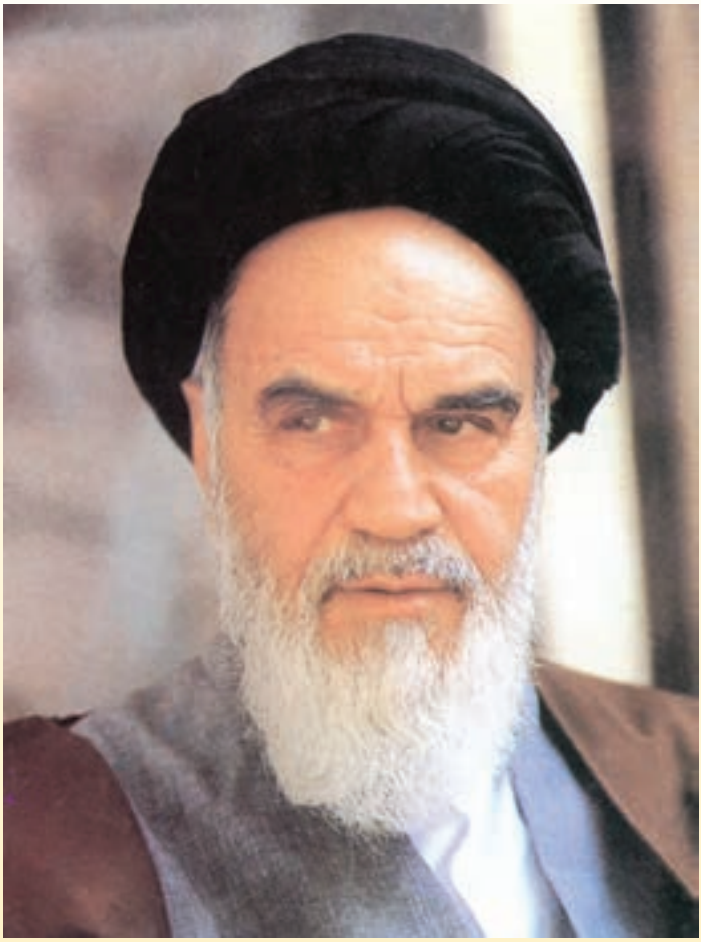

در جهان، حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علوّ رتبهٔ آن است، آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخاستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد، و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایدهٔ توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است.

امام خمینی «رحمة الله علیه» (وصیت‌نامه)

www.Gama-Plus.ir

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴/۱۵۸۷۵ گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

www.Gama-Plus.ir

فهرست

مقدمه

مرحلهٔ اوّل: اندیشه و قلب ۲

درس اوّل: هستی‌بخش ٤

درس دوم: یگانهٔ بی‌همتا ١٤

درس سوم: حقیقت بندگی ١٩

درس چهارم: در مسیر اخلاص ٢٨

درس پنجم: قدرت پرواز ٣٩

درس ششم: سنت‌های خداوند ٥١

مرحلهٔ دوم: پایداری در عزم ٦١

درس هفتم: بازگشت ٦٢

مرحلهٔ سوم: در مسیر ٧٥

درس هشتم: پایه‌های استوار ٧٦

درس نهم: برنامه‌ای برای فردا ٨٦

درس دهم: زندگی در دنیای امروز ١٠٢

کتاب‌نامه ١٣٩

www.Gama-Plus.ir

پیش از مطالعهٔ کتاب،
حتماً این قسمت را بخوانید.

دوستان عزیز، سلام بر شما!

ورود به دورهٔ پیش‌دانشگاهی را به شما تبریک می‌گوییم و بار دیگر همت بلندتان را می‌ستاییم. دفتر زندگی ورقی دیگر خورد و صفحه‌ای جدید برای نقش‌آفرینیِ زیباتر گشوده شد. در دورهٔ متوسطه با اساسی‌ترین موضوع‌های دین، هدف زندگی و مهم‌ترین برنامه‌های آن آشنا شدیم و دانستیم چگونه دیدگاه‌های خود را دربارهٔ خدا، جهان، انسان و زندگی اخروی، پشتوانهٔ برنامه‌های خود قرار دهیم و با عزم و ارادهٔ محکم، مسیر صعود به قله‌های کامیابی و سعادت را بپیماییم.

در این‌جا نکاتی را که در سال‌های گذشته توضیح داده‌ایم، یادآوری می‌کنیم :

۱ــ قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارتند از :

ــ معنا کردن برخی از عبارات و آیات شریفهٔ قرآن کریم؛ با این کار توانایی شما برای درک معنای آیات و تفکر در آنها افزایش می‌یابد.

ــ انجام فعالیت‌های داخل هر درس؛ قسمتی از محتوا با همکاری شما در انجام فعالیت‌هایی مانند تفکر در آیات و تطبیق تولید می‌شود.

۲ــ آموزش این کتاب در فضایی فعّال، پویا و با نشاط نیازمند حرمت نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دبیر گرامی است؛ بنابراین :

ــ برنامهٔ دبیر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.

ــ به اظهارنظرهای دوستان خود احترام بگذارید.

ــ نظرات دوستان خود را با تجزیه و تحلیل دقیق، ارزیابی کنید.

ــ بیش از اندازه تحت‌تأثیر چند نفری از دانش‌آموزان که احتمالاً بیشتر نظر می‌دهند، قرار نگیرید. شما هم با وارد شدن در گفت‌وگوها نشان دهید که در فکر کردن توانایید.

۳ــ سعی کنید در زمان تلاوت قرآن توسط دبیر محترم یا هم کلاسی‌هایتان یا هنگام پخش

www.Gama-Plus.ir

نوار آیات درس، هرعبارت را با دقت گوش کنید. سپس همراه با آن به‌طور دسته‌جمعی بخوانید. این فعالیت بر توانایی شما در قرائت صحیح و زیبای قرآن می‌افزاید.

۴ــ برای تقویت توانایی شما در قرائت قرآن کریم، دبیر محترم می‌تواند بخشی از قرآن را برای تمرین قرائت انتخاب کند. در این‌صورت، ارزش‌یابی مستمر و پایانی قرائت، علاوه بر آیات کتاب، از این بخش نیز به‌عمل خواهد آمد.

۵ ــ این درس عرصهٔ حضور احساسات درونی و خلّاقیت‌های فکری شماست؛ زیرا این شما هستید که شهامت اندیشیدن و ابتکار را دارید. ما نیز این نعمت الهی را ارج می‌نهیم و معتقدیم که میزان موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد. کتاب نیز اگر فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. در واقع، ما هرگز نخواسته‌ایم درس‌ها به‌گونه‌ای باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ کردن به‌خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکر کردن، تحقیق و اظهارنظر را برایتان فراهم می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، ارزش‌یابی این درس در دو بخش انجام می‌گیرد :

بخش اول : ارزش‌یابی مستمر؛ شامل :

۱ــ قرائت صحیح آیات شریفه؛ ۴ نمره.

۲ــ توانایی معنا کردن عبارات و آیات قرآنی که در کتاب ترجمه نشده است؛ ۳ نمره.

۳ــ انجام دادن فعالیت‌های داخل درس و پاسخ‌گویی صحیح به سؤال‌ها؛ ۱۰ نمره.

۴ــ مشارکت در گفت‌وگوها و کار گروهی، ۳ نمره.

توجه : انجام پیشنهادها، نگارش مقاله‌های تحقیقی و عرضهٔ ابتکارهای ادبی و هنری تا دو نمره به معدل نمرهٔ مستمر اضافه می‌کند.

بخش دوم : ارزش‌یابی پایانی

این ارزش‌یابی در پایان هر نیم‌سال انجام می‌شود؛ آزمون نیم سال اوّل شامل قرائت و آزمون کتبی است و آزمون نیم سال دوم فقط شامل آزمون کتبی است. در این آزمون، دبیر

www.Gama-Plus.ir

محترم، براساس آنچه آموخته‌اید، سؤال‌هایی را طرح می‌کند. این‌گونه سؤال‌ها بیشتر نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل‌اند و قدرت تعقل و استنباط شما را ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که بتوانید پاسخ‌گوی این‌گونه سؤال‌ها باشید.

چند نکتهٔ مهم

۱ــ آنچه با عنوان «برای مطالعه»، «پیشنهاد» و «یادآوری» آمده و در پاورقی ذکر شده است، به‌منظور باز کردن فضایی جدید برای شماست تا برخی نکات مهم را بدون دغدغهٔ نمره و امتحان مطالعه کنید و از پیام‌های آن در زندگی بهره ببرید. شایسته است دبیر شما در ضمن تدریس به این قسمت‌ها مراجعه کند و محتوای آنها را در کلاس طرح نماید. شما نیز می‌توانید آنها را به‌صورت «کنفرانس»، «گفت‌وگو» یا هر شیوهٔ دیگری در کلاس ارائه دهید. توجه داشته باشیم که قسمت‌های «برای مطالعه» یا «پیشنهاد» اهمیتشان به هیچ وجه کمتر از سایر قسمت‌ها نیست، بلکه در مواردی مهم‌تر از متن‌هایی است که اصلی تلقی می‌شوند. این بخش‌ها بیشتر پاسخ‌گوی انگیزه‌های آزاد و خلاق دانش‌آموزان است که می‌خواهند مطالعات خود را تعمیق بخشند و اطلاعات بیشتری کسب کنند. در عین حال، دبیران و مسئولین محترم توجه کنند که این محتواها فقط برای توسعهٔ اطلاعات دانش‌آموزان است و برای امتحان و ارزش‌یابی نیست. دبیر محترم می‌تواند در توضیح درس از آنها استفاده کند و نمرهٔ تشویقی برای آنها درنظر بگیرد. اما در ارزش‌یابی مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود.

۲ــ آیاتی که ترجمهٔ آنها در کتاب آمده است، نباید ترجمهٔ این آیه‌ها در ارزش‌یابی مستمر و پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها مورد سؤال قرار گیرد. همچنین نباید از معنی کلمه یا لغت سؤال شود.

۳ــ آن دسته از فعالیت‌های داخل کلاس که با علامت (*) مشخص شده‌اند، فقط برای فعالیت کلاسی است و نیازی به دادن جواب‌های یکسان ندارد. به‌همین دلیل نباید در ارزش‌یابی پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها مورد سؤال قرار گیرند.

۴ــ حفظ کردن عین آیات و روایات ضروری نیست، بلکه برداشت و استنباط از آنها اهمیت دارد. برای مثال، نباید در امتحان پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها از دانش‌آموزان

www.Gama-Plus.ir

بخواهیم که آیه یا حدیثی دربارهٔ توبه بنویسند. بلکه باید آن آیه یا حدیث مطرح شود و دانش‌آموزان، پیام‌ها و نکاتی را بنویسند که می‌توان از آن به‌دست آورد. همچنین، در امتحان پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها نباید سؤال شود که این حدیث از کدام معصوم علیهم‌السلام است. زیرا این موارد از هدف‌های آموزشی دورهٔ متوسطه و پیش‌دانشگاهی نیست.

سخن آخر این‌که شما در این کتاب قدم‌های دیگری را در مسیر زندگی برمی‌دارید. اگر این کتاب را روزنه‌ای به روشنایی حقیقت یافتید، آن را نگه دارید تا در آینده، در کنار کتاب‌های سال‌های قبل، مجموعه‌ای از شیوهٔ زندگی اسلامی را در اختیار داشته باشید. خصوصاً که در بخش‌هایی از کتاب، ردّ پایی از فکر بدیع خودتان به‌جا مانده است. باشد که فردا نسبت به کار امروز خود، احساس سربلندی کنید.

خدا یار و نگهدارتان باد
شورای مؤلفان

*پایگاه اطلاع‌رسانی گروه تعلیم و تربیت دینی :

http: //dini-dept.talif.sch.ir

www.Gama-Plus.ir

مرحلهٔ اوّل

اندیشه و قلب

www.Gama-Plus.ir

یادآوری

در پایه‌های اوّل تا سوم، موضوعات زیر دربارهٔ خداوند و رابطهٔ انسان و جهان با او مطرح گردید:

در کتاب دین و زندگی (۱) دانستیم که خداوند تبارک و تعالی محبوب و مقصود آدمیان است و انسان در درون خویش او را که سرچشمهٔ تمام زیبایی‌هاست، طلب می‌کند و می‌جوید. همهٔ صفات ثبوتی و کمالی از آنِ خداوند است و او از هر عیب و نقصی مبرّاست. باید بکوشیم ایمان خود را به چنین محبوب زیبایی عمیق‌تر کنیم تا با حرکتی هرچه پویاتر، به سویش عزیمت نماییم و تمام خوبی‌های هستی و زیبایی‌ها را در وجود خود جمع کنیم.

در کتاب دین و زندگی (۲)، برهان حکمت (یا برهان نظم) را فرا گرفتیم و دانستیم که این جهان سراسر منظم و هدفمند، آفریدهٔ خداوندی حکیم است و در سیر دائمیِ به سوی اوست. انسان نیز درحال بازگشت به سوی خداوند متعال و حضور یافتن در برابر اوست، و باید خود را برای این حضور، از قبل مهیا سازد.

در کتاب دین و زندگی (۳)، با هدایت‌گری خداوند آشنایی پیدا کردیم و دیدیم که او همهٔ موجودات ـ از جمله انسان ـ را به سوی مقصدشان هدایت می کند. هدایت هر موجود، متناسب با ساختار وجودی اوست. از این‌رو، هدایت انسان، اختیاری است و با ارسال پیامبران صورت می‌گیرد.

اکنون به برهان دیگری دربارهٔ وجود خداوند می‌پردازیم؛ این برهان، سطحی بالاتر از برهان حکمت دارد و به همین جهت در این سال طرح شده است.

www.Gama-Plus.ir

درس اوّل

هستی بخش

آیا تاکنون با خیالی آسوده، در فضایی آرام نشسته‌اید و این جهان پرجنب و جوش را در برابر خود گذاشته، دور و نزدیک و ریز و درشت آن را تماشا کرده‌اید؟ در دوردست فضایی بی‌کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشیدها و سیارگان.

در این نزدیکی، زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبا.

آیا برایتان اتفاق افتاده است که در این فضای تأمل برانگیز، نگاهتان از سطح ظاهری پدیده‌ها عبور کند و از خود بپرسید:

این موجودات، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟

www.Gama-Plus.ir

قرائت و ترجمه

یا اَیُّهَا النّاسُ .....

اَنْتُمُ الْفُقَراءُ اِلَی اللّٰهِ .....

وَ اللّٰهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ .....

اِنْ یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ .....

وَ یَأْتِ بِخَلْقٍ جَدیدٍ .....

وَ ما ذٰلِکَ عَلَی اللّٰهِ بِعَزیزٍ .....

فاطر، ۱۵ تا ۱۷

اللّٰهُ نورُ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ .....

نور، ۳۵

اَلْحَمید : ستوده

یَأْتِ بِـ : می‌آورد ...

یُذْهِبْکُمْ : شما را می‌برد

عَزیز : در اینجا به معنی سخت و دشوار

پیام آیات

در آیات درس بیندیشید و مشخص کنید که هر پیام مربوط به کدام آیه است.

۱ – همهٔ مخلوقات، از جمله انسان، در وجود و هستی خود نیازمند خدا هستند.

سوره..... / آیه.....

۲ – تنها وجود بی‌نیاز خداست. او در هستی خود به دیگری محتاج نیست.

سوره..... / آیه.....

۳– چون وجود مخلوقات وابسته به خداست، اوست که می‌تواند آنها را ببرد یا نگه دارد.

سوره..... / آیه.....

۴– چون وجود خداوند وابسته به چیزی نیست، کسی نمی‌تواند وجود او را بگیرد و نابودش کند. او در ذات خود غنی و بی‌نیاز است.

سوره..... / آیه.....

www.Gama-Plus.ir

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر یک از ما با تمام وجود خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم به همین جهت در سختی‌ها و مشکلات به او پناه می‌بریم و از او کمک می‌طلبیم[1]. با وجود این، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر در این‌باره دعوت می‌کند و راه‌های متفاوتی را به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها نیازمندی جهان، در پیدایش خود، به خداست[2]. استدلال آن به شرح زیر است :

مقدمهٔ اوّل : هرگاه به خود نظر کنیم، درمی‌یابیم که پدیده‌ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست. اشیای پیرامون ما نیز همین گونه‌اند؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها پدیده‌هایی هستند که وجودشان از خودشان نیست، یعنی یک زمانی نبوده‌اند و سپس پدید آمده‌اند. به عبارت دیگر : انسان و موجودات جهان پدیده‌هایی هستند که در وجود به خودشان متکی نیستند.

مقدمهٔ دوم : هر پدیده‌ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است؛ همان‌طور که هر چیزی که خودش شیرین نباشد، برای شیرین شدن، نیازمند به چیز دیگری است که خودش شیرین باشد.

ذات نایافته از هستی بخش
کی تواند که شود هستی بخش

یک موجود، فقط درصورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده ندارد و خودش همواره هست.

نتیجه : با توجه به این دو مقدمه، درمی‌یابیم که ما و مجموعهٔ پدیده‌های جهان، در پدید آمدن و هستی یافتن به آفریننده‌ای نیازمندیم که سرچشمهٔ هستی است و هستی از او جدا نمی‌شود. این وجودِ برتر و متعالی «خدا» ست.

۱ــ سورهٔ یونس، ۲۲

۲ــ یکی دیگر از این راه‌ها، برهان حکمت است که در سال دوم با آن آشنا شدید.

www.Gama-Plus.ir

خلاصه کردن

این دو مقدمه و نتیجه را به‌گونه‌ای خلاصه کنید که هرکدام بیشتر از یک سطر نباشد:

مقدمه اوّل : ما و این جهان .....

مقدمه دوم : موجوداتی که .....

نتیجه : پس .....

نیازمندی جهان به خدا در بقا

نیازمندی موجودات به خداوند، منحصر به مرحلهٔ پیدایش نمی‌شود؛ بلکه برای بقا و ادامه نیز به او نیازمندند. ما همواره دیده‌ایم که در مصنوعات انسانی، رابطهٔ چندانی میان بقای یک مصنوع با سازندهٔ آن وجود ندارد؛ مثلاً یک معمار خانه‌ای را می‌سازد، امّا آن خانه بدون هیچ ارتباطی با معمار و حتی پس از مرگ او تا سالیان طولانی باقی می‌ماند. به همین جهت ممکن است برخی گمان کنند که یک معلول در بقای خود نیازی به علت ندارد. امّا اگر خوب توجّه کنیم درمی‌یابیم که معمار علت اصلی ساختمان نیست و به ساختمان و اجزای آن وجود نبخشیده است. وظیفهٔ او فقط جابه‌جایی اجزاء و قراردادن آنها در جای خود بوده است. امّا رابطهٔ خدا با مخلوقات این‌گونه نیست.

هستی موجودات به خداوند وابسته است. رابطهٔ وجود ما با وجود خداوند مانند رابطهٔ پرتوهای نور با منبع آن است. همان‌طور که اگر خورشید نورافشانی نکند دیگر پرتو نوری نیست، اگر خداوند نیز هستی بخشی نکند، دیگر موجودی در جهان باقی نخواهد ماند[1].

از این‌رو در قرآن کریم، خداوند «غنی» خوانده شده است و انسان‌ها و سایر مخلوقات «فقیر» و نیازمند به او؛ و این نسبت هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند. هرچه انسان کمالاتی نظیر علم و قدرت کسب کند، باز هم نسبت به خداوند فقیر است. زیرا خود و همهٔ آنچه به‌دست آورده، از خدا سرچشمه می‌گیرد. همچنین، انسان‌ها هرقدر که به معنای حقیقی کامل‌تر شوند، فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می‌کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خداوند قوی‌تر و بیشتر می‌شود. به همین جهت پیامبران، امامان و اولیای الهی بیش از دیگران با پروردگار جهان راز و نیاز می‌کنند و از او کمک می‌خواهند و در مشکلات به او پناه می‌برند.

۱ــ توجه داشته باشیم که این‌گونه مثال‌ها برای نزدیک کردن حقیقت به ذهن هستند وگرنه رابطهٔ جهان با خداوند را نمی‌توان از همهٔ جهات مانند شعاع‌های نور با منبع آن دانست.

www.Gama-Plus.ir

مقایسه

رابطهٔ جهان با خدا را با رابطهٔ ساعت و سازندهٔ آن مقایسه کنید و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را بنویسید.

۱ – ساعت ساز، هستی بخش اجزاء ساعت نیست و فقط نظم‌دهندهٔ اجزاء است. امّا خداوند هم هستی‌بخش است و هم نظم دهنده.

۲– .....

۳– .....

خداوند، نور هستی

خداوند، در قرآن کریم، خودش را نور آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند. نور بودن خدا به چه معناست؟

نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکارشدن چیزهای دیگر می‌شود. همین نور معمولی را درنظر بگیریم. نور یک چراغ در اتاق، هم خودش روشن است و هم سبب روشن و آشکار شدن اشیای داخل اتاق می‌شود.

نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است. او نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُتَجَلّی لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ[1]

سپاس خدای را که با آفرینش موجودات برای آفریدگان تجلی کرد.

و نیز می‌فرماید :

ما رَاَیْتُ شَیْئًا اِلّا وَ رَاَیْتُ اللّٰهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ[2]

هیچ چیزی را ندیدم مگر این‌که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن مشاهده کردم.

دلی کز معرفت نور و صفا دید
به هر چیزی که دید اوّل خدا دید

۱ــ نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۰۸

۲ــ علم‌الیقین، مولی محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹

www.Gama-Plus.ir

بابا طاهر نیز از مشهود بودن خداوند این‌گونه سخن می‌گوید :

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هرجا بنگرم کوه و در و دشت
نشان از قامت رعنا تو بینم[1]

این که انسان در پشت پردهٔ ظاهر و در وراء هر چیزی، خدا را ببیند، معرفتی برتر و عمیق است که در قدم نخست مشکل به‌نظر می‌آید، امّا هدفی امکان‌پذیر و قابل دسترسی است، به‌خصوص برای جوانان؛ زیرا بستر اصلی حرکت به سوی این هدف، پاکی و صفای قلب است که در اغلب جوانان و نوجوانان وجود دارد. کافی است قدم به پیش گذاریم و با عزم و تصمیم راه افتیم. به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت این معرفت را به ما خواهد چشانید.

چرا نمی‌توانیم به ذات خدا پی‌ببریم و بدانیم که او چیست و چگونه است؟

در پاسخ می‌گوییم : موضوعاتی که ما می‌خواهیم دربارهٔ آنها تحقیق کنیم و به تفکر بپردازیم، دو دسته‌اند : برخی از آنها در دایرهٔ شناخت ما قرار می‌گیرند، مانند : گیاهان، حیوان‌ها، ستارگان، بهشت و جهنم که خصوصیات و چیستی هر کدام را می‌توانیم از راه و روش ویژهٔ هر کدام بشناسیم و بدانیم که آنها چگونه وجودی دارند. اینها همه موجودات محدودی هستند که ذهن ما می‌تواند بر آنها احاطه پیدا کند و چگونگی‌شان را دریابد. در حقیقت ذهن ما گنجایش فهم چیستی آنها را دارد. اینها همه امور محدود هستند.

برخی دیگر از آنها فراتر از توانایی دستگاه اندیشهٔ ما هستند و ذهن ما نمی‌تواند بر آنها احاطه پیدا کند. زیرا لازمهٔ شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آنهاست.

مثلاً ما هر عدد یا خطی را تصوّر کنیم، محدود است. خط و عدد نامحدود را نمی‌توانیم تصور کنیم. خدا نیز حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی‌کند. از این‌رو نمی‌توانیم بگوییم که چیست. هر چیستی که برای او فرض کنیم، او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده‌ایم. از این جهت است که پیامبر اکرم فرموده است :

تفکّروا فی کلِّ شیء — در همه چیز تفکر کنید
و لا تفکّروا فی ذاتِ اللّٰهِ[2] — ولی در ذات خدا تفکر نکنید.

۱ــ دیوان بابا طاهر
۲ــ کنزالعمّال، ۵۷۰۴

www.Gama-Plus.ir

البته دین اسلام ما را به تفکر در نعمت‌ها و نشانه‌های خداوند برای شناخت صفات الهی تشویق کرده است، چرا که شناخت صفات و ویژگی‌های خداوند، از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی امکان‌پذیر است.

برای مطالعه

آیا خدا را می‌توان دید؟

رؤیت خداوند با چشم، غیرممکن است. زیرا چشم، یک ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیای مادی می‌تواند عکس‌برداری کند؛ آن هم اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند. زیرا چشم ما نور مادون قرمز و ماوراء بنفش را درک نمی‌کند بنابراین چشم حتی توانایی دیدن همهٔ اشیای مادی را هم ندارد، چه رسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان)، و چه رسد به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. و این قبیل ندیدن اختصاص به دنیا ندارد، در آخرت نیز با این چشم مادی نمی‌توان خدا را دید.[1]

لا تُدْرِكُهُ الْاَبْصارُ	چشم‌ها او را درنمی‌یابند
وَ هُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصارَ	و اوست که دیدگان را درمی‌یابد
وَ هُوَ اللَّطيفُ الْخَبيرُ	و او لطیفِ آگاه است.

انعام، ۱۰۳

اما مرتبه‌ای از دیدن وجود دارد که مرتبه‌ای متعالی است و نه‌تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی می‌باشد. این مرتبه، دیدن به‌وسیلهٔ «قلب» است.

امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود، دربارهٔ این خبر که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پروردگار را مشاهده کرد و مؤمنان نیز پروردگار را مشاهده می‌کنند، فرمود:

«جدّم، که درود خدا بر او و خاندانش باد، هیچ‌گاه پروردگارش را با چشم ظاهر ندید. امّا بدان که دیدن بر دو قِسم است: دیدن با قلب و دیدن با چشم. کسی که منظورش از رؤیت، دیدار قلبی است، درست گفته است. اما کسی که رؤیت را دیدار با چشم بداند، به خدا و آیاتش

۱ــ فردوسی شاعر فارسی‌گوی نیز چنین سروده است:

به بینندگان آفریننده را
نبینی مرنجان دو بیننده را

www.Gama-Plus.ir

کفر ورزیده است. زیرا رسول خدا ﷺ فرموده است : کسی که خدا را با مخلوقاتش شبیه سازد، حقیقتاً کافر است.»

سپس امام علیه‌السلام ادامه داد : «من از پدرم شنیدم که ایشان از پدر خود و او نیز از امام حسین علیه‌السلام چنین نقل کرد که فرمودند : از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، پرسیده شد : ای برادر رسول خدا، آیا پروردگارت را دیده‌ای؟

و ایشان فرمودند : چگونه پرستش نمایم کسی را که ندیده‌ام؟ چشم‌ها وی را از طریق مشاهده ندیده‌اند، ولی دل‌ها با حقایق ایمان دیده‌اند.»[1]

به هر که می‌نگرم صورت تو می‌بینم
از این میان همه در چشم من تو می‌آیی

شمس مغربی به‌گونه‌ای دیگر آن جست‌وجو کننده را مورد خطاب قرار می‌دهد تا با دیدهٔ حقیقت‌بین، هستی را تماشا و تجلی خداوند در جهان را مشاهده کند :

نخست دیده طلب کن، پس آنگهی دیدار
از آن که یار کند جلوه بر اولواالابصار
تو را که دیده نباشد، کجا توانی دید
به گاه عرضِ تجلی، جمال چهرهٔ یار
اگرچه جملهٔ پرتو،فروغ حُسن وی است
ولی چو دیده نباشد، کجا شود نَظّار[2]
تو را که دیده نباشد چه حاصل از شاهد[3]
تو را که گوش نباشد چه سود از گفتار
تو را که دیده بُوَد پرغبار، نتوانی
صفای چهرهٔ او دید با وجود غبار
اگرچه آینه داری برای حُسنِ رخش
ولی چه سود که داری همیشه آینه تار
بیا به صیقل توحید ز آینه بزدای
غبار شرک، که تا پاک گردد از زنگار
اگر نگار تو آیینه‌ای طلب دارد
روان[4]، تودیدهٔ دل را به پیش او می‌دار[5]

۱ــ کفایة‌الاثر، انتشارات بیدار، ص ۲۵۶
۲ــ نظاره کننده
۳ــ زیبارو
۴ــ روان‌شو، زود، فی‌الحال
۵ ــ دیوان شمس مغربی

www.Gama-Plus.ir

سعدی شیرازی با الهام از قرآن کریم که می‌فرماید خداوند از شاهرگ نیز به ما نزدیک‌تر است[1]، دوری از دیدار جمال حق را به کاهلی‌ها و کوتاهی‌های خود نسبت می‌دهد و می‌گوید :

دوست نزدیک‌تر از من به من است
وین عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که دوست
در کنار من و من مهجورم[2]

تجلی گه خود کرد خدا دیدهٔ ما را
در این دیده درآیید و ببینید خدا را
خدا در دل سوداز‌دگان است، بجویید
مجویید زمین را و مپویید سما را
بلا را بپرستیم و به رحمت بگزینیم
اگر دوست پسندید، پسندیم بلا را
طبیبان خداییم و به هر درد دواییم
به جایی که بوَد درد، فرستیم دوا را
ببندید در مرگ و ز مردن مگریزید
که ما باز نمودیم درِ دار شفا را
حجاب رخ مقصود، من و ما و شمایید
شمایید ببینید من و ما و شما را

دیوان حکیم صفای اصفهانی

۱ــ سورهٔ ق، ۱۶

۲ــ کلیات سعدی

www.Gama-Plus.ir

۱ – در آیهٔ ۲۵ سورهٔ روم تفکر کنید و ببینید که چه چیزی را آیه و نشانهٔ خداوند معرفی کرده است. دلیل آن را هم توضیح دهید.

۲ – به آیهٔ ۲۲ و ۲۳ سورهٔ یونس مراجعه کنید و بر اساس آن آیات به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

الف) برخی انسان‌ها در چه لحظاتی بیشتر به یاد خدا می‌افتند؟

ب) توجه به خدا در چنین لحظاتی گویای چیست؟

www.Gama-Plus.ir

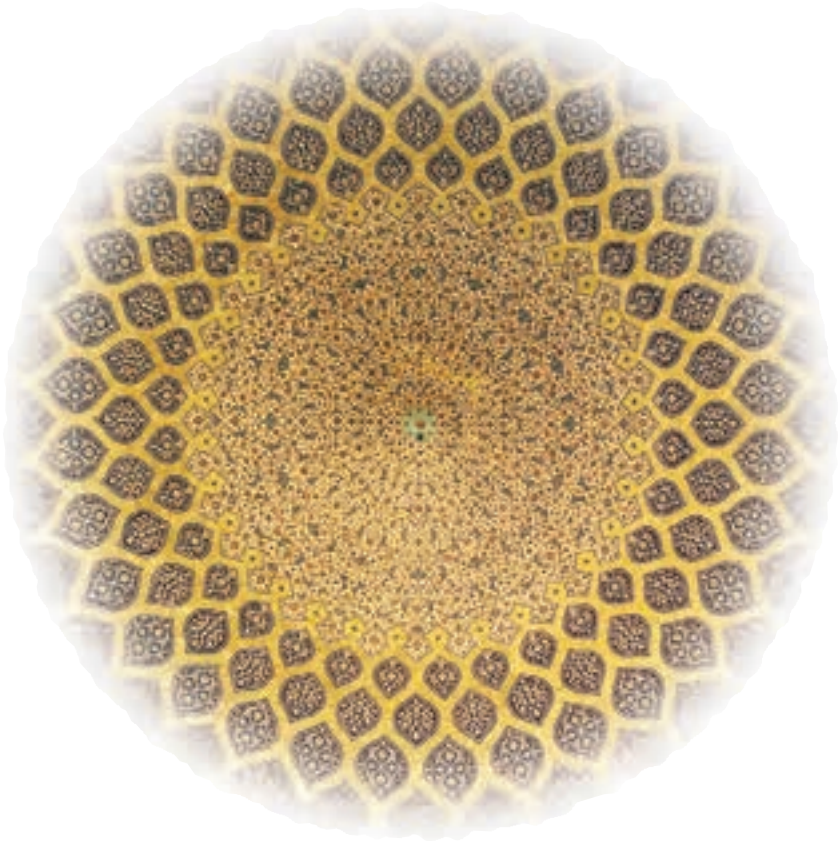

درس دوم

یگانهٔ بی‌همتا

مهم‌ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس تمام دین، توحید است. بدون اعتقاد به آن، هیچ اعتقاد دینی دیگر، اعتبار ندارد. نگرش توحیدی بر تمام آیات قرآن سایه افکنده و مانند روحی در پیکرهٔ معارف و احکام دین حضور دارد و به این پیکره، حیات بخشیده است.

در این درس و درس بعد، حقیقت توحید و مراتب آن را مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم:

۱ـ توحید چیست و یگانگی خدا به چه معناست؟

۲ـ آیا توحید اقسام و شاخه‌هایی دارد؟

۳ـ اعتقاد به توحید چه تأثیری در زندگی فردی و اجتماعی ما دارد؟

www.Gama-Plus.ir

قُلِ اللّٰهُ خالِقُ كُلِّ شَيءٍ .....

و هُوَ الواحِدُ القَهّارُ .....

رعد ۱۶

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ .....

توحید ۱

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ .....

توحید ۴

وَلِلّٰهِ ما فِي السَّماواتِ و ما فِي الْاَرْضِ .....

وَ اِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمورُ[1] .....

آل عمران ۱۰۹

... ما لَهُمْ مِنْ دونِهِ مِنْ[2] وَلِيٍّ .....

وَ لا يُشْرِكُ فى حُكْمِهِ اَحَدًا .....

کهف، ۲۶

اَفَرَاَيْتُمْ ما تَحْرُثونَ	آیا به آنچه می‌کارید توجه کرده‌اید؟
اَ اَنْتُمْ تَزْرَعونَهُ	آیا شما آن را زراعت می‌کنید؟
اَمْ نَحْنُ الزّارِعونَ	یا ماییم که زراعت می‌کنیم؟

واقعه ۶۳ و ۶۴

مِن دونِهِ : جز او

حُكْم : فرمانروایی

۱ــ قسمت اول آیهٔ ۱۰۹ آل‌عمران مربوط به توحید در مالکیت و قسمت دوم دربارهٔ معاد است.

۲ــ معمولاً «مِن» در جملهٔ منفی و سؤالی «هیچ» معنا می‌شود.

www.Gama-Plus.ir

با تفکر در آیات، مشخص کنید که کدام پیام از کدام آیه گرفته شده است.

۱ – خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد (اصل توحید)

سوره..... / آیه.....، سوره..... / آیه.....، سوره..... / آیه.....

۲ – خداوند، تنها خالق و هستی‌بخش جهان است.

سوره..... / قسمت اول آیه.....

۳– همهٔ مخلوقات در کارهای خود نیازمند و وابسته به خداوند هستند، امّا خداوند در ادارهٔ جهان به آنها نیازی ندارد. سوره..... / آیه.....

۴– فرمانروای جهان خداست و هیچ کس در فرمانروایی شریک او نیست.

سوره..... / آیه.....

۵– چون خداوند خالق جهان است، مالک آن نیز می‌باشد. سوره..... / آیه.....

اکنون به تبیین پیام‌های آیات می‌پردازیم تا آنها را بهتر و عمیق تر درک کنیم :

برخی از مراتب توحید[1]

توحید: در کاربرد دینی، یعنی اعتقاد به این که خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد. این یگانگی و بی‌همتایی مراتبی دارد که به تبیین و توضیح برخی از آنها می‌پردازیم. پیام شماره .....

۱ــ توحید در خالقیت: منظور از توحید در خالقیت این است که او تنها مبدأ و خالق جهان است. موجودات همه از او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد. به عبارت دیگر، جهان از اصل‌های متعدد پدید نیامده است. قرآن کریم این حقیقت بزرگ را به انسان‌ها یادآوری می کند و از هر گرایشی به شرک انذار می‌دهد. پیام شماره .....

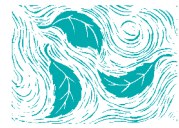

این که تصور کنیم دو یا چند خدا وجود دارند و هرکدام خالقِ بخشی از جهان هستند یا با همکاری یکدیگر، این جهان را آفریده‌اند در واقع هر کدام از آنها را محدود و ناقص فرض نموده‌ایم، زیرا هر یک از خدایان باید کمالاتی را دارا باشد که دیگری آن کمالات را ندارد وگرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، نیازمند هستند و هر یک به خالق کامل و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیاز او را برطرف نماید. اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان،

۱ــ مباحث درس اوّل و دوم دربارهٔ توحید، برگرفته از مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۹۹ تا ۱۰۷ و ۱۱۹ تا ۱۳۷ می‌باشد.

www.Gama-Plus.ir

گاه در میان برخی جوامع وجود داشته و دارد. این افراد گاهی برای خیر و شر دو خدای جداگانه، و گاهی برای پدیده‌های گوناگون طبیعی (مانند باران، زمین، خورشید، باد و ...) چندین خدا در نظر می‌گرفتند.

۲ــ توحید در مالکیت: چون مخلوقات جهان از خداست، مالک اصلی و حقیقی آن‌ها نیز خداوند است و در این مالکیت کسی شریک او نیست.

پیام شماره .....

۳ــ توحید در ولایت: ولایت به معنی سرپرستی و حق تصرف داشتن است. از آنجا که خداوند مالک حقیقی جهان است، بر آن ولایت نیز دارد. یعنی هرگونه تصرف در جهان، حق او و شایستهٔ اوست. و اگر او به کسی اذن دهد، آن شخص نیز می‌تواند در محدودهٔ اجازهٔ خداوند در اشیایی تصرف نماید. چنین اذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست. بلکه بدین معناست که آن شخص، مسیر و مجرای ولایت الهی قرار گرفته و از خودش استقلالی ندارد. اگر خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ولیّ انسان‌ها معرفی می‌کند، بدین معنا نیست که خودش دیگر ولایتی ندارد یا بخشی از ولایت خود را به پیامبر واگذار کرده است؛ بلکه پیامبر واسطه و رسانندهٔ ولایت و فرمان‌های خداوند به مردم است.

پیام شماره .....

۴ــ توحید در ربوبیت: خداوند ربّ العالمین است، یعنی صاحب‌اختیاری است که تدبیر همهٔ امور هستی به‌دست اوست. خداوند که تنها خالق تمام جهان است، به‌طور طبیعی، تدبیر و پرورش همهٔ مخلوقات را نیز در اختیار دارد. اوست که جهان را اداره می‌کند و به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌نماید و به پیش می‌برد.

اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کند و گمان کند غیرخدا می‌تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند گرفتار شرک شده است.

توحید در ربوبیت، بدان معنا نیست که موجودات ــ به‌خصوص انسان ــ قدرت تدبیر ندارند؛ باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درختان نتیجهٔ تدبیر اوست. بلکه، توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش، همه از آنِ خدا و تحت تدبیر اویند.

باغبان، وقتی خود را با دیگران، یعنی کسانی که در کشت دخالتی نداشته‌اند، مقایسه می‌کند، می‌بیند که این زراعت کار خودش است. امّا وقتی رابطهٔ خود را با خدا بررسی می‌کند، می‌بیند که هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست و هم

www.Gama-Plus.ir

درخت و گیاه براساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده است رشد کرده و محصول داده است. درنتیجه، درمی‌یابد که زارع حقیقی و پرورش‌دهندهٔ اصلی درختان و گیاهان خداست، و باید شکرگزار او باشد.

پیام شمارهٔ .....

برخی انسان‌ها توحید در خالقیت را قبول دارند، اما گرفتار شرک در ربوبیت می‌شوند؛ یعنی در کنار ربوبیت الهی برای انسان‌های دیگر یا سایر مخلوقات حساب جداگانه‌ای باز می‌کنند و گمان می‌کنند که آن انسان‌ها یا آن مخلوقات مستقل از خداوند می‌توانند در امور جهان دخالت کنند و مثلاً بیماری را شفا بخشند یا مشکلی را رفع کنند.

طرح یک سؤال

اگر کسی شفای بیمار را از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، یا سایر اولیای دین درخواست کند و عقیده به توانابودن آن بزرگواران در انجام این خواسته، و نیز دیگر نیازها، داشته باشد، آیا گرفتار شرک شده است؟

جواب آن است که همان‌گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای شفای بیماران نیز منافاتی با توحید ندارد. زیرا پزشک به واسطهٔ اسباب مادی و آنان به واسطهٔ اسباب غیرمادی این کار را انجام می‌دهند.

اصولاً عقیده به توانایی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اولیای دین (صلوات‌الله علیهم) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفادادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها بدانیم. امّا اگر این توانایی را از خدا و به اذن خدا بدانیم، عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است.

این توانایی به زمان حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اختصاص ندارد، زیرا روح مطهر ایشان پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند[1]. اکنون اگر ما از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است.

۱ــ نمونهٔ بارز آن شهیدان هستند که به تعبیر قرآن کریم زنده‌اند و مانند زمان حیات در دنیا و بلکه بیشتر از آن، از احوال این دنیا با خبر هستند (بقره،۱۵۴) و معلوم است که مقام پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بالاتر از شهیدان است.

www.Gama-Plus.ir

برای مطالعه

برای توضیح بیشتر به نکات زیر توجه کنید :

۱ــ قرآن کریم، بارها تأثیر داشتن موجودات گوناگون را در عالم یادآوری کرده است. به‌طور مثال، فرموده که

«در عسل برای مردم شفاست[۱].» و نیز از زبان حضرت عیسی علیه‌السلام فرموده «من از برایتان از خاک پرنده‌ای می‌سازم و در آن می‌دمم و آن خاک به اذن خداوند پرنده می‌شود[۲].»

برای قبول توحید در ربوبیت ضرورتی ندارد که هرگونه اثر را از اشیا و یا انسان‌ها سلب کنیم. می‌توان با قبول اثر مخلوقات، این اثر را از خداوند بدانیم، نه مستقل و بی‌نیاز از خداوند.

به این نکتهٔ مهم توجه کنیم که خداوند برای شفابخشی، فقط یک راه ــ که همان دارو باشد ــ قرار نداده است، بلکه فراتر از راه‌های مادی، راه‌های معنوی هم قرار داده است. اولیای الهی هم که مراحل کمال و بندگی را پیموده‌اند، وسیله و طریق این شفابخشی هستند. البته طلب شفا از خداوند و دعا به درگاه او شرایطی دارد که مهم‌ترین آن‌ها **اخلاص** به هنگام دعا و تقاضای قلبی است.

انسان موحد وقتی دارویی مصرف می‌کند و شفا می‌یابد، در همان حال توجه دارد که این اثرگذاری را خداوند به آن دارو عنایت کرده است، از این‌رو از خداوند سپاسگزاری می‌کند، و زمانی که بنده‌ای از بندگان خدا به او احسان می‌کند و نیازی از نیازهایش را برطرف می‌سازد، هم از آن انسان تشکر می‌کند و هم شکرگزار خداوند می‌شود. به همین جهت گفته‌اند :

مَنْ لَمْ یَشْکُرِ الْمَخْلوقَ	کسی که از مخلوق تشکر نکند
لَمْ یَشْکُرِ الْخالِقَ[۳]	سپاس خداوند را به‌جا نیاورده است.

۲ــ کسی که شفابخشی و برآوردن نیازها از طرف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و سایر اولیا را پس از رحلتشان قبول ندارد، فکر می‌کند که حقیقت انسان همین بدن خاکی است که وقتی می‌میرد، ادراک و شعور خود را از دست می‌دهد و دیگر کاری از او ساخته نیست. درحالی که می‌دانیم که حقیقت انسان روح اوست و حیات بدن هم وابسته به آن است. روح، پس از مرگ زنده است و از حال مردمان دنیا باخبر است.

۱ــ نحل، ۶۹

۲ــ آل‌عمران، ۴۹

۳ــ میزان‌الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، ج۲، ص ۱۴۹۳

www.Gama-Plus.ir

۳ــ آنان که با ایمان و عمل صالح و پیمودن صراط مستقیم، مراحل کمال را می‌پیمایند و به قرب الهی می‌رسند، پاداش‌هایی دریافت می‌کنند که کرامات و عنایات به مخلوقات، جلوهٔ کوچکی از آن است. عده‌ای که منکر این کرامات برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سالکان راه کمال‌اند، تفاوتی میان وجود مقدس این بزرگواران با انسان‌های معمولی و یا انسان‌های شرور و گنه‌کار نمی‌بینند. نظام خلقت مبتنی بر حق است، هر انسانی که در مسیر بندگی پیش رود، در پیشگاه خداوند منزلتی می‌یابد و قدرتی پیدا می‌کند که برتر از قدرت‌های طبیعی است و این توانایی جزء قانونمندی الهی و زیبایی نظام جهانی است. در قرآن کریم می‌خوانیم که حضرت یوسف علیه السلام، پیراهن خود را به برادران داد تا به پدر برسانند و چشم او بینا شود. وزیر سلیمان در یک لحظه، تخت بِلقیس (ملکهٔ سبا) را از مسافتی طولانی منتقل کرد. علاوه بر این، قرآن کریم انجام معجزات را به خود پیامبران نسبت داده است. این‌ها، نشان‌دهندهٔ آن است که انسان با طیّ مراتب بندگی می‌تواند به چنین توانایی‌هایی در عالم هستی برسد: العُبودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهُهَا الرُّبوبِيَّةُ[1].

پیشنهاد

* به آیهٔ ۲۲ سورهٔ انبیاء مراجعه کنید و توضیح دهید که این آیهٔ شریفه دربارهٔ چه موضوعی است و چگونه برای اثبات این موضوع استدلال کرده است. برای تحقیق و بررسی کامل‌تر می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید.

۱ – توحید در قرآن، عبدالله جوادی آملی، نشر اسراء

۲ – خدا از دیدگاه قرآن، شهید بهشتی، نشر بقعه

۳– خدا، حسین سوزنچی، انتشارات مدرسه

۱ــ امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۴۵۳.

www.Gama-Plus.ir

بر آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

حافظ

درس سوم

حقیقت بندگی

پس از این که انسان، خدا را به یگانگی شناخت و دانست که تنها وجود مستقل و تنها مبدأ جهان خداست و همچنین، دانست تنها اوست که جهان را اداره می‌کند، این شناخت و اعتقاد، چه تأثیری در زندگی و رفتار او دارد؟ آیا میان عملکرد کسی که اعتقادی به توحید ندارد و کسی که معتقد به آن است، تفاوتی هست؟ در این درس می‌خواهیم تأثیر عملی این اعتقاد را در زندگی و رفتار خود مورد بررسی قرار دهیم.

www.Gama-Plus.ir

اِنَّ اللّٰهَ رَبّی وَ رَبُّکُمْ	.....
فَاعْبُدوهُ	.....
هٰذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ	.....

آل‌عمران، ۵۱

اِتَّخَذوا اَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ	اینان دانشمندان و راهبان خود را
اَرْبابًا مِنْ دونِ اللّٰهِ	به جای خداوند به پروردگاری گرفتند
وَالْمَسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ	و همچنین مسیح پسر مریم را؛
وَما اُمِروا	درحالی که مأمور نبودند
اِلّا لِیَعْبُدوا اِلٰهًا واحِدًا	.....
لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ	.....
سُبْحانَهُ عَمّا یُشْرِکونَ	.....

توبه، ۳۱

وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی کُلِّ اُمَّةٍ رَسولاً	.....
اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ	.....
وَاجْتَنِبُوا الطّاغوتَ	.....

نحل، ۳۶

وَمَن یُسْلِمْ وَجْهَهُ اِلَی اللّٰهِ	هرکس خود را تسلیم خدا کند
وَ هُوَ مُحْسِنٌ	و نیکوکار باشد
فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقیٰ	قطعاً به ریسمان استواری چنگ زده

www.Gama-Plus.ir

وَ اِلَی اللّٰهِ عاقِبَةُ الْاُمورِ — و سرانجام کارها به سوی خداست.
لقمان، ۲۲

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ — .....
فاتحه، ۲

اِیّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیّاكَ نَسْتَعینُ — .....
فاتحه، ۵

توحید در عبادت

پس از شناخت خداوند به‌عنوان تنها خالق و آفرینندهٔ جهان و تنها سرچشمهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌ها وآگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست، اداره‌کننده و تنها تکیه‌گاه و پشتیبان جهان است، در می‌یابیم که تنها وجود شایستهٔ پرستش و عبادت، یعنی تنها معبود واقعی انسان‌ها خداست.

هم‌چنین اطاعت از خداوند نیز لازمهٔ عبودیت و بندگی اوست و اطاعت از هر شخص دیگری اگر براساس اطاعت از خداوند نباشد، نابجا و غلط است. بنابراین اطاعت از رسول گرامی او و اطاعت جانشینان آن حضرت لازمهٔ توحید در عبادت است زیرا حکم و فرمان الهی از طریق رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشینان بزرگوار آن حضرت به مردم می‌رسد و بدون تبعیت و اطاعت از آنان، اطاعت از خداوند ممکن نیست. پس توحید در عبادت آن است که فقط خدای یگانه را پرستش کنیم، تسلیم فرمان‌های او باشیم و کارهای خود را فقط به قصد اطاعت از او و برای کسب رضایت او انجام دهیم.

پیام آیات (۱)

با توجه به آیهٔ ۵۱ سورهٔ آل‌عمران، که در ابتدای درس آمده توضیح دهید که چه رابطه‌ای میان توحید در ربوبیت و توحید در عبادت وجود دارد.
همچنین مشخص کنید کدام قسمت آیه بیانگر توحید در ربوبیت و کدام قسمت بیانگر توحید در عبادت است.

توحید در عبادت دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است که به تبیین هرکدام می‌پردازیم.

www.Gama-Plus.ir

الف) بُعد فردی : انسان موحّد کسی است که فقط خدا را بپرستد و از او اطاعت نماید. او می‌کوشد کشش‌ها و تمایلات درونی و تصمیم‌ها و فعالیت‌های خود را به گونه‌ای سامان دهد که در یک هماهنگی مناسب، سمت و سوی خدایی بگیرند و بر محور بندگی او باشند. چنین فردی در انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب دوست، در تحصیل، گردش، ورزش و مجموعهٔ برنامه‌ریزی‌های خود، خدا و رضایت او را در نظر دارد. او به میزانی که در این جهت پیش می‌رود، امیال و غرایز خود مانند میل جنسی، میل به قدرت و میل به ثروت را تنظیم و کنترل می‌نماید و گرایش‌های برتر، مانند حقیقت‌طلبی، عدالت‌خواهی، نوع‌دوستی و احسان و جوانمردی در رفتار او ظهور بیشتری می‌یابد. چنین انسانی دارای شخصیتی یگانه و یکپارچه در جهت عبودیت و پرستش خدا می‌شود.

در مقابل، انسان مشرک به جای تبعیت از خداوند و کسب رضایت او، از هوای نفس خود یا دیگران اطاعت می‌کند و کارهایش را برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی و یا خوشامد دیگران انجام می‌دهد.

از آن‌جا که انسان مشرک تحت سلطهٔ تمایلات و خواسته‌های نفسانی خود و دیگران قرار دارد، فردی است چند شخصیتی با جهت‌گیری‌های متفرق و سمت و سوهای پراکنده و در خدمت معبودهای گوناگون که هرکدام او را به سویی می‌کشند و آرامشش را سلب می‌کنند.

*خداوند در آیهٔ ۲۹ سورهٔ زمر برای انسانی که درون خود گرفتار شرک است مثالی می‌زند. در این آیه تفکر کنید و وجه مشابهت را توضیح دهید.

ب) بُعد اجتماعی : بُعد دیگر توحید در عبادت، بُعد اجتماعی آن است که به معنای یگانه و یکپارچه‌شدن نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه‌جانبه از اوست. جامعه از افراد گوناگون و نهادها و سازمان‌های مختلف تشکیل شده است. اگر این افراد بکوشند که در روابط خود با یکدیگر، به جای خواست‌ها و تمایلات خود، فرمان الهی را حاکم کنند و از پذیرش فرمان طاغوت‌ها و ظالمان و ستمگران سرباز زنند و مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم نمایند، بُعد اجتماعی توحید عبادی تحقق می‌یابد.

میان بُعد فردی و اجتماعی توحید تشابه و تناسب وجود دارد. همان‌طورکه اگر کسی در مسیر توحید عملی گام بردارد، به شخصیتی متوازن، متعادل و زیبا می‌رسد، در جامعه‌ای نیز که در مسیر

www.Gama-Plus.ir

توحید حرکت می‌کند، نه‌تنها ستمگران بر مردم حاکم نمی‌شوند، بلکه روابط فرهنگی و مناسبات اقتصادی نیز به تعادل، توازن، هماهنگی و انسجام می‌رسد و به جامعه‌ای زیبا تبدیل می‌شود و عدالت اجتماعی در همهٔ ابعاد آن واقعیت می‌یابد.

در مقابل، اگر هر یک از افراد جامعه، خواست‌ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت‌های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیررساندن به دیگران نباشند، تفرقه و تضاد جامعه را فرا می‌گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می‌رود. همواره در چنین جامعه‌ای انسان‌های ستمگر و مستکبر، قدرت اجتماعی و سیاسی را به‌دست می‌آورند و انسان‌های دیگر را در خدمت امیال خود به‌کار می‌گیرند.[1] در این گونه جوامع سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.[2]

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ – آیهٔ ۳۱ سورهٔ توبه مردم را به عبادت چه کسی دعوت می‌نماید؟

.....

۲ – بنا بر آیهٔ ۳۶ سورهٔ نحل، چه چیزی لازمهٔ توحید در عبادت است؟

.....

۳– تسلیم در برابر خداوند مربوط به‌کدام قسم از توحید است؟

.....

۴– عبارت «الحمد للّه» بیانگر کدام قسم توحید است؟

.....

۵– عبارت «ربِّ العالمین» بیانگر کدام قسم توحید است؟

.....

۶ – عبارت «ایّاک نعبد و ایّاک نستعین» بیانگر کدام قسم توحید است؟

.....

۷– آیه ۳۱ سورهٔ توبه بیانگر کدام توحید است؟

.....

۱ــ مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، صص، ۱۱۰ ــ ۱۱۷

۲ــ آیاتی که در ابتدای درس آمده هم می‌تواند بر توحید فردی دلالت داشته باشد و هم توحید اجتماعی. بنابراین لازم نیست که این آیات از جهت توحید فردی و اجتماعی از یکدیگر تفکیک شوند.

www.Gama-Plus.ir

دژ مستحکم خداوند

کلمهٔ «لااِلٰـهَ اِلّاالـلّٰـهُ»، کلمهٔ توحید و مهم‌ترین شعار اسلام و جامع همهٔ ابعاد و اقسام توحید و نفی هرگونه شرک است. توجه به این شعار و تفکر در آن بسیار ارزشمند و موجب فلاح و رستگاری است. از همین‌رو، پیشوایان ما توصیه کرده‌اند که این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جان ما عجین شود. در ندای اذان که دعوت مسلمانان به نماز است، این عبارت، هر روز چندین بار تکرار می‌شود و برای آن، پاداش‌های بزرگی ذکر کرده‌اند؛ پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «بهای بهشت لااِلٰـهَ اِلّاالـلّٰـهُ است»[1]. هرچه انسان به درک بالاتر و ایمان قوی‌تری نسبت به این عبارت برسد، بیشتر از گناه در حضور خداوند و سرپیچی از راهنمایی‌های او دوری می‌کند. به همین جهت این کلمه دژی است که انسان را از گناه حفظ می‌کند و به مراتب بالاتری از زیبایی‌ها و کمال‌ها می‌رساند اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام این بود که:

قولوا لا اِلٰـهَ اِلّا الـلّٰـهُ .....

تُـفْـلِـحوا[2] .....

همچنین ایشان دربارهٔ این کلمه فرمود:

«نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ای پرمحتوا همانند «لااِلٰـهَ اِلّاالـلّٰـهُ» نگفته‌ایم.»[3]

این عبارت کوتاه که در حدّ یک کلمه است، از دو بخش تشکیل یافته، یکی نفی معبود (لا اله)، مانند بت‌های ساختگی و طاغوت‌ها و دیگری (الا اللّه) اثبات خدا به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است؛ از این‌رو پیامبر فرمود: این کلمه دژی است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند. به همین جهت خداوند این کلمه را «دژ مستحکم خود» نامیده است:[4]

۱ــ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۹

۲ــ بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲

۳ــ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۱۱

۴ــ چنان که در درس هشتم دین و زندگی (۳) خواندیم، هنگامی که امام رضا علیه‌السلام در سفر به خراسان، به نیشابور رسید، مردم شهر به استقبال ایشان آمدند و درخواست کردند که برای آنان صحبت کند. آن بزرگوار، این حدیث را از قول پدرگرامیش امام کاظم علیه‌السلام و ایشان نیز از قول اجداد طاهرینش و آنان نیز از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند. و چون همهٔ نقل‌کنندگان حدیث تا پیامبر اکرم ﷺ معصوم بوده‌اند، به حدیث «سلسلة الذهب» (زنجیرهٔ طلایی) مشهور شده است.

www.Gama-Plus.ir

كَلِمَةُ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ	کلمهٔ «معبودی جز اللّٰه نیست»
حِصْنی	دژ مستحکم من است
فَمَنْ دَخَلَ حِصْنی	پس هر کس داخل دژ من شود
اَمِنَ مِنْ عَذابی	از عذاب من در امان است[1].

توحید و شرک در جهان امروز

توحید، محور و روح زندگی دینی و شرک، محور و روح زندگی ضد دینی است. اکنون که مراتب و ابعاد توحید و شرک را شناخته‌ایم، می‌خواهیم ببینیم که زندگی انسان عصر حاضر تا چه اندازه توحیدی است و کدام مرتبه از توحید مورد غفلت قرار گرفته است.

اغلب مردم دنیا قبول دارند که خالق جهان، خدای یگانه است و همین خدا جهان را تدبیر و اداره می‌کند، با این حال، وقتی به زندگی انسان عصر جدید می‌نگریم، با مواردی روبه‌رو می‌شویم که با این پذیرش هم‌خوانی ندارد؛ از جمله این که:

۱ــ بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آنها جایگاهی ندارد. زرق و برق و زینت دنیا و لذات و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای خلوت انس با خدا و درک معنویت نیایش با پروردگار باقی نگذارده است. گویی هویٰ و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، بُت و معبودشان شده و آنها را می‌پرستند، به‌گونه‌ای که از ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره و اینترنت و سایر رسانه‌ها برای رسیدن به این لذات دنیایی بهره می‌برند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند.

معرفت به خداوند، زمانی میوهٔ خود را می‌دهد که از مرحلهٔ شناخت ذهنی به مرحلهٔ ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود. یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک‌ترین حوادث عالم نیز حضور دارد و چرخ خلقت با تدبیر خداوند می‌گردد و این بت‌ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

۲ــ با این که نمونه‌هایی از پرستش بت‌های سنگی و چوبی هم‌اکنون نیز در کشورهایی مانند ژاپن و هند دیده می‌شود، امّا دنیای امروز گرفتار شرک و بت‌پرستی پیچیده‌تر و خطرناک‌تری شده است. اگر بت‌پرستان عصر جاهلیت ۳۶۰ بت می‌پرستیدند، امروزه بسیاری از انسان‌ها هزاران بت برای خود تراشیده و می‌پرستند. راستی، بت‌های بزرگ روزگار ما چه هستند؟

۱ــ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۲۶

www.Gama-Plus.ir

قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت‌پرستی را به ما ارائه نموده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهدهٔ خودمان قرار داده است. اطاعت از ارباب‌هایی جز خداوند، بندگی کسانی جز او و خارج‌کردن دین خداوند از برنامه‌های زندگی و تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می‌کنند، شرک و بت‌پرستی است. ریشهٔ بت‌پرستی و شرک جدید آن است که برخی از انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند.[1]

با توجه به این نکات، بت‌های درونی و بیرونی عصر ما کدام‌اند؟ آیا انسان امروز در نحوهٔ زندگی اجتماعی، روابط اقتصادی، احکام قضایی و روابط سیاسی، به رضایت خداوند توجه دارد یاتابع قدرت‌های استکباری است؟ آیا بخش وسیعی از مردم جهان در انتخاب نوع پوشش، نوع غذا، نوع تفریح، مشاهدهٔ فیلم، مطالعهٔ کتاب، ورود به سایت‌ها در اینترنت، به خواست و رضایت خداوند توجه می‌کنند؟ در انتخاب الگوها و اسوه‌ها چطور؟ آیا اسوه‌ها و الگوهایی که اکنون مطرح‌اند و تبلیغ می‌شوند، همان کسانی هستند که خداوند معرفی می‌کند؟ آیا این اسوه‌ها، پیشروان علم، قهرمانان جهاد، فداکاران در راه آرمان‌های متعالی، مبارزان برای نجات از بند استعمار و وابستگی، و آنانی هستند که دیدارشان انسان را به یاد خدا می‌اندازد؟ یا ...؟ تصویر چه الگوهایی دیوار اتاق‌ها را تزیین کرده است؟

* دربارهٔ سؤال‌های بالا با دوستان خود همفکری کنید و نتیجهٔ آن را در کلاس گزارش دهید.

۱ – در عصر ما کدام نوع از شرک بیشتر شایع شده است؟ نمونه‌هایی از آن را بیان کنید.

۲ – چرا نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان بیشتر شرک‌آلود هستند؟

۱ــ ابراهیم، ۳

www.Gama-Plus.ir

پیشنهاد

* ۱ – برای این که همواره به یاد داشته باشیم که این جهان متکی به خداست و هر لحظه از او نیرو و مدد می‌گیرد، چه راه هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

۲– برای این که زندگی فردی و اجتماعی ما نشان‌دهندهٔ توحید در عبادت باشد، پیشنهادهای خود را برای هر یک از دو جنبهٔ فردی و اجتماعی بیان کنید.

www.Gama-Plus.ir

درس چهارم

در مسیر اخلاص

جن و انس را نیافریدم مگر برای بندگی من

ذاریات، ۵۶

دانستیم که زندگی عرصهٔ عبادت و بندگی خداست تا با پرستش او مسیر رسیدن به سعادت و کمال را بپیماییم و به سرچشمهٔ زیبایی‌ها برسیم.

در این درس می‌خواهیم بدانیم: چگونه می‌توانیم خداوند را خالصانه عبادت کنیم و نه‌تنها نماز بلکه سایر فعالیت‌های زندگی را برای خدا و در جهت رضایت او انجام دهیم؟

به عبارت دیگر: چگونه می‌توانیم در بندگی خود انسانی با اخلاص باشیم؟

www.Gama-Plus.ir

۱ـ قُلْ اِنَّما اَعِظُکُمْ بِواحِدَةٍ .....
اَنْ تَقوموا لِلّٰهِ .....
مَثْنیٰ وَ فُرادیٰ .....
ثُمَّ تَتَفَکَّروا .....
سبأ، ۴۶

۲ـ اِنّا اَنْزَلْنا اِلَیْكَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ .....
فَاعْبُدِ اللّٰهَ .....
مُخْلِصًا لَهُ الدّینَ .....
زُمر، ۲

اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَیْکُمْ یا بَنی آدَمَ .....
اَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّیْطانَ .....
اِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ .....
وَ اَنِ اعْبُدونی .....
هٰذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ .....
یس، ۶۰ و ۶۱

... کَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ — این گونه بازگرداندیم
عَنْهُ السّوءَ وَ الْفَحْشاءَ — از او بدی و زشت کاری را
اِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُخْلَصینَ — چرا که او از بندگان مخلص ما بود
یوسف، ۲۴

www.Gama-Plus.ir

وَالَّذینَ جاهَدوا فینا	کسانی که درراه ما تلاش و مجاهده کنند
لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا	قطعاً راه‌های خود را به آنان می‌نمایانیم
وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنینَ	و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است.
عنکبوت، ۶۹	
... لَوْ کُنّا نَسْمَعُ اَو نَعْقِلُ	اگر می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم
ما کُنّا فی اَصْحابِ السَّعیرِ	در میان دوزخیان نبودیم
ملك، ۱۰	
وَ اَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْری	.....
طه، ۱۴	
اَعِظُکُم : پند می‌دهم شما را	**تَقوموا** : قیام کنید
مُخْلِصًا : درحالی که خالص کرده باشی	**اَلَمْ اَعْهَدْ** : آیا عهد نکرده بودم

اخلاص در بندگی

انسان، همواره بر سر دو راهی بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحنهٔ انتخاب یکی از این دو راه است. خداوند از ما می‌خواهد از عبادت شیطان دور شویم و به بندگی خدا درآییم. خداوند، گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیلهٔ پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است. انسان‌هایی که این گرایش فطری را نادیده گرفته‌اند و بندهٔ هوای نفس و شیطان شده‌اند، از این گرایش غافل شده وسرگرم امور زودگذر دنیا گردیده‌اند.

پیام آیات (۱)

خداوند، در قرآن کریم، چنین بندگانی را مورد سؤال قرار می‌دهد و از آنها بازخواست می‌کند؛ آیهٔ مربوط به آن را مشخص کنید و دو پیام در این باره استخراج نمایید.

.....

.....

.....

www.Gama-Plus.ir

اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که تمام جهت گیری‌های زندگی انسان سمت و سویی الهی پیدا کند و همهٔ کارها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس و شیطان در آن‌ها راه نداشته باشد. بنابراین، اخلاص در بندگی معنای دیگری از توحید عبادی است و به هر میزان که درجهٔ اخلاص انسان بیشتر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی‌تر و درجه‌اش در بهشت بالاتر است.

توجه کنیم که :

هر عملی از دو جزء تشکیل شده است :

اوّل: نیّت، که به آن هدف یا قصد نیز می‌گوییم.

دوم: شکل و ظاهر عمل.

قصد و نیّت به منزلهٔ روح عمل است و شکل عمل نیز در حکم جسد و کالبد آن روح می‌باشد. بنابراین، عمل بدون نیّت، کالبد بی‌جانی بیش نیست. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است :

نِیَّةُ الـمُـؤمِـنِ خَیـرٌ مِن عَـمَـلِـهِ نیت مؤمن، برتر از عمل اوست[1].

در انجام هر عمل، هم باید نیّت درونی و قلبی انسان الهی باشد و هم باید مطابق با شیوه‌ای که خدا فرمان داده است، انجام شود. شرط اوّل را «حُسن فاعلی» و شرط دوم را «حُسن فعلی» می‌نامند. مثلاً کسی که نماز می‌خواند، هم باید نماز را برای تقرب الهی و رضای او انجام دهد و هم آن را مطابق با دستور خداوند به‌جا آورد. حسن فاعلی به‌طور طبیعی حسن فعلی را به دنبال می‌آورد. یعنی کسی که قلباً با خدای خود خالص است و فقط رضایت او را می‌جوید، اگر بداند خداوند فرمان داده که عملی مانند نماز باید به شکل خاصی انجام شود، او نیز به همان شکل انجام خواهد داد.

* چگونه ممکن است در جایی حُسن فعلی باشد امّا حُسن فاعلی همراه آن نباشد. با ذکر چند مثال این دو را مقایسه کنید.

آیا بر همین اساس نمی‌توان تفاوت میان ریا و اخلاص را به‌دست آورد؟

۱ــ اصول کافی، ج ۲، ۸۴

www.Gama-Plus.ir

پیام آیات (۲)

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و مشخص کنید کدام آیه بر اخلاص تأکید کرده است. پیام آن آیات را در این باره بنویسید.

.....

برنامه ریزی برای اخلاص

برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص، برنامه‌های زیر را می‌توان درپیش گرفت :

۱ــ تقویت روحیهٔ حق‌پذیری : اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص «حق‌پذیری» است. کسی که در مقابل حقّ تسلیم و خاضع است، به‌آسانی وارد مسیر بندگی می‌شود و به‌سرعت راه موفقیت را می‌پیماید. افراد حق پذیر، تابع دلیل هستند و وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می‌روند. امّا کسانی که راه ورود به حق را بر خود بسته‌اند و به جای پیروی از عقل، از هویٰ و هوس پیروی می‌کنند، وقتی خیرخواهی اطرافیان و دوستان را می‌شنوند، دست به انکار می‌زنند و می‌گویند «دلم نمی‌خواهد.» اینان توجه نمی‌کنند که دل را دو ندا به سوی خود دعوت می‌کند، ندایی از عقل و ندایی از هوس. با اندکی تأمل می‌توان فهمید که دل ما به کدام ندا پاسخ می‌دهد؟

تفکر

۱ – نمودار بالا، انسان‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند. آن دو دسته را مشخص کنید.

.....

.....

۲ – آیهٔ ۱۰ سورهٔ ملک مربوط به کدام دسته است؟ پیام آن آیه را هم بنویسید.

.....

.....

خودارزیابی

* روحیهٔ حق‌پذیری خود را هنگام مشورت یا بحث و نظر با دیگران، ارزیابی کنید. برای این کار، خود را چند روز زیر نظر بگیرید و ببینید که وقتی دوستان شما نظری را مطرح می‌کنند، آیا به نظر آنها گوش می‌دهید یا از ابتدا تصمیم دارید که آن را رد کنید.

www.Gama-Plus.ir

۲ــ افزایش معرفت به خداوند: به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق‌تر بشناسیم، انگیزهٔ ما برای پرستش و بندگی نیز افزایش می‌یابد. دعوت قرآن کریم به تفکر و تعقل در آیات و نشانه‌های الهی به همین مقصود است. بنابراین بر ما لازم است اوقاتی را به تفکر در آیات و نشانه‌های الهی در خلقت اختصاص دهیم و هنگام دیدن هریک از مخلوقات پیرامون خود سعی کنیم حکمت و قدرت عظیم خالق آن را به یاد آوریم و فراموش نکنیم که :

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این‌همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار[1]

اما اگر کسی پردهٔ غفلت را کنار نزند، هم‌چنان نابینا خواهد ماند و از نور روی دوست بهره‌ای نخواهد برد.

مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرّات جهان
هر دو عالم پر ز نور و دیدهٔ نابینا چه سود؟

۳ــ راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او: نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می‌کند، غفلت را کنار می‌زند و انسان را از امدادهای او بهره‌مند می‌کند. در میان مناجات‌ها و دعاها، نماز جایگاه ویژه‌ای دارد. نماز، عبادتی است که خداوند خود به ما آموزش داده و از ما خواسته است که با او این گونه سخن بگوییم. این عبادت، حداقل پنج نوبت در شبانه‌روز انجام می‌شود و به طور مداوم ما را به یاد خدا می‌اندازد و حضور او را در زندگی ما تقویت می‌کند.

در آیهٔ ۱۴ سورهٔ طه تفکر کنید و به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱ – قرآن کریم ما را به انجام چه عملی دعوت می‌کند؟

.....

۲ – هدف از این عمل چیست؟

.....

۱ــ دیوان سعدی

www.Gama-Plus.ir

خودارزیابی

* چه‌قدر از شبانه‌روز را به گفت و گوی صمیمانه با خداوند اختصاص می‌دهید؟ برای این کار آیا برنامه‌ای دارید؟ آیا نماز را به گونه‌ای می‌خوانید که تأثیر آن را، هرچند به‌طور موقت، بر روی خود بیابید؟

با این سؤال‌ها خود را ارزیابی کنید و بر اساس آن تصمیم بگیرید و برنامه‌ریزی نمایید.

۴ــ یاد معاد و روز حساب: یکی از راه‌های بسیار مؤثر برای تقویت عبودیت و اخلاص، توجه به این حقیقت است که همهٔ ما حیات جاودانه‌ای در پیش داریم که کیفیت و چگونگی آن در همین جهان و به دست خود ما تعیین می‌شود. کیست که پیوسته به یاد معاد و زیبایی‌های بهشت و عذاب‌های جهنم باشد، امّا خود را برای آن آماده نکند؟

همهٔ ما باید به‌طور مداوم بنگریم که چه چیزی برای فردا آماده کرده‌ایم[1] و به خود یادآوری کنیم که «ساکنان آتش» با «یاران بهشت» یکسان نیستند و فقط یاران بهشت هستند که نجات می‌یابند.[2]

چه‌قدر هیجان‌انگیز و شادی‌آور است آن زمان که انسانی مخاطب خداوند قرار گیرد و به او گفته شود: «ای نفس به آرامش رسیده، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت باز گرد، در میان بندگان خودم درآی، و در بهشت خودم داخل شو.»[3]

۵ ــ انجام عمل صالح: قرآن کریم غالباً عمل صالح را بعد از ایمان معرفی نموده است. زیرا وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را شناخت و به آن ایمان آورد، پای در میدان عمل می‌گذارد و از کار و تلاش و مجاهدت باز نمی‌ایستد. عمل صالح، انسان را پرورش می‌دهد و وجودش را خالص می‌سازد. خداوند نیز ادامهٔ مسیر را به او نشان می‌دهد و او را بیشتر هدایت می‌کند.

پیام آیات (۴)

کدام یک از آیات ابتدای درس به این موضوع اشاره کرده است؟ پیام آن چیست؟

.....

۱ــ حشر، ۱۸

۲ــ حشر، ۲۰

۳ــ فجر، ۲۷ تا ۳۰

www.Gama-Plus.ir

میوه‌های درخت اخلاص

اولین ثمرهٔ اخلاص، عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فردِ با اخلاص است. به تدریج که انسان رشته‌های اخلاص را محکم می‌کند، توانایی شیطان در وسوسه کردن کم می‌شود تا جایی که به هیچ‌وجه نمی‌تواند در وی تأثیر بگذارد.

عبارت زیر را تکمیل کنید و مشخص نمایید که این عبارت از کدام آیه گرفته شده است.

سوره...../ آیه.....

خداوند حضرت یوسف را از ..... حفظ کرد.

زیرا آن حضرت .....

همان‌طور که شیطان برای کشاندن حضرت یوسف علیه‌السلام به گناه و فساد، دام گسترده بود، امروزه نیز دام‌های گوناگونی پهن کرده است تا هوس انسان‌ها را تحریک کند و به گناه سوقشان دهد و آنان را از بهشت جاویدان محروم کند. فیلم‌ها، سایت‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی از جملهٔ این دام‌هاست که مقاومت در برابر آنها نیازمند روی‌آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانهٔ فرمان‌های اوست. اما کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود، هم زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد و هم حیات سرشار از شادکامی آخرت را. شیطان، خود اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص را ندارد[1].

ثمرهٔ دیگر اخلاص در پرستش، دستیابی به معرفت و اندیشه‌های محکم و استوار است. وقتی حکمت، که همان دانش متین و محکم است، در اختیار انسان قرار گرفت، سبب می‌شود که فرد بتواند آگاهانه و درست تصمیم بگیرد و دچار سرگردانی نشود.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

هرکس بتواند چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد.[2]

۱ــ حجر، ۴۰ و صٓ، ۸۳

۲ــ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۳

www.Gama-Plus.ir

ثمرهٔ دیگر اخلاص، احساس اطمینان و آرامش روانی، زندگی سالم و به دور از فساد، احساس لذت واقعی از زندگی خود، نجات از دغدغه‌ها و اضطراب‌ها و کسب زیبایی‌های معنوی در عین بهره‌مندی مطلوب از لذت‌های دنیاست.

آن‌چه گفتیم، میوه‌های اولیهٔ درخت اخلاص و عبودیت است. برخی از میوه‌های آن در ذهن ما نمی‌گنجد، مگر آن وقت که راه‌های عالی بندگی را بپیماییم و آن میوه‌های وصف‌ناشدنی را بچینیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرزندان آدم علیه السلام را این‌گونه ندا می‌دهد:

یا بَنی آدَمَ	ای فرزندان آدم،
اَنَا غَنِیٌّ لا اَفْتَقِرُ	من بی‌نیازی هستم که نیازمند نمی‌شوم
اَطِعْنی فی ما اَمَرْتُكَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
اَجْعَلْكَ غَنِیًّا لا تَفْتَقِرُ	تا تو را آن‌چنان بی‌نیاز کنم که نیازمند نشوی
یا بَنی آدَمَ	ای فرزند آدم،
اَنَا حَیٌّ لا اَموتُ	من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم
اَطِعْنی فی ما اَمَرْتُكَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
اَجْعَلْكَ حَیًّا لا تَموتُ	تا تو را زندگی‌ای بخشم که نمیری
یا بَنی آدَم	ای فرزند آدم،
اَنَا اَقولُ لِلشَّیْءِ کُنْ فَیَکونُ	من به هر چه می‌گویم «باش»، می‌شود
اَطِعْنی فی ما اَمَرْتُكَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
اَجْعَلْكَ	تا تو را چنان قرار دهم
تَقولُ لِلشَّیْءِ کُنْ فَیَکونُ	که به هر چیز بگویی «باش»، بشود.[1]

بالاترین میوهٔ اخلاص در بندگی، دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرمؤمنان نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های صادقان، ولیّ مؤمنان و معبود عالمیان است.[2]

۱ــ عدّةُالدّاعی، ابن فهد حِلّی، ص ۲۹۱ (به نقل از کتاب «به سوی خودسازی» از استاد مصباح یزدی، ص ۱۸۳)

۲ــ دعای کمیل

www.Gama-Plus.ir

کافی است به زندگی زیبا و پر از جمال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فاطمه زهرا علیهاالسلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که چگونه این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را از راه بندگی به‌دست آورده‌اند.

بندگی کن تا که سلطانت کنند
تن رها کن تا همه جانت کنند
همچو سلمان در مسلمانی بکوش
ای مسلمان تا که سلمانت کنند
خوی حیوانی سزاوار تو نیست
ترک این خو کن که انسانت کنند
چون نداری درد، درمان هم مخواه
درد پیدا کن که درمانت کنند
بندهٔ شیطانی و داری امید
که ستایش همچو یزدانت کنند؟ [1]

۱ – اخلاص در عبادت با توحید عبادی چه رابطه‌ای دارد؟ آیا می‌تواند به یک معنا باشد؟ توضیح دهید.

۲ – از نظر اخلاص و ریا چند رابطه می‌تواند میان نیّت و عمل برقرار باشد؟

۳– نمونه‌هایی از حق‌پذیری یا ایستادگی در برابر حق را که در جامعهٔ پیرامون خود تجربه کرده‌اید، ذکر کنید و عامل آنها را توضیح دهید.

۴– از نظر شما، در میان برنامه‌های پیشنهادشده برای رسیدن به اخلاص، کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟ چرا؟

۱ــ خزائن‌الاشعار، سید عباس جوهری

www.Gama-Plus.ir

پیشنهاد

* با استفاده از روش‌های پیشنهاد شده در کتاب و روش‌های ابتکاری خود، برنامه‌ای برای تقویت اخلاص تنظیم کنید و در تنظیم آن از الگویی که در کتاب سال اوّل برای برنامه‌ریزی داده شده، کمک بگیرید. این برنامه نیازمند مراقبت جدی و محاسبهٔ دائمی شماست.

تاریخ:

برنامه‌ها: ۱ـ .....

۲ـ .....

۳ـ .....

نکاتی که برای هر برنامه در طول روز باید رعایت شود:

۱ـ .....

۲ـ .....

۳ـ .....

میزان موفقیت:

عوامل موفقیت	عوامل شکست

پیشنهادها برای روز بعد:

www.Gama-Plus.ir

درس پنجم

قدرت پرواز

در درس‌های پیشین که سخن از توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادت بود، گفته شد که تنها مالک، ربّ و مدبر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در ادارهٔ جهان در کنار او قرار نمی‌گیرند و با او شریک نمی‌شوند. همهٔ موجودات، تحت اراده و مدیریت خداوند و به اذن او عمل می‌کنند.

در این درس به یاری خداوند، به بررسی این سؤال خواهیم پرداخت که: با توجه به این که همهٔ رخدادها و حوادث جهان، تحت اراده و مدیریت خداوند است، نقش اراده و اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟ آیا این نظام بستری مناسب برای ظهور اختیار انسان است یا مانع آن می باشد؟

www.Gama-Plus.ir

اِنّـا هَـدَیْـناهُ الـسَّـبیـلَ	.....
اِمّـا شاکِـرًا وَ اِمّـا کَـفورًا	.....

انسان، ۳

قَـدْ جاءَکُـمْ	به‌راستی آمده است نزد شما
بَـصائِـرُ مِـنْ رَبِّـکُـمْ	رهنمودهایی از پروردگارتان؛
فَـمَـنْ اَبْـصَـرَ فَـلِـنَـفْـسِـهِ	پس هر که بینا گشت به سود خودش،
وَ مَـنْ عَـمِـیَ فَـعَـلَـیْـها	و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است
وَ ما اَنَـا عَـلَـیْـکُـمْ بِـحَـفیـظٍ	و من بر شما نگهبان نیستم

انعام، ۱۰۴

اِنَّ الـلّٰـهَ یُـمْـسِـکُ	همانا خداوند نگه می‌دارد
الـسَّـماواتِ وَ الْاَرْضَ	آسمان‌ها و زمین را
اَنْ تَـزولا	از منحرف شدن
وَ لَـئِـنْ زالَـتا	و اگر منحرف شوند
اِنْ اَمْـسَـکَـهُـما	نگه نمی‌دارد آن دو را
مِـنْ اَحَـدٍ مِـنْ بَـعْـدِهِ	هیچ کسی بعد از او
اِنَّـهُ کانَ حَـلیـمًا غَـفورًا	اوست بردبار آمرزنده

فاطر، ۴۱

اِنّـا کُـلَّ شَیْءٍ	.....
خَـلَـقْـناهُ بِـقَـدَرٍ	.....

قمر، ۴۹

www.Gama-Plus.ir

هُوَالَّذی یُحْیی وَ یُمیتُ	اوست که زنده کند و بمیراند
فَاِذا قَضیٰ اَمْرًا	و چون به کاری حکم کند
فَاِنَّما یَقولُ لَهُ	پس به آن می‌گوید
کُنْ فَیَکونُ	باش، پس می‌باشد

غافر، ۶۸

اَللّٰهُ الَّذی سَخَّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ	.....
لِتَجْرِیَ الْفُلْکُ فیهِ بِاَمْرِهِ	.....
وَ لِتَبْتَغوا مِنْ فَضْلِهِ	.....
وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرونَ	.....

جاثیه، ۱۲

لَا الشَّمْسُ یَنْبَغی لَها	نه خورشید را سزد
اَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ	که به ماه رسد
وَ لَا اللَّیْلُ سابِقُ النَّهارِ	و نه شب بر روز پیشی جوید
وَ کُلٌّ فی فَلَكٍ یَسْبَحونَ	و همه در مداری در گردشند.

یس، ۴۰

کَفور : ناسپاس	**قَدَر** : اندازه
سَخَّرَ : مسخّر کرد، رام کرد	**لِتَجْرِیَ** : تا حرکت کند
لِتَبْتَغوا : تا بجویید	

اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود

تفاوتی اساسی میان آتش که می‌سوزاند، آب که جاری می‌شود، گیاه که می‌روید و حیوان که راه می‌رود، با انسان وجود دارد. هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و چندین راه

www.Gama-Plus.ir

مختلف قرار می‌گیرد و از آن‌ها یکی را برمی‌گزیند.

توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است. اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. مولوی این حقیقت را در قالب یك مثال این‌گونه یادآوری می‌کند :

آن یکی بر رفت بالای درخت
می‌فشاند او میوه را دزدانه سخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دَنی
از خدا شرمت، بگو چه می‌کنی؟
گفت: از باغ خدا بندهٔ خدا
می‌خورد خرما که حق کردش عطا
پس ببستش سخت آن دَم بر درخت
می‌زدش بر پشت و پهلو چوب سخت
گفت: آخر از خدا شرمی بدار
می‌کُشی این بی‌گنه را زار زار
گفت: کز چوبِ خدا این بنده‌اش
می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش
چوبِ حق و پشت و پهلو، آنِ او
من غلام و آلت فرمان او
گفت: توبه کردم از جبر ای عیار
اختیار است اختیار است اختیار[1]

با وجود روشن بودنِ اختیار، نشانه‌های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می‌کنیم، از جمله :

۱ــ تفکر و تصمیم : در ساعات متفاوت شبانه‌روز تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را با سبک و سنگین کردن می‌سنجیم. گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چند راه و چند کار، کدام یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی از

۱ــ مثنوی معنوی، مولوی

www.Gama-Plus.ir

آن راه‌ها را برمی‌گزینیم :

این که فردا این کنم یا آن کنم
خود دلیل اختیار است ای صنم[1]

۲ــ احساس رضایت یا پشیمانی : هرگاه در کار خود موفق شویم، احساسی از رضایت و خرسندی از خود، وجود ما را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانهٔ آن است که آن کار را از خود و نتیجهٔ اراده و تصمیم عاقلانهٔ خود می‌دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و بر اثر این اشتباه به خود یا دیگری زیان وارد می‌شود. در این هنگام احساس ندامت و پشیمانی به سراغمان می‌آید و این بدان معناست که آن اشتباه، به اراده و اختیار ما بوده است.

گر نبودی اختیار این شرم چیست
این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟
و آن پشیمانی که خوردی زان بدی
ز اختیار خویش گشتی مهتدی[2]

۳ــ مسئولیت‌پذیری : هرکدام از ما خودمان را مسئول کارهایی می‌دانیم که انجام می‌دهیم. به همین جهت است که اگر کار ما درست و نیکوبود موردتشویق قرار می‌گیریم و اگر کار زشت و نادرست از ما سر زند تنبیه و کیفر می‌شویم. عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوار شده‌اند و اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیت خود را انجام ندهد، وی را مستحق مجازات می‌شمرند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا
ور نیایی من دهم بَد را سزا؟
هیچ عاقل مرکلوخی را زند؟
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟[3]

در آیات ابتدای درس بیندیشید و توضیح دهید کدام آیات بیانگر اختیار انسان است و چگونه از آنها می‌توان به وجود اختیار در انسان پی برد.

۱ــ مثنوی معنوی، مولوی
۲ و ۳ــ همان مثنوی معنوی، مولوی، دفتر پنجم

www.Gama-Plus.ir

فواید توجه ما به اختیار

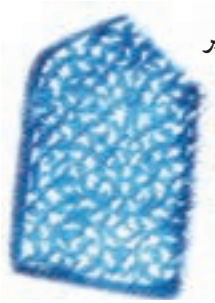

گرچه قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است، اما آن‌چه اهمیت دارد، نحوهٔ بهره‌مندی از آن است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که ضریب هوشی و استعداد فکری خارق‌العاده‌ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن را در وجود خود مدفون ساخته‌اند. و چه بسیار افرادی که از هوش متوسطی برخوردار بوده‌اند اما دروازه‌های بزرگ علم و دانش را فتح کرده‌اند.

میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می‌پندارد، تفاوت بسیار است. انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است، احساس هویت می‌کند، و از خودباوری بالایی برخوردار است؛ در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می‌کند، تصمیم‌های اشتباه خود را می‌پذیرد و در صدد جبران برمی‌آید.

پندارهای ویرانگر

هر چند اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است، اما برخی اندیشه‌های باطل سبب رواج جبرگرایی می‌شوند. مثلاً کسی که بپندارد که انسان مانند سایر اشیای مادی است، جایی برای اراده واختیار باقی نمی‌گذارد.[1]

رواج عقیدهٔ «جبری‌گری» مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می‌گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می‌کند. زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروتِ به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می‌کنند و مدعی می‌شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده‌ای در محنت و مشقّت باشند. از طرف دیگر، کسانی که از این نعمات الهی محروم شده‌اند، به خود حق اعتراض نمی‌دهند و می‌پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است.[2]

۱ــ در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی برخی از فلاسفهٔ مادی‌گرا به همین نتیجه در اندیشه‌های خود رسیدند و گرفتار افکار نیهیلیستی (پوچ‌گرایی) شدند. برخی از نویسندگان ایرانی نیز در همان سال‌ها تحت تأثیر آن اندیشه‌ها قرار گرفتند و به فلسفهٔ پوچی روی آوردند و زندگی مأیوسانه‌ای را گذراندند.

۲ــ وقتی که بنی‌امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینهٔ اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیدهٔ جبری‌گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق‌طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می‌کردند، به گونه‌ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.

www.Gama-Plus.ir

پندار ویرانگر دیگر از آنِ کسانی است که فکر می‌کنند اختیار به معنای آزادی مطلق، محور قرار دادن خواست‌های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی نادیده گرفتن قانون‌مندی‌های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس‌های خود می‌خواهند و توجه نمی‌کنند که چنین برداشتی از اختیار، نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.[1]

*با بررسی عملکرد برخی جوامع و برخی آدم‌ها، نمونه‌هایی از این خودمحوری و توجه افراطی به اراده و خواست انسان را نشان دهید.

زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره‌مندی از آن، دروازه‌های پیشرفت را فتح کنیم و قله‌های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی‌داند، به پیش رویم. زمینه‌ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است که در اینجا به شرح مختصر آن می‌پردازیم:

۱ــ اعتقاد به خداوند حکیم: مهمترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده، و آن را تدبیر و اداره می‌کند به طوری که همهٔ حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب سامان‌دهی شده و قانون‌مند اتفاق می‌افتد و اگرچه ما، به علت دانش محدود و ناقص خود از درک عمیق اهداف حکیمانهٔ بسیاری از رویدادهای جهان خلقت عاجز هستیم، اما مطمئنیم و اعتقاد داریم که هر حادثه‌ای دارای هدفی معین می‌باشد.

قطره‌ای کز جویباری می‌رود
از پی انجام کاری می‌رود

ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانهٔ او، همچنین این اطمینان را به انسان می‌بخشد که جهان

۱ــ انسان‌محوری و اومانیسم افراطی، زیربنای فلسفه و انسان‌شناسی حاکم بر زندگی عصر جدید است و مورد نقد جدی متفکران بزرگ و دردمندان حقیقت‌طلب قرار گرفته است. در این زمینه می‌توانید به کتاب‌های «فطرت» و «فلسفهٔ اخلاق» از استاد شهید مطهری، «بحران دنیای متجدد» از رنه گنون، «جوان مسلمان و دنیای متجدد» از دکتر سید حسین نصر، «چپاول دانش و طبیعت» از واندانا شیوا، «علل تزلزل تمدن غرب» از اصغر طاهرزاده و «مبانی توسعه و تمدن غرب» از سید مرتضی آوینی مراجعه کنید.

www.Gama-Plus.ir

دارای حافظ و نگاهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد. کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایان آن ناخدا، به هیچ‌وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی‌رود و هیچ‌کسی جز او نیز نمی‌تواند آن را از نابودی نجات دهد.

پیام آیات (۲)

کدام یک از آیات درس به حقیقت ذکر شده اشاره دارد؟ پیام آن آیات را بنویسید.

.....

.....

۲ــ قانونمند بودن جهان: زندگی در یک جهان قانون‌مند، این امکان را به ما می‌دهد که با شناخت و استفاده از قوانین جهان نیازهای خود را برطرف کنیم، استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و پله‌های کمال را بپیماییم. نام دیگر این قانون‌مندی و نظم و سامان، «قضا و قدر الهی» است.

قضا و قدر و اختیار انسان

«تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است. «قَدْر» و «قَدَر» نیز به معنای «اندازه» هستند. «قضا» به معنای «به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حتمیّت بخشیدن» است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می‌کند، مقدَّر به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم و فرمان و ارادهٔ الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به قضای الهی هستند. به عبارت دیگر، نقشهٔ جهان با همهٔ ریزه‌کاری‌ها و قانون‌مندی‌هایش از آن خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به‌وسیلهٔ خداست. به همین جهت نه در نقشهٔ آن نقص و اشتباهی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. آیا اگر غیر از این بود، ما می‌توانستیم با اطمینان خاطر کار و فعالیت کنیم و از اختیار خود بهره‌ای ببریم؟

آبی که با ارادهٔ خود می‌نوشیم، به علت اعتماد به همین تقدیر است. یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با ویژگی‌ها، اندازه‌ها و تقدیرها آفریده که سبب رفع تشنگی انسان می‌شود. امّا کسی که این تقدیرها را نبیند و جهان را پر از هرج و مرج بپندارد، آیا واقعاً می‌تواند از اراده و اختیار خود بهره ببرد؟

www.Gama-Plus.ir

پیام آیات (۳)

در آیات ۴۹ سورهٔ قمر، ۶۸ سورهٔ غافر و ۴۰ سورهٔ یس تفکر کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ – آیا چیزی در جهان هست که دارای خصوصیات و ویژگی معیّن نباشد؟

سوره...../ آیه.....

.....

۲ – پدیده‌های جهان به حکم و ارادهٔ کیست؟ سوره...../ آیه.....

.....

۳ – آیا موجودات جهان از قانون‌مندی خود خارج می‌شوند؟ سوره...../ آیه.....

.....

۴ – پاسخ سؤال‌های فوق چه تأثیری در زندگی انسان دارد؟

.....

برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی ورای قانون‌مندی و نظم است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می‌زند؛ درحالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

روزی امیرمؤمنان علی علیه‌السلام با جمعی از یاران خود در سایهٔ دیواری نشسته بودند. امام علیه‌السلام، متوجه کجی و سستی دیوار شد. برای این که دیوار روی ایشان و یاران نریزد، از آن‌جا برخاست و زیر سایهٔ دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت:

ــ یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟

امام فرمود: «از قضای الهی به قَدَر الهی پناه می‌برم.»

برداشت نابه‌جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایهٔ دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایهٔ دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل، بی‌فایده است. امّا امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص (و دیگران) آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه‌تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. زیرا فروریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص

www.Gama-Plus.ir

آن دیوار، یعنی کجی آن است. امّا اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به‌دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

حال جهانی را درنظر بگیرید که هیچ‌گونه تقدیر و اندازه‌ای بر پدیده‌های آن حاکم نباشد؛ آیا در چنین جهانی جایی برای اراده و اختیار انسان وجود دارد؟ و آیا اصلاً چنین جهانی معنا دارد و می‌تواند واقعیت خارجی پیدا کند؟

رابطهٔ ارادهٔ انسان با ارادهٔ خداوند

اینکه می‌گوییم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشهٔ پدیده‌ها را معین می‌کند و با ارادهٔ خود محقق می‌سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و ارادهٔ خداوند و مظهری از قضا و قدر اوست. مسأله این است : چگونه می‌توان هم به قضا و ارادهٔ الهی معتقد بود و هم انسان را موجودی مختار دانست؟ آیا می‌توان گفت که کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به ارادهٔ خداوند؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است با علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، آشنا شویم. این علل، بر دو دسته‌اند :

۱ــ علل عرضی : در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به‌صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر دخالت کنند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه‌ای چون باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. این‌گونه علل را «علل عرضی» می‌گویند. در این مثال، هر عامل به‌طور مستقیم نقشی برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

۲ـ علل طولی : گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که مثلاً، یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد و آن عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال، وقتی که شما قلم به‌دست می‌گیرید و نامه می‌نویسید، چندین عامل، در طول هم، در انجام این کار دخالت دارند :

اول، قلم که با حرکت خود روی صفحه جملات را می‌نگارد؛

دوم، دست شما که قلم را به حرکت درمی‌آورد؛

www.Gama-Plus.ir

سوم، ساختار عصبی بدن که موجب حرکت دست شما می‌شود؛

چهارم، ارادهٔ شما که مقدم بر سه علت قبلی است؛

پنجم، نفس یا روح شما که اراده از او پدید می‌آید.

کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین‌معنا که اگر هریک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به‌ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبهٔ خود محصول کار سیستم عصبی است. این کار هم ناشی از اراده و اراده هم از نفس شماست. این علت‌ها را «علل طولی» می‌گویند.

وجود اختیار و اراده در انسان به علت ارادهٔ الهی و خواست اوست. خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد. اما در عین حال، وجود ما، ارادهٔ ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به ارادهٔ خداوند است. یعنی ارادهٔ انسان در طول ارادهٔ خداست و با آن منافات ندارد.

*با این‌که قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضا و قدر نسبت دهند؟

اختیار انسان، یک تقدیر الهی

وقتی از تقدیر جهان به وسیلهٔ خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همهٔ ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیهٔ روابط میان موجودات می‌شود. این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد؛ همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختاربودن را عطا کرده است.

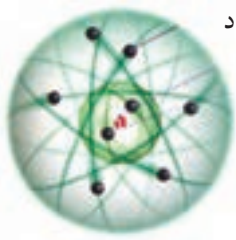

به تعبیر دیگر، خداوند این‌گونه خواسته که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی

www.Gama-Plus.ir

نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با خواست و ارادهٔ خود انجام می‌دهد.

محدودهٔ اختیار انسان

شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون‌مندی‌ها مانع تحرک و پویایی اوست. اما در نگاهی ژرف‌تر خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطهٔ میان قدرتِ اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه‌ای که نه تنها این نظام سدّ راه او نشود، بلکه زمینه‌ساز عروج و صعود وی به سوی قله‌های کمال گردد.

تاریخ علم نشان می‌دهد که همین نظام قانون‌مند، به انسان امکان داده است تا دروازه‌های علم را بگشاید، پهنهٔ دریاها را بشکافد، اعماق اقیانوس‌ها را بجوید و فضای کهکشان‌ها را در نوردد و ابزارهای گوناگونی برای زندگی خود بسازد.

توجه کنیم که ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط درصورتی رام و مسخّر انسان می‌شوند که آدمی ویژگی‌ها و قانون‌مندی‌های آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی‌ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند تا بتواند در آسمان‌ها و دریاها سیر کند.

پس تقدیرات و قانون‌مندی‌ها هم لازمهٔ کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکنندهٔ آن است. برخی از افراد به همین نکتهٔ بسیار روشن توجه نمی‌کنند و بدون درک قانون‌مندی‌های جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه‌های دلخواه خود را دنبال می‌کنند و بدبختی خود را رقم می‌زنند.

در آیهٔ ۱۲ سورهٔ جاثیه تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – مقصود از رام و مسخّر بودن آسمان‌ها و دریاها چیست؟

.....

۲ – چرا کشتی‌ها می‌توانند در دریاها حرکت کنند؟

.....

۳– چرا انسان می‌تواند با اختیار خود به جستجوی در دریا بپردازد؟

.....

www.Gama-Plus.ir

برای مطالعه

چند نکته

۱ــ پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی علیه‌السلام، سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟

آن حضرت پاسخ داد: «آری، از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی.»

آن مرد پرسید: «پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می‌شود.)

امام علیه‌السلام، فرمود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با ارادهٔ خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به ارادهٔ خویش در آن‌جا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به ارادهٔ خود بازگشتید و در هیچ‌یک از این مراحل مجبور نبودید.»

سپس امام علیه‌السلام، به برداشت ناصحیح از قضا و قدر که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید از این‌که گفتم رفتنتان بنابر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این‌گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»[1]

۲ــ یکی از مسائل طرح شده این است که «اگر خدا از قبل سرنوشت و آیندهٔ مرا می‌داند تلاش و ارادهٔ من دیگر نمی‌تواند نقشی در آینده‌ام داشته باشد. اگر من تلاشی بکنم، چون در علم خداوند شکست من آمده، تلاشم به جایی نخواهد رسید، و اگر هم علم خداوند بر موفقیتم باشد، نیازی به تلاش ندارم».

چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از قیاس کردن خدای متعال با انسان و کارهای اوست، که از لغزش‌گاه‌های انسان است و قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می‌دهد.

در این برداشت، فرض بر این بوده است که خداوند فقط پایان و نتیجهٔ فرایند را می‌داند و از خود فرایند و حوادث آن آگاه نیست. یک کارشناس فوتبال که نتیجهٔ یک مسابقه را می‌داند، یا معلمی که آیندهٔ یک دانش‌آموز را حدس می‌زند، براساس اطلاعات محدودی که دارند، دست به این کار می‌زنند. آن معلم نمی‌داند که این دانش‌آموز از لحظهٔ بعد تا روز امتحان چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت، آیا متحوّل خواهد شد یا به راه گذشته ادامه خواهد داد. امّا علم خداوند این‌گونه نیست؛ او همان‌طور

۱ــ اصول کافی، ج۱، ص ۲۱۶

www.Gama-Plus.ir

که پایان فرایند را می‌بیند تمام اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های طول فرایند را هم مشاهده می‌کند، او می‌داند که مثلاً فردا آن دانش‌آموز به اختیار خود تصمیم می‌گیرد ساعات مطالعهٔ خود را افزایش دهد، تصمیم می‌گیرد از میزان خواب خود کم کند و ده‌ها تصمیم اختیاری دیگر. همچنین می‌بیند که این تصمیم‌ها در پایان، منجر به قبولی وی خواهد شد. پس علم خداوند منحصر به نتیجهٔ پایانی فرایند نیست، بلکه به سلسلهٔ تصمیم‌ها و عوامل دیگرِ مؤثر در آن فرایند نیز متعلق است. در حقیقت، علم خداوند، براساس علم به تمام عوامل و جزئیات است، نه یک پیش‌بینیِ صرف دربارهٔ نتیجه.

www.Gama-Plus.ir

درس ششم

سنت‌های خداوند

در درس قبل، با حقیقت اختیار و رابطهٔ آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانون‌مندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می‌شود. در این درس می‌خواهیم با برخی از قانون‌ها و سنت‌های الهی که در زندگی انسان تأثیر بیشتری دارند، آشنا شویم تا با توجه به آنها برنامه‌ریزی کنیم و راه موفقیت را هموارتر سازیم.

www.Gama-Plus.ir

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ .....
فَسيروا فِي الاَرْضِ فَانْظُروا .....
كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ .....
آل عمران ۱۳۷

اَحَسِبَ النّاسُ اَنْ يُتْرَكوا — آیا مردم می‌پندارند رها می‌شوند؛
اَنْ يَقولوا آمَنّا — همین که گویند ایمان آوردیم،
وَ هُمْ لايُفْتَنونَ — و آزمایش نمی‌شوند؟
عنکبوت ۲

كُلًّا نُمِدُّ هٰؤُلاءِ — کمک می‌کنیم هم به اینان (نیکوکاران)
وَ هٰؤُلاءِ مِنْ عَطاءِ رَبِّكَ — هم به آنان (بدکاران) از عطای پروردگارت
وَ ما كانَ عَطاءُ رَبِّكَ مَحظورًا — و عطای پروردگارت منعی ندارد
اسراء ۲۰

وَلا يَحْسَبَنَّ الَّذينَ كَفَروا — آنان که کفر پیشه کرده‌اند تصور نکنند
اَنَّما نُمْلي لَهُمْ — اگر به آنان مهلت (بدکاری) می دهیم
خَيْرٌ لِاَنْفُسِهِمْ — به نفع آنهاست
اِنَّما نُمْلي لَهُمْ — فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم
لِيَزْدادوا اِثْمًا — که بر گناهان خود بیفزایند
وَ لَهُمْ عَذابٌ مُهينٌ — درحالی که عذابی خوارکننده برای آنهاست
آل‌عمران ۱۷۸

وَالَّذينَ كَذَّبوا بِآياتِنا — و کسانی که آیات ما را انکار کردند
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ — به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد

www.Gama-Plus.ir

مِنْ حَيْثُ لايَعْلَمونَ — از آن راه که نمی دانند
وَ اُمْلی لَهُمْ — و به آنها مهلت می دهم
اِنَّ کَیْدی مَتینٌ — همانا تدبیر من استوار است
اعراف ۱۸۲ و ۱۸۳

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ .....
فَلَهو عَشْرُ اَمثالِها .....
وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَةِ .....
فَلا یُجْزیٰ اِلّا مِثْلَها .....
وَ هُمْ لا یُظْلَمونَ .....
انعام ۱۶۰

وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُریٰ آمَنوا — اگر مردم شهرها ایمان آورده
وَ اتَّقَوا — و به تقوا گراییده بودند،
لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ — همانا برایشان می‌گشودیم
بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْاَرْضِ — برکاتی از آسمان و زمین
وَلٰکِنْ کَذَّبوا فَاَخَذْناهُمْ — ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختم
بِما کانوا یَکْسِبونَ — به کیفر آن چه کسب کردند
اعراف ۹۶

والَّذینَ جاهَدوا فینا .....
لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا .....
و اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنینَ .....
عنکبوت ۶۹

خَلَت : گذشت — **سُنَن** : سنت‌ها
سیروا : جستجو کنید، بگردید — **لَنَهْدِیَنَّهُم** : حتماً آنان را هدایت می‌کنیم
جاءَ بِـ : آورد، بیاورد — **یُجزیٰ** : جزا داده شود

www.Gama-Plus.ir

با تفکر در آیات، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

۱ – حیات فردی و اجتماعی انسان دارای ..... است.

سوره..... / آیه.....

۲ – با مطالعه زندگی ..... می‌توان این ..... به‌دست آورد.

سوره..... / آیه.....

۳– هرکس ادعای ایمان کند، ..... قرار می‌گیرد. سوره..... / آیه.....

۴– خداوند به کافران مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت .....

سوره..... / آیه.....

۵– برخی انسان‌ها به تدریج گرفتار ..... می‌شوند. سوره..... / آیه.....

۶– مطابق با ..... الهی، میان پاداش و کیفر ..... وجود دارد.

سوره..... / آیه.....

۷– مطابق با ..... الهی، رفتار خوب یا بد انسان‌ها ..... تأثیر دارد.

سوره..... / آیه.....

۸ – رحمت واسعهٔ الهی به همهٔ افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار، .....

سوره..... / آیه.....

۹ – خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به‌طور خاص ... می‌کند.

سوره..... / آیه.....

سنت‌های الهی

براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایرهٔ قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربر می‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آنها، به‌خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها دعوت نموده است. پیام شمارهٔ .....

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره‌مندی از طبیعت می‌شود. امّا شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب تنظیم درست رابطهٔ انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می‌کند. برخی

www.Gama-Plus.ir

از این سنّت‌ها عبارتند از :

۱ــ امتحان و ابتلاء : این سنت، مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست. هر انسان انتخابگری برای این که نیّت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجهٔ آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش است. نیز کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می کند، وارد آزمایش‌های ویژه و امتحان‌های خاص می گردد. همهٔ انسان‌ها در طول عمر خود در معرض آزمایش‌اند و پیروزی یا شکست در این آزمایش‌ها، سبب جدا شدن انسان‌های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل، یا خسران و عقب‌ماندگی آنها می گردد. اگر پیروز شویم به مرحلهٔ بالاتر راه می‌یابیم و با امتحان جدیدتری روبه‌رو می‌شویم. درست مانند دانش‌آموزی که در طول هر سال آزمایش می‌شود تا به کلاس بالاتر راه یابد.

پیام شمارهٔ .....

امام صادق علیه‌السلام می فرماید :

اِنَّمَا الْمُؤمِنُ	به راستی که مؤمن
بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْميزانِ	به منزلهٔ کفهٔ ترازوست
كُلَّما زيدَ فی ايمانِهِ	هر اندازه ایمانش افزوده شود،
زيدَ فی بَلائِهِ	امتحانش نیز سنگین‌تر می‌شود[1]

* کسی که می‌داند حوادث زندگی برای ابتلاء و امتحان و برای رشد و تکامل انسان است، در مواجهه با این حوادث چگونه برخورد می‌کند؟

۱ـ .....

۲ـ .....

۳ـ .....

۲ــ امداد الهی : در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می‌شوند : دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند و دسته‌ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند. سنت الهی این است که هر کس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم شود

۱ــ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۰

www.Gama-Plus.ir

که در مسیری که انتخاب کرده، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند. یعنی خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌هایشان را فراهم می‌کند. در حقیقت، کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد و مراتب کمال را می‌پیماید و افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می‌دوند، آن را به دست می‌آورند. البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد.[1] بنابراین روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناه‌کار نشانهٔ لطف خداوند به آنان نیست. زیرا از نعمت بی‌پایان الهی محروم مانده‌اند.

پیام شمارهٔ .....

۳ــ توفیق الهی : امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیّت پاک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، «توفیق الهی» نام دارد. یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

یکی از جلوه‌های این توفیق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

پیام شمارهٔ .....

در حقیقت، انسانِ حق‌گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و درنتیجه نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازهٔ ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. برای مثال، قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوا پیشه و شکیبا بر دویست نفر یا هزار نفر از کفار پیروز می‌شوند.[2]

۴ــ املاء و استدراج : آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آنها این فرصت را وسیلهٔ غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند؛ به‌طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقّی در دل آنها بتابد، به‌تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد. درحقیقت، مهلت‌ها و امکانات، با اختیار و ارادهٔ خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین‌تر شود. این سنت، که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناه‌کاران است، سنت «املاء» یا «امهال»[3] نام دارد.

پیام شمارهٔ .....

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به‌تدریج

۱ــ اسراء، ۱۸ تا ۲۰

۲ــ انفال، ۶۵

۳ــ املاء و امهال به معنای مهلت دادن است.

www.Gama-Plus.ir

به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می‌خوانند.

پیام شمارهٔ .....

* برخی از مردم که با سنت‌های الهی آشنایی ندارند، روی آوردن امکانات به گناه‌کاران را چگونه تحلیل می‌کنند؟ و دچار چه حالتی می‌شوند؟

.....

.....

اما درک درست این موضوع، ما را به سوی چه تحلیلی هدایت می‌کند؟

.....

.....

۵ ــ تفاوت در پاداش و کیفر: با آنکه براساس عدل، خداوند باید به همهٔ بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن‌جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازهٔ خودش پاداش و جزا می‌دهد.

پیام شمارهٔ .....

۶ــ تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت: رهنمودهای پیشوایان دین به ما می‌آموزند که زندگی ما به شدت تحت‌تأثیر رفتارهای ماست. به‌طور مثال، نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ یَموتُ بِالذُّنوبِ	کسانی که به واسطهٔ گناه می‌میرند
اَکْثَرُ مِمَّنْ یَموتُ بِالآجالِ	از کسانی که به واسطهٔ سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند.
وَ مَنْ یَعیشُ بِالْاِحْسانِ	و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند،
اَکْثَرُ مِمَّنْ یَعیشُ بِالْاَعْمارِ	از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشترند.[1]

۱ــ بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰

www.Gama-Plus.ir

دعا نیز می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، البته درصورتی که دعا با شرایط واقعی آن انجام شود و چیزی که انسان از خداوند درخواست می‌کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود.

این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست. جامعه‌ای که در مسیر خوبی‌ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می‌گشاید و جامعه‌ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب‌ها گرفتار خواهد شد.

پیام شمارهٔ .....

برنامه‌ریزی

* اکنون که با برخی از مهم‌ترین سنت‌های خداوند آشنا شدیم، لازم است برای حرکت درست در بستر این سنت‌ها و بهره‌مندی مطلوب از آنها به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم و مطابق با پاسخ‌های خود برنامه‌ریزی کنیم.

۱ – برای این‌که از سنت امتحان و ابتلاء موفق بیرون آییم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

الف) .....

ب) .....

ج) .....

۲ – برای این‌که شکل مثبت امداد الهی نصیب ما شود و بهره‌مند از توفیق الهی گردیم چه برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟

الف) .....

ب) .....

ج) .....

۳– چگونه تشخیص دهیم گرفتار املاء و استدراج نشده‌ایم؟

.....

.....

.....

www.Gama-Plus.ir

برای مطالعه

«انتخاب» دشوارترین لحظات برای انسان است.

وقتی «لحظهٔ انتخاب» فرا می‌رسد، وسوسه‌ها و تردیدها هم به سراغ تو می‌آیند، و آن «جلوه»ای را که در یک «برق معنویت» دیده‌ای، از نظر و نگاهت محو می‌سازند.

«چگونه بودن» یکی از همین انتخاب‌های دشوار است.

شخصیت تو در گرو همین تصمیم‌ها و برگزیدن‌هاست. این تویی که خمیر مایهٔ «هستی» خود را، با دو دستِ«انتخاب» خویش، شکل می‌دهی و می‌سازی.

یک شب، در خلوت خویش، روبه آینهٔ حقیقت بنشین و با خودت، بی‌واسطه و بی‌ریا حرف بزن. تو کیستی؟ چیستی؟ کجایی؟ چه می‌کنی؟ چگونه‌ای؟

تو مختاری؛ پس ناچار باید انتخاب کنی. بزرگی آدم‌ها به بزرگی انتخاب‌های آنهاست. تو می‌خواهی بزرگ باشی یا کوچک؟

این دیگر با خودِ توست، امّا این را هم بدان که انتخاب تو همواره با توست، تا ابد، تا همیشه![1]

۱ــ برگرفته از کتاب «گامی در مسیر» از جواد محدثی، با اندکی تصرف و اضافات

www.Gama-Plus.ir

مرحلهٔ دوم

پایداری در عزم

www.Gama-Plus.ir

درس هفتم

بازگشت

خدای متعال به حضرت داود علیه‌السلام فرمود:

ای داود، اگر روی‌گردانان از من چگونگی انتظارم برای آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت‌هایشان می‌دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبّت من از هم می‌گسست.[1]

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامهٔ راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیانباری برجای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱ــ میزان‌الحکمه، ج ۴، محمد محمدی ری شهری، ص ۲۷۹۷

www.Gama-Plus.ir

وَمَنْ يَعْمَلْ سوءًا .....

اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ .....

ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ .....

يَجِدِ اللّٰهَ غَفورًا رَحيمًا .....

نساء ۱۱۰

فَمَنْ تابَ .....

مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ .....

وَ اَصْلَحَ .....

فَاِنَّ اللّٰهَ يَتوبُ عَلَيْهِ .....

اِنَّ اللّٰهَ غَفورٌ رَحيمٌ .....

مائده ۳۹

اِلّا مَنْ تابَ و آمَنَ .....

وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحًا .....

فَاُولٰئِكَ يُبَدِّلُ اللّٰهُ .....

سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ .....

وَ كانَ اللّٰهُ غَفورًا رَحيمًا .....

فرقان ۷۰

سوء : کار بد

يَجِدِ اللّٰهَ : بیابد خدا را

اَصلَحَ : اصلاح کرد

يُبَدِّلُ : تبدیل می‌کند

www.Gama-Plus.ir

عبد یا آزاد

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانهٔ با شکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و میگساری پهن بود و جام شراب پیاپی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید:

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت: آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست.

آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خود را نگه‌می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مکث زیادتری در بیرون خانه بکند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید: «چرا دیر آمدی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت: «مردی با چنین وضع و هیئتی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.»

شنیدن ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فروبرد. جملهٔ «اگر بنده می‌بود، حرمت مالک و صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. یکباره از جابرخاست وبه خود مهلت کفش پوشیدن نداد. با پای برهنه به دنبال گویندهٔ سخن رفت. دوید تا خود را به وی رساند. به دست امام هفتم حضرت موسی علیه‌السلام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُشْربن حارث که تا آن روز در زمرهٔ اشراف زادگان و عیّاشان بود، در سِلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.[1]

انقلاب علیه خود

در میان موجودات پیرامون ما، گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان‌ها، قدری بیشتر، می‌توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند و مسیر حرکت را عوض کنند. امّا هیچ کدام از این‌ها توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می‌تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته‌های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.

۱ــ داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری، داستان ۴۴

www.Gama-Plus.ir

با توجه به آنچه در سال‌های قبل دربارهٔ «نفس امّارهٔ به بدی» و «نفس لوّامه» و «خوددانی» و «خودعالی» آموخته‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – کدام یک از آیات ابتدای درس دربارهٔ ظلم به خود می‌باشد؟

.....

۲ – چگونه انسان به خود ظلم می‌کند؟

.....

۳– انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می‌کند؟

.....

.....

توانایی انقلاب علیه خود چه کاربردی دارد و در کجا باید از آن استفاده کرد؟

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی‌ها و کمالات متعالی سرشته است. همهٔ ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشتهٔ محبّتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.[1] البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی‌پایان خود همهٔ ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک‌ترین همّت ما را با پاداش‌های بزرگ پاسخ می‌دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

ناسپاسی

با وجود چنین رابطه‌ای میان خالق و مخلوق، گاهی آدمی حرمت خدای خود را می‌شکند، گام در مسیر ناسپاسی می‌گذارد و خود را به گناهان آلوده می‌کند و از مسیر رستگاری دور می‌شود. گاهی نیز حرمت شکنی به تدریج افزایش می‌یابد و دامنهٔ گناه آنچنان گسترده می‌شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می‌گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می‌شود و آدمی، پشت به خدا، به سویی که شیطان وسوسه‌اش می‌کند، قدم برمی‌دارد.

۱ــ فی مَقعَدِ صِدقٍ عِندَ مَلیکٍ مُقتَدِرٍ ــ قمر، ۵۵

www.Gama-Plus.ir

اگر انسان هنگامی که اولین گناهان را مرتکب می‌شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به‌شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می کند. اما پس از آن که در آن گرفتار آمد و خود را بدان عادت داد، آن تنفر اوّلیه را نیز فراموش می کند. «توجیه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

میزان تأثیر گناهان یکسان نیست. برخی گناهان تأثیرشان ضعیف، و برخی شدید و شدیدتر است. گناهان بزرگ به‌سرعت آدمی را از مسیر توحید و اخلاص خارج و گرفتار شیطان و هوس‌های شیطانی می کند. دروغ، ظلم به مردم، پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم، کسب مال حرام، فسادهای اخلاقی، شراب‌خواری، روابط نامشروع جنسی، تهمت، ترک عبادت‌هایی چون نماز و روزه از این قبیل گناهان هستند. برخی از این‌ها، هم زندگی دنیایی فرد را تباه می کنند، هم در نسل‌های آیندهٔ او اثر می گذارند و هم عذاب‌های شدید اخروی را در پی دارند.

نکتهٔ تلخ‌تر و رنج‌آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان‌ها، در هنگام ارتکاب گناه است. آیا می‌شود در زیر نگاه خدای بینا، دست به گناه آلوده کرد اما ردّپایی از شرمساری و خجالت در قلب آدمی ظاهر نشود؟ چگونه جرأت می کنیم و چنین اجازه‌ای به خود می‌دهیم؟!

امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود فرمود :

چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می‌بینی. پس اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی‌بیند، کفر ورزیده‌ای و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و در عین حال در مقابل او گناه می کنی، او را خوارترین بینندگانِ به خود قرار داده‌ای![1]

*حالت خود را هنگام نافرمانی‌ها و خطاهایی که گاهی مرتکب می‌شوید، بررسی کنید و ببینید:

۱ – به کدام خطا عادت کرده اید و علت آن چیست؟

۲ – آیا به آثار سوءِ آن خطا آشنا هستید و می‌دانید چه اثری بر جای می‌گذارد؟

۳– هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟

۱ــ اصول کافی، ج۲، ص ۶۷

www.Gama-Plus.ir

حقیقت توبه

توانایی انقلاب علیه خود که حاصل پشیمانی از گذشته است، به انسان امکان می‌دهد راه رفته را باز گردد و فرصت‌های از دست‌داده را جبران نماید. این موهبت بسیار گرانبهایی است که خداوند به بندگان هدیه کرده و دروازهٔ رحمتی است که بر روی بندگان گشوده و نام آن را «توبه» گذاشته است. توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان‌برداری از خداوند است. البته این کلمه در قرآن کریم برای خداوند هم به‌کار می‌رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه‌کار است.

در آیهٔ ۳۹ سورهٔ مائده تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – در این آیه چه نامی به گناه داده شده است؟

.....

۲ – چرا خداوند این نام را به گناه داده است؟

.....

۳– برای رسیدن به مرحلهٔ آمرزش، چه مراحلی باید طی شود؟

.....

توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی‌هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد. این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» می‌گویند.

امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

اَلتَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلوبَ	توبه دل‌ها را پاک می‌کند
وَ تَغْسِلُ الذُّنوبَ	و گناهان را می‌شوید[1]

به همین دلیل است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

اَلتّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ	کسی که از گناه توبه کرده
کَمَنْ لا ذَنْبَ لَهُ	مانند کسی است که گناه نکرده است[2].

۱ــ مستدرک الوسائل، میرزانوری، ج ۱۲، ص ۱۲۹

۲ــ همان، ص ۱۲۶

www.Gama-Plus.ir

توبه نه تنها گناه را پاک می کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می‌سازد.

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – کدام یک از این آیات دربارهٔ تبدیل گناهان به نیکی‌هاست؟

.....

۲ – با چه شرایطی این تبدیل صورت می‌گیرد؟

.....

مراحل توبه

توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحوّلی درونی و قلبی است که آثار گناه را محو می کند. این تحوّل درونی بنابر کلام امام علی علیه‌السلام دارای مراحل زیر است :[1]

مرحلهٔ اوّل : پشیمانی از گذشته پشیمانی حالتی درونی است که شخص را دچار اندوه و حسرت می کند و شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می‌سازد. تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی باقی است و از خاطرهٔ آن احساس لذت می کند، توبه آغاز نشده است. آمده است که یکی از پیامبران برای قبول توبهٔ فردی از بنی‌اسرائیل، به درگاه خداوند شفاعت کرد. خدای متعال به او فرمود : «به عزتم سوگند اگر همهٔ اهل آسمان‌ها و زمین برای وی شفاعت کنند، تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است، توبه‌اش را نپذیرم.»[2]

توبه بر لب، سُبحه[3] بر کف، دل پر از شوق گناه
معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما [4]

روشن است که اگر انسان، پس از انجام توبه، هنوز از گناه خود خوشش بیاید و از آن احساس لذت کند، در واقع هنوز پشیمان نشده و صرفاً ادعای پشیمانی کرده است. این مرحلهٔ توبه معمولاً با استغفار همراه است و انسان توبه‌کار با عبارت‌هایی مانند «اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ» پشیمانی خود را ابراز می کند.

۱ــ نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۷
۲ــ کنزالعمال، ح ۱۰۱۷۴
۳ــ سُبحه : تسبیح
۴ــ صائب تبریزی

www.Gama-Plus.ir

* برای رسیدن به حالت پشیمانیِ پس از گناه، ابتدا پیش‌نهادهای خود را مطرح کنید و سپس پیش‌نهادهای مؤثرتر را انتخاب نمایید.

مرحلهٔ دوم: تصمیم بر تکرار نکردن گناه قدم دوم در توبه آن است که شخص تائب، تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد. اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمهٔ استغفار، در حال تکرار مداوم گناه، نه‌تنها پذیرفته نیست، بلکه استغفار را بی‌خاصیت می‌کند. اثر بدتر چنین استغفاری در کلام امام رضا علیه‌السلام آمده که فرموده است:

اَلْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ	کسی که از گناه استغفار کند
وَيَفْعَلُهُ	و در عین حال، انجامش دهد
كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ	مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.[1]

* برای اینکه حالت پشیمانی، به تصمیم و ارادهٔ محکم بر ترک گناه بینجامد، چه راه‌حل‌هایی را پیش‌نهاد می‌دهید؟

مرحلهٔ سوم: جبران حقوق مردم با این که با دو مرحلهٔ قبل، عادت به گناه از بین می‌رود، امّا برخی از گناهان را که به حق‌الناس مربوط بوده، جبران نمی‌کند. از این رو فرد باید ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به‌دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، در حق آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید.

توجه کنیم که حقوق مردم منحصر در حقوق مادی آنها نیست، مردم بر یکدیگر حقوق معنوی هم دارند که بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا فیلم گمراه‌کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه‌کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

۱ــ کافی، ج ۲، کتاب الدعاء، ص ۵۰۴

www.Gama-Plus.ir

مرحلهٔ چهارم: جبران حقوق الهی حق دیگر، حق خداوند بر مردم است که مهم‌ترین آن، حق اطاعت و بندگی اوست. توبه‌کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند، برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست‌داده را قضا نماید و عبادت‌های ترک شده را به جا آورد.

البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه‌کار حداکثر تلاش خود را کرده و نتوانسته همهٔ گناهان را جبران کند، بقیهٔ موارد را خود جبران و او را عفو می‌کند.[1]

* رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده‌اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه‌ریزی نمایید.

توبهٔ اجتماعی

همان‌طور که توحید عبادی دو جلوه دارد، جلوه‌ای در فرد و جلوه‌ای در جامعه، توبه نیز این گونه است. آن‌چه تاکنون گفته شد، مربوط به توبهٔ فردی بود. اما اگر جامعه‌ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است؛ یعنی نیازمند توبه است.

انحراف‌های اوّلیهٔ اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه‌گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم‌کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیر خدا، از جملهٔ این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.

راه اصلاح و معالجهٔ جامعه از این بیماری‌ها انجام دادن وظیفهٔ امر به‌معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و تمام سطوح جامعه را در برمی‌گیرند. در واقع اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع اعتدال باز گردانند، به‌آسانی می‌توانند مانع گسترش آن شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به‌تدریج انحرافِ از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می‌شود و تلاش‌های بزرگ و فعالیت‌های ایثارگرانه می‌طلبد؛ تا آن‌جا

۱ــ امیرمؤمنان علیه‌السلام برای کسانی که بخواهند در ردیف اولیای بزرگ الهی قرار گیرند و به مقام «علیین» برسند. دو مرحلهٔ دیگر بیان می‌فرماید که عبارت است از: پنجم: گوشتی که از حرام بر تن انسان روییده، با حزن و اندوه آب شود تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت جدید در زیر پوست روییده شود. ششم: انسان توبه‌کار، زحمت و سختی عبادت را به بدن بچشاند، همچنان که شیرینی گناه را چشانده بود.

www.Gama-Plus.ir

که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی مطلق برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

برای مثال، اگر آن زمان که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام برای کوتاه‌کردن دست معاویه از حکومت اقدام کرد، مسلمانان به‌طور دسته‌جمعی از ایشان حمایت می‌کردند و اگر پس از شهادت ایشان، مردم به‌طور همه‌جانبه از امام حسن علیه‌السلام پیروی می‌نمودند و اگر مردم در مقابل نصب یزید به خلافت اعتراض می‌کردند و زیر بار نمی‌رفتند، انحراف از اسلام آنقدر عمیق و گسترده نمی‌شد که لازم باشد امام حسین علیه‌السلام و خانواده و یارانش، برای جلوگیری از نابودی اسلام، خود را فدا کنند.

تا چه زمانی برای توبه‌کردن مهلت داریم؟

پاسخ این سؤال را با ذکر کلامی از امیرمؤمنان آغاز می‌کنیم؛ آن حضرت در پاسخ کسی که از او موعظه‌ای درخواست کرد، فرمود:

«از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطهٔ آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است؛ دربارهٔ دنیا زاهدانه سخن گوید، امّا هم‌چون دنیادوستان عمل کند...»[1]

در پاسخ به سؤال بالا می‌گوییم، گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظهٔ مرگ می‌توان توبه کرد[2]، امّا بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس، باید به چند نکته توجه کنیم.

۱ــ از آن‌جا که دورهٔ جوانی دورهٔ انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و دورهٔ پیری دورهٔ کم‌شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است، اگر در دورهٔ جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد، خارج‌کردن آن خصلت‌ها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. خصلت‌های ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه طناب‌هایی هستند که بر پای انسان بسته می‌شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در دام خود گرفتار می‌سازند؛ هرقدر که زمان می‌گذرد، آن طناب‌ها و تورها محکم‌تر می‌شوند و ارادهٔ آدمی ضعیف‌تر می‌گردد و پاره‌کردن آنها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می‌شود.

۲ــ خوش‌گذرانی در دورهٔ جوانی به امید توبه‌کردن در دوران پیری، حیلهٔ خطرناک شیطان است. زیرا:

اوّلاً، پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناه‌کار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند

۱ــ نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۰

۲ــ اصول کافی، ج۲، ص ۴۴۰، کتاب ایمان و کفر

www.Gama-Plus.ir

خود را متحول سازند؟ هرکس در پیرامون خود بنگرد می‌بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند.

ثانیاً، چه تعداد از آدم‌های گناه‌کار به پیری رسیده‌اند تا فرصت توبه پیدا کنند؟

ثالثاً، فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد. آدم‌های زیرک و هوشیار، گول این فریب را نمی‌خورند. آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست‌وجو می‌کنند، در همان حالِ لذت گناه، با نگرانی‌های روحی و روانی درگیر می‌شوند که نمی‌گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. امّا چون از حقیقت مطلب غافلند، برای رفع آن رنج‌های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند تا این که سرانجام به‌طور کامل در منجلاب فساد غرق می‌شوند و راهی برای بیرون‌آمدن نمی‌یابند. امّا خداوند برنامهٔ زندگی را برای مؤمنان به‌گونه‌ای تنظیم کرده که هم از لذت‌های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بی‌دغدغهٔ گناه و به دور از رنج‌های روانی، از لذت‌های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

برای مطالعه

امام خمینی رحمة‌الله علیه می‌گوید:

«بهارِ توبه، ایام جوانی است، که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص‌تر و شرایط توبه سهل‌تر و آسان‌تر است. انسان در پیری، حرص و طمع و حبّ جاه و مال و طول آرزویش بیشتر است، و این به تجربه ثابت شده است و حدیث شریف نبوی شاهد بر آن است. فرض کنیم که انسان بتواند در ایّام پیری به توبه قیام کند، از کجا به پیری برسد و اجل موعود، او را در سن جوانی و در حال اشتغال به نافرمانی نرباید و به او مهلت دهد؟...

پس ای عزیز، از کیدهای شیطان بترس و در حذر باش، و با خدای خود مکر و حیله مکن که پنجاه سال یا بیشتر شهوت‌رانی می‌کنم و دم مرگ با کلمهٔ استغفار جبران گذشته می‌کنم؛ این‌ها خیال خام است. اگر در حدیث دیدی یا شنیدی که حق‌تعالی بر این امت لطف فرموده و توبهٔ آنها را تا قبل از مشاهدهٔ آثار مرگ یا خودِ آن قبول می‌فرماید، صحیح است؛ ولی هیهات که در آن وقت توبه از انسان سرزند! مگر توبه لفظ است؟! اقدام به توبه زحمت دارد؛ برگشت و عزمِ بر برگشت‌نکردن، ریاضت‌های علمی و عملی لازم دارد، ... چه بسا باشد که قبل از فکر توبه یا عملی کردن آن، اجل مهلت ندهد و انسان را با بار معصیت‌های سنگین و ظلمت بی‌پایان گناهان، از این جهان منتقل نماید. آن وقت خدا می‌داند که انسان به چه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها دچار می‌شود ...

پس ای عزیز، هرچه زودتر دامن همت به کمر بزن و عزم رامحکم و اراده را قوی کن و

www.Gama-Plus.ir

از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی به‌سر می‌بری، توبه کن و مگذار فرصت خداداد از دستت برود؛ به تسویلات[1] شیطانی و کیدهای نفس امّاره اعتنا مکن.»[2]

مولوی، دربارهٔ کسی که فریب شیطان را می‌خورد و توبه را به تأخیر می‌اندازد، مثال زیر را می‌زند :

همچو آن شخصِ درشتِ خوش سُخُن
در میان ره نشاند او خاربُن
هر دمی آن خاربُن افزون شدی
پای خلق از زخم آن پرخون شدی
جامه‌های خَلق بدریدی زخار
پای درویشان بِخَستی زار زار
چون به جد حاکم بدو گفت این بکَن
گفت آری برکَنَم روز یش من
مدتی فردا و فردا وعده داد
شد درخت خارِ او محکم نهاد
گفت روزی حاکمش ای وعده کَژ
پیش آ در کار ما واپَس مَخَژ
تو که می‌گویی که فردا، این بدان
که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درختِ بَد جوان‌تر می‌شود
وین کَنَنده پیر و مضطر می‌شود
خار بُن در قوّت و برخاستن
خارکَن در پیری و در کاستن
خار بُن هر روز و هر دم سبزتر
خارکَن هر روز زار و خشک‌تر
او جوان‌تر می‌شود تو پیرتر
زود باش و روزگار خود ببَر

مثنوی مولوی/ دفتر دوم

۱ــ **تسویل** : اغوا کردن، به گمراهی افکندن، آراسته و زیبا جلوه دادن

۲ــ شرح چهل حدیث، امام خمینی (رحمة‌الله علیه)، ص ۲۷۳، با ساده‌سازی برخی کلمات و عبارات

www.Gama-Plus.ir

۱ – به آیهٔ ۳۹ سورهٔ مائده نگاه کنید و ببینید که در هنگام توبه، علاوه بر بازگشت انسان گناهکار چه بازگشت دیگری مطرح شده است و آن بازگشت نتیجهٔ چیست؟

۲ – در هر سه آیه ای که در ابتدای درس آمده دو صفت برای خداوند ذکر شده است. آن دو صفت کدامند؟ چه رابطه‌ای میان آن دو صفت و توبه وجود دارد؟

۳– مهم‌ترین ناسپاسی از خداوند چیست؟ و چه موقع انسان دست به چنین ناسپاسی می‌زند؟

۴– بنابر سخن امام صادق علیه‌السلام، برای اینکه انسان به سمت گناه نرود، باید چه دیدگاهی دربارهٔ خدا داشته باشد؟

۵– بنابر سخن امیرمؤمنان، چه چیزی قلب‌ها را پاک می‌کند و گناهان را می‌شوید؟

۶– بنابر سخن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شخص توبه‌کننده مانند چه کسی است؟

۷– آیا برای توبه کردن پشیمانی از گذشته کافی است؟ در غیر این صورت، چه کارهای دیگری باید انجام شود؟

*۱ – آیات ۵۰ تا ۶۰ و ۸۴ تا ۹۵ سورهٔ هود را مطالعه کنید و ببینید که چه عاملی باعث شد قوم عاد و قوم مدین گرفتار عذاب شوند.

۲ – مناجات التائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می‌گذارد؟

ب) چه اموری است که جز خداوند، دیگری توان انجام آن را ندارد؟

ج) خداوند چه راهی پیش پای گناه‌کار قرار داده که راه عذرآوردن را بر او بسته است؟

www.Gama-Plus.ir

مرحلهٔ سوم

در مسیر

www.Gama-Plus.ir

درس هشتم

پایه‌های استوار

بخشی از برنامه‌های یک انسان مسلمان، تلاش برای ساختن جامعه‌ای با معیارهای اسلامی است. از این رو لازم است ابتدا معیارهای یک جامعهٔ اسلامی را که قرآن کریم، پیامبر اکرم و امامان بزرگوار (صلوات‌الله علیهم) به ما معرفی کرده‌اند، بشناسیم و برای تحقق هرچه بهتر آنها در جامعه، برنامه ریزی و تلاش کنیم.

بنابراین، در این درس می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که: جامعه و تمدن مورد نظر اسلام دارای چه ویژگی‌هایی است؟

www.Gama-Plus.ir

مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ .....
وَ الْيَوْمِ الآخِرِ .....
وَ عَمِلَ صالِحًا .....
فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ .....
وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ .....
وَ لا هُمْ يَحْزَنونَ .....
بقره ۶۲

يا اَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا .....
اَطيعُوا اللّٰهَ .....
وَ اَطيعُوا الرَّسولَ .....
وَ اُولِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ .....
نساء ۵۹

فَلِذٰلِكَ فَادْعُ — بنابراین به دعوت بپرداز
وَ اسْتَقِمْ كَما اُمِرْتَ — و همان‌گونه که مأموریت یافته‌ای، ایستادگی کن
وَ لا تَتَّبِعْ اَهْواءَهُمْ — و از هوس‌های آنان پیروی مکن
وَ قُلْ آمَنْتُ — و بگو ایمان آوردم
بِما اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتابٍ — به هر کتابی که خدا نازل کرده است
وَ اُمِرْتُ لِاَعْدِلَ بَيْنَكُمُ — و مأمور شدم میان شما با عدالت عمل کنم
اللّٰهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ — خدا پروردگار ما و پروردگار شماست
شوری ۱۵

www.Gama-Plus.ir

قُلْ هَلْ يَسْتَوِی .....

الَّذینَ یَعْلَمونَ .....

وَ الَّذینَ لا یَعْلَمونَ .....

اِنَّما یَتَذَکَّرُ اُولُوا الْاَلْبابِ .....

زمر ۹

مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّٰهِ .....

وَ الَّذینَ مَعَهٗ .....

اَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ .....

رُحَماءُ بَیْنَهُمْ .....

فتح ۲۹

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَةَ اللّٰهِ — بگو چه کسی حرام کرده زیورهایی را

الَّتی اَخْرَجَ لِعِبادِهٖ — که خدا برای بندگانش پدید آورده

وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ — و روزی‌های پاکیزه را

قُلْ هِیَ لِلَّذینَ آمَنوا — بگو این‌ها برای کسانی است که ایمان دارند

فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا — در زندگی دنیا

خالِصَةً یَوْمَ الْقِیامَةِ — و روز قیامت خاص آنان می‌باشد

کَذٰلِکَ نُفَصِّلُ الآیاتِ — این‌گونه آیات را به روشنی بیان می‌کنیم

لِقَوْمٍ یَعْلَمونَ — برای کسانی که می‌دانند

اعراف ۳۲

قُلْ اِنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَواحِشَ — بگو پروردگارم تنها زشت‌کاری‌ها را حرام کرده است

ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ — چه آشکار و چه پنهان

www.Gama-Plus.ir

وَ الْاِثْمَ وَ الْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ	و گناه و تجاوز به ناحق را
وَ اَنْ تُشْرِکوا بِاللّٰهِ	و اینکه چیزی را شریک خدا سازید
ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهٖ سُلْطانًا	که دلیلی برای آن نازل نکرده
وَ اَنْ تَقولوا عَلَی اللّٰهِ	و اینکه به خدا نسبت دهید
ما لا تَعْلَمونَ	چیزی را که نمی‌دانید

اعراف ۳۳

وَ مِنْ آیاتِهٖ	.....
اَنْ خَلَقَ لَکُمْ	.....
مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجًا	.....
لِتَسْکُنوا اِلَیْها	.....
وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ	.....
مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً	.....
اِنَّ فی ذٰلِكَ	.....
لَآیاتٍ لِقَومٍ یَتَفَکَّرونَ	.....

روم ۲۱

پیام آیات

در آیات شریفهٔ درس تفکر کنید و با تکمیل جملات، مهم‌ترین «معیارهای جامعه و تمدّن اسلامی» را به دست آورید:

معیار اوّل: جامعه و تمدن اسلامی بر پایهٔ اعتقاد و ایمان ..... بنا می‌شود. و با ..... در مراتب مختلف آن مبارزه می‌کند. سوره...../ آیه.....

معیار دوم: مردم در جامعهٔ اسلامی به حقیقت ..... ایمان دارند و اعمال و رفتار خود در دنیا را برای رسیدن به سعادت ..... تنظیم می‌کنند.

سوره...../ آیه.....

www.Gama-Plus.ir

معیار سوم: مسلمانان، در برنامه‌های فردی و اجتماعی خود تابع فرمان‌های ۰۰۰۰۰۰، ۰۰۰۰۰۰ و ۰۰۰۰۰۰ می‌باشند و ۰۰۰۰۰۰ عمل نمی‌کنند. سوره۰۰۰۰۰۰/ آیه۰۰۰۰۰۰

معیار چهارم: در جامعهٔ اسلامی، ۰۰۰۰۰۰ جایگاه ممتازی دارد و کانون رشد انسان‌های با فضیلت و محل ۰۰۰۰۰۰، ۰۰۰۰۰۰ و رحمت می‌باشد. سوره۰۰۰۰۰۰/ آیه۰۰۰۰۰۰

معیار پنجم: مردم جامعهٔ اسلامی با مؤمنان، که جبههٔ حق را تشکیل می‌دهند، ۰۰۰۰۰۰ هستند و با ستمگران و دشمنان حق که جبههٔ باطل را می‌سازند، ۰۰۰۰۰۰ می‌ورزند.

سوره۰۰۰۰۰۰/ آیه۰۰۰۰۰۰

معیار ششم: مردم جامعهٔ اسلامی در عین حال که برای آخرت تلاش می‌کنند، ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰ البته این نعمت را در جهت فساد و گناه ۰۰۰۰۰۰۰۰۰ سوره۰۰۰۰۰۰/ آیه۰۰۰۰۰۰

معیار هفتم: در جامعه و تمدن اسلامی تعقل و خردورزی یک ارزش بزرگ محسوب می‌شود و ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ احترام و منزلت والایی دارند. سوره۰۰۰۰۰۰/ آیه۰۰۰۰۰۰

معیار هشتم: تنظیم روابط اجتماعی و تدوین قوانین بر پایهٔ عدل صورت می‌گیرد و با ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ به شدت مبارزه می‌شود. سوره۰۰۰۰۰۰/ آیه۰۰۰۰۰۰

تلاش و جهاد در جهت معیارها

پانزده قرن از فرود آمدن پیامبر مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، در یک سپیده‌دم ماندگار، از فراز کوه حرا، می‌گذرد. صبح یکی از روزهای آغازین بعثت، یحیی بن عفیف، میهمان عباس ــ عموی پیامبر ــ بود و مشغول نظارهٔ کعبه.

«ناگاه چهره‌ای شاداب را دیدم که به پهنهٔ آسمان چشم دوخته است. اندکی بعد، سوی کعبه به‌حرکت درآمد و کنار آن ایستاد.» یحیی ادامهٔ ماجرا را این‌گونه نقل می‌کند: «پس از زمانی کوتاه، پسری پیش آمد و در سمت راست او قرار گرفت. سپس بانویی از راه رسید و پشت سرشان ایستاد. دیدم که آن دو به پیروی آن مرد، تعظیم کردند، برخاستند و به سجده افتادند.

گفتم: ای عباس، این کاری است عجیب و شگفت.

گفت: آری، کاری است شگفت. و ادامه داد: آن مرد را می‌شناسی؟

جواب دادم: نه، نمی‌شناسم.

ـ نامش **محمد** است، پسر عبدالله بن عبدالمطّلب و برادرزادهٔ من. پرسید: می‌دانی آن نوجوان کیست؟

www.Gama-Plus.ir

پاسخ دادم : نه.

ـ نامش **علی** است، و پسر ابوطالب. آن زن را چطور؟ او را می‌شناسی؟

این بار نیز پاسخم منفی بود.

ـ او **خدیجه** است، دختر خُوَیلِد، همسر برادرزاده‌ام.

برادرزاده‌ام محمد با من چنین گفته است : «پروردگار من ــ که پروردگار آسمان و زمین هموست ــ مرا فرمان داده چنین کنم (و نماز بگزارم).» به خداوند سوگند که امروز از کران تا کرانِ این سرزمین پهناور، هیچ کس را جز این سه تن نمی‌شناسم که بر این آیین باشد.[1]»

کمتر از نیم قرن، پس از این حادثه، نام این پیام‌آورِ بزرگ، سرزمین‌های اطراف مکه را در نوردید، قلب‌ها را تسخیر خود کرد و بر سر زبان‌های بخش عظیمی از مردم متمدنِ آن زمان، جاری گشت. و یک قرن بعد، که این گرامی‌ترین نام، از فراز مناره‌های مساجد شهرهای بزرگ آسیایی و آفریقایی و اروپایی به گوشِ قلب‌های مردم جهان رسید و آنها را به هیجان آورد، تمدنی عظیم و باشکوه را رقم زد؛ تمدن اسلامی.

گذر از عصر جاهلیت[2] به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان‌ها و تحوّلی بنیادین در شیوهٔ زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. رسول خدا ﷺ این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز و با کمک یاران صمیمی خود در مدینه، پایه‌های تمدن اسلامی را چنین بنا نهاد :

۱ــ در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنهٔ کوه صفا ایستاد و این‌گونه ندا سر داد :

ای مردم بگویید معبودی جز «اللّه» نیست، تا رستگار شوید.

بدین ترتیب مبارزهٔ با شرک، آغاز شد و محور رسالت رسول خدا ﷺ قرار گرفت.

معیار شمارهٔ .....

۲ــ پیامبر اکرم ﷺ در کنار دعوت به توحید، افق نگاه انسان‌ها را از محدودهٔ تنگ دنیا فراتر برد، منکرین را با استدلال‌های محکم و آشکار، با حقیقت معاد آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون آن به مبارزه برخاست.

معیار شمارهٔ .....

۳ــ رسول خدا ﷺ آمده بود تا مردم را از حکومت و ولایت طاغوت و ستمگران نجات دهد و نظامی اجتماعی بر پایهٔ قوانین الهی بنا کند، به‌طوری که روابط اجتماعی مردم بر مبنای دستورات خداوند تنظیم شود و فرمانی جز فرمان خداوند و کسی که خداوند تعیین کرده است، اطاعت نگردد.

معیار شمارهٔ .....

۱ــ البدایة والنهایة، ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۵

۲ــ موضوعات و مطالب علمی قابل توجهی برای آشنایی بیشتر بااوضاع فرهنگی پیش از اسلام در شبه جزیرهٔ عربستان و خارج از آن در صفحهٔ ۱۱۰ آمده است.

www.Gama-Plus.ir

۴ــ از دیگر برنامه‌های مهم پیامبر اکرم ﷺ ، تبیین جایگاه خانواده، به‌عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌های با فضیلت، حافظ عفاف و پاکدامنی، و مانع اصلی فساد و نابسامانی‌های اجتماعی بود. احیای منزلت زن و ارزش‌های اصیل او از عناصر اصلی این برنامه به‌شمار می‌رفت. در آن عصر زن کالایی در کنار سایر کالاها تلقی می‌شد و از کمترین حقوق، از جمله حق مالکیت برخوردار نبود و تولد دختر در خانواده سرافکندگی آن خانواده را به دنبال داشت. در شرایطی که زن صرفاً به ابزاری برای هوس‌رانی‌های جنسی مرد تبدیل شده بود، رسول خدا ﷺ با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم پدید آورد.

با گرویدن مردم به اسلام، زن منزلت انسانی خود را کسب کرد و استقلال مالی به‌دست آورد؛ حضور زن در جامعه با عفاف و پاکدامنی توأم شد، رابطهٔ زناشویی به محیط خانواده اختصاص یافت و استفادهٔ ابزاری از زن ملغی گردید تا خانواده کانون رشد فضایل اخلاقی، دوستی و مودّت گردد و محیط جامعه از فساد و بی‌بندوباری محفوظ بماند و حریم عفاف و عزّت زن حفظ شود[1].

معیار شمارهٔ .....

۵ــ از اقدامات مهم رسول خدا ﷺ ایجاد نگرشی جدید در جامعه بود که موجب تحوّل در روابط بین ملت‌ها گردید. تا پیش از آن، پادشاهان، رؤسای قبایل، اشراف و بزرگان، معمولاً روابط خود با دیگران را بیشتر براساس منافع مادی، زیر سلطه درآوردن قبایل و سرزمین‌های یکدیگر تنظیم می‌کردند و مردم را در جهت همین اهداف سوق می‌دادند.

رسول خدا ﷺ این صف‌بندی‌ها و جبهه‌گیری‌ها را مردود اعلام کرد وآموخت که دو جبهه‌ای که واقعاً در مقابل یکدیگر قرار دارند، جبههٔ حق و جبههٔ باطل است. جبههٔ حق، جبههٔ یکتاپرستی، عدالت‌خواهی، کرامت‌های اخلاقی و در یک کلام، ولایت الهی است. مؤمنان ولایت الهی را پذیرفته و فرمانبردار خداوند هستند. جبههٔ باطل، جبههٔ مشرکان، ستمگران، مفسدان و به تعبیر دیگر، ولایت طاغوت و شیطان است.

بنابراین موضع‌گیری، رسول خدا ﷺ از مسلمانان می‌خواهد که با هم‌کیشان خود در سراسر جهان پیوند برادری برقرار کنند و مانند اعضای یک خانواده از یکدیگر دفاع نمایند، با ظالمان و مفسدان مبارزه کنند و یار ستمدیدگان و مستضعفان باشند.

معیار شمارهٔ .....

۶ــ رسول خدا ﷺ ، تلاش می‌نمود انسان‌هایی تربیت کند که در عین توجه به رستگاری اخروی به‌عنوان هدف اصلی زندگی، برای رشد و تعالی زندگی دنیوی خود نیز تلاش کنند. افرادی که هم از زیبایی‌های جهان آفرینش و نعمت‌های خداوند بهرهٔ صحیح را می‌برند و هم با بندگی و راز و نیاز با خداوند متعال و پایبندی به اخلاق، خود را برای تقرب الهی و رستگاری جاودانه آماده می‌سازند.

۱ــ برای آشنایی بیشتر با جایگاه این معیار در نظام ارزشی اسلام، به ص ۱۱۲ مراجعه فرمایید.

www.Gama-Plus.ir

انسان‌هایی که در عین توجه به معنویت و اخلاق، از جامعه کناره‌گیری نمی‌کنند و برای عزّت و آسایش مردم می‌کوشند و این را نیز وسیله‌ای جهت رستگاری خود قرار می‌دهند.

بنابراین، جامعهٔ اسلامی نه تنها با اخلاق‌ترین و معنوی‌ترین جامعه، بلکه باید آبادترین جامعه نیز باشد. رسول خدا ﷺ افرادی را که به گوشهٔ عبادتگاهی پناه می‌بردند و از مردم کناره‌گیری کرده، به زندگی خود و خانواده بی‌توجه بودند، سخت مورد نکوهش قرار می‌داد و آنها را از خود نمی‌دانست. از طرف دیگر، افرادی را نیز که فقط به لذت‌های دنیایی سرگرم بودند یا فقط به جمع ثروت و کسب قدرت می‌پرداختند هواپرستانی می‌شمرد که به لذت اندک دنیا بسنده کرده و از لذّات معنوی جاوید آخرت بازمانده‌اند.

معیار شمارهٔ .....

۷ــ رسول خدا ﷺ دعوت خود را در جامعه‌ای آغاز کرد که نشانه‌هایی بسیار اندک از تعقل و تفکر و دانایی در آن یافت می‌شد. زندگی‌شان سرشار از خرافات و مظاهر جهل بود. شعر می‌سرودند، امّا برای شراب، شکار، غارت، عشق حیوانی و بت. برای آمدن باران آتش می‌افروختند. شتر سالم را با آهن حرارت دیده داغ می‌زدند تا شتر دیگری که مریض است بهبود یابد. اگر گاو ماده آب نمی‌خورد، گاو نر را می‌زدند تا دیو پنهان شده در شاخ‌های او خارج شود. گفته‌اند در میان این مردم فقط هفده نفر بودند که خواندن و نوشتن می‌دانستند. نبیّ اسلام ﷺ آمد تا این آداب جاهلی را نابود کند و مردم را به‌سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد. اولین آیاتی که بر رسول خدا ﷺ نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، دربارهٔ دانش و آموختن بود.[1]

دعوت به تفکر، تعقل، تدبر و خردورزی در جای‌جای این کتاب آسمانی مشاهده می‌شود. نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف و تشویق‌های دائمی رسول خدا ﷺ از طرف دیگر، سدّ جاهلیت و خرافه‌گرایی را شکست و یکی از جاهل‌ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت. در حالی که در بزرگترین کشور متمدن آن روز، ایران، فقط بخشی از مردم حق آموختن داشتند، رسول خدا ﷺ نه تنها همه را دعوت به علم‌آموزی کرد، بلکه فرمود: «طلب علم بر هر مرد و زن واجب است[2].»

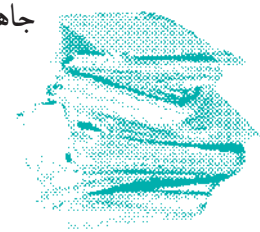

معیار شمارهٔ .....

۱ــ علق، ۱ تا ۵

۲ــ برای آشنایی بیشتر با جایگاه این معیار در ایجاد تمدن اسلامی، تلاش علمی دانشمندان مسلمان و نقش آنان در پیشرفت علمی جهان به صفحهٔ ۱۱۳ تا ۱۲۲ مراجعه فرمایید.

www.Gama-Plus.ir

۸ــ آن حضرت تلاش کرد جامعه‌ای عدالت محور برپا نماید به‌طوری که در آن مظلوم به آسانی حق خود را از ظالم بستاند و امکان رشد برای همهٔ انسان‌ها فراهم باشد، نه اینکه نعمت‌ها و ثروت‌های زمین در انحصار گروهی محدود باشد. ایشان از هر فرصتی برای رفع تبعیض‌های طبقاتیِ حاکم بر نظام جاهلی و برقراری فرهنگ برابری و مساوات در جامعه، کمال استفاده را می‌نمود و از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نمی‌کرد.

یکی از جنبه‌های عدالت خواهی رسول خدا صلی الله علیه و آله مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی بود که در همهٔ نقاط جهان، به خصوص در امپراتوری‌های بزرگ آن روز رواج داشت. ایشان همهٔ امتیازات اشرافی را لغو کرد و هیچ قومی را بر قوم دیگر برتر ندانست[1].

معیار شمارهٔ .....

اکنون که معیارها را استخراج کرده اید، عنوانی برای هرکدام انتخاب کنید و در خانه‌های خالی قرار دهید.

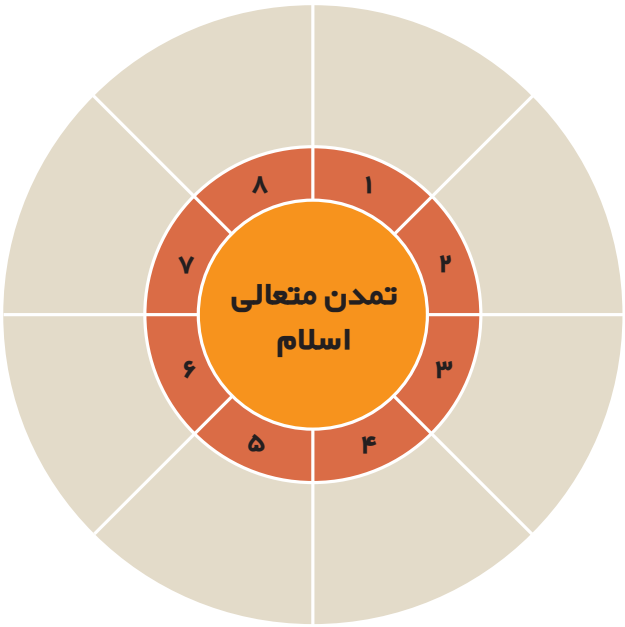

۱ــ برای آشنایی با نمونه‌های دیگری از جنبه‌های عدالت‌خواهی در تمدن اسلامی به صفحات ۱۲۲ تا ۱۲۶ مراجعه نمایید.

www.Gama-Plus.ir

پیشنهاد

*از میان معیارهای هشت‌گانه، معیارهای اوّل، هفتم و هشتم را با یکدیگر مقایسه کنید و توضیح دهید که اگر جامعه‌ای فقط به دنبال تحقق یکی از آنها باشد و به دو ویژگی دیگر توجه نکند، چه مشکلاتی پدید می‌آید؟

معیار اوّل، بدون معیارهای هفتم و هشتم	معیار هشتم، بدون معیارهای اوّل و هفتم	معیار هفتم، بدون معیارهای اوّل و هشتم

www.Gama-Plus.ir

درس نهم

برنامه‌ای برای فردا

در درس قبل با معیارهای جامعه و تمدن متعالی اسلام آشنا شدیم[1] و دانستیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای شکل گرفتن چنین جامعه‌ای تلاش کرد و مسلمانان را نیز به تلاش در این راه دعوت فرمود. جامعهٔ جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز بر اساس همین معیارها پدید خواهد آمد.

اکنون با این سؤال روبرو هستیم که :

هرکدام از ما چگونه برنامه‌ریزی کنیم که بتوانیم جامعهٔ خود را به معیارهای یک جامعهٔ متعالی اسلامی هرچه بیشتر نزدیک نماییم و زمینهٔ ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل جامعهٔ جهانی توحیدی را فراهم سازیم؟

۱ــ برای آشنایی با «تمدن جدید»، تفاوت معیارهای آن با معیارهای «تمدن اسلامی» و نتایج پیامدهای آن به موضوعات خواندنی صفحات ۱۲۸ تا ۱۳۸ مراجعه نمایید.

www.Gama-Plus.ir

وَ كَذٰلِكَ جَعَلْناكُمْ	و این چنین شما را قرار دادیم
أُمَّةً وَسَطًا	امتی میانه و اسوه
لِتَكونوا شُهَداءَ عَلَى النّاسِ	تا بر مردم گواه باشید
وَ يَكونَ الرَّسولُ عَلَيْكُمْ شَهيدًا	و رسول خدا بر شما گواه باشد .

بقره ۱۴۳

وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللّٰهَ	هر کس ولیّ خود قرار دهد خدا و
وَ رَسولَهُ	رسولش را
وَالَّذينَ آمَنوا	.....
فَاِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ	.....
هُمُ الْغالِبونَ	.....

مائده ۵۶

قالَ موسىٰ لِقَومِهِ	.....
اسْتَعينوا بِاللّٰهِ	.....
وَ اصْبِروا	.....
اِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ	که زمین، متعلق به خداست
يورِثُها مَنْ يَشاءُ مِن عِبادِهِ	و آن را به هرکس از بندگانش بخواهد، می‌دهد
وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ	و سرانجام [نیک]از آنِ تقواپیشگان است.

اعراف ۱۲۸

اُدْعُ اِلىٰ سَبيلِ رَبِّكَ	به راه پروردگارت دعوت کن

www.Gama-Plus.ir

بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ اَحْسَنُ...

با دانش استوار و اندرز نیکو و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نما

نحل ۱۲۵

دو تجربهٔ موفق

خوشبختانه، ما به‌عنوان ایرانی مسلمان، دو تجربهٔ بسیار موفق و زیبا را پشت سر داریم، دو تجربه‌ای که بار اصلی آن بر دوش استوار پدران و مادران ما، یعنی نوجوانان و جوانان دیروز بود : یکی برچیدن نظام شاهنشاهی، آفریدن انقلاب اسلامی و دیگری پیروزی در دفاع مقدس. این دو تجربه، هم اعتقاد مردم جهان را دربارهٔ تأثیر ایمان به غیب در پیروزی‌های مادی و اثرات مثبت حکومت مبتنی بر دین مبین اسلام افزایش داد و هم آنان را نسبت به نظام ستم‌پیشهٔ جهانی آگاه‌تر کرد و برای رسیدن به معنویت و عدالت مشتاق‌تر و تشنه‌تر ساخت و رسیدن به این ارزش‌ها را خواست عمومی بسیاری از ملت‌ها قرار داد.

موقعیت کنونی و مسئولیت ما

اکنون در مرحله‌ای حساس از تاریخ سرزمین خود و جهان قرار داریم. در مسیر تکاملی این ملت، مسئولیت به ما منتقل شده است. پدران و مادران ما که آن تجربه‌های موفق را مدیریت کردند، منتظر و نگران تصمیم ما هستند تا ببینند در عصر جهانی شدن، نقش منحصر به فرد خود را چگونه به انجام خواهیم رساند و در جهت هدف بزرگی که در مقابل ماست، تا کجا پیش خواهیم رفت.

پیام آیات (۱)

در آیات ۱۴۳ سورهٔ بقره و ۵۶ سورهٔ مائده بیندیشید و پیام‌هایی را که مربوط به موقعیت و مسئولیت ویژهٔ ما مسلمانان در جهان است، استخراج کنید.

۱ – جامعهٔ واقعی اسلامی آن جامعه‌ای است که بتواند در عصر خود اسوه باشد و راه معتدل و میانهٔ زندگی را به دیگر جامعه‌ها نشان دهد.

۲– .....

۳– .....

www.Gama-Plus.ir

برنامه ریزی

شاید در نگاهی ابتدایی به این هدف بزرگ (تلاش برای جامعه و تمدن آرمانی اسلام) و مقایسهٔ آنها با توان و قابلیت‌های موجود، کسانی باشند که چنین طرحی را یک بلندپروازی بپندارند و رسیدن به آن اهداف را دور از دسترس تلقی کنند. امّا این یک تلقی ظاهری و سطحی‌نگر از توانمندی ذاتی انسان، مردم هوشمند جامعه و جوانان و نوجوانان پاک اندیش ما و ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده و حیات‌بخش اسلام می‌باشد. البته می‌دانیم که این مسئولیت بزرگ و حساس، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی ارتقا دهد و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد. علاوه بر این، کسی که آرمانی به این عظمت و بزرگی را برمی‌گزیند، هزینهٔ آن را هم می‌پردازد و رنج‌ها و مشکلاتش را تحمل می‌کند. ما به این حقیقت معتقدیم که :

«حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها، مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علوّ رتبهٔ آن است.[1]»

با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ، برنامه‌هایی را در چهار حوزه پیشنهاد می‌کنیم. این برنامه‌ها را بررسی کنید و برای عمل کردن به آنها بکوشید.

حوزهٔ اوّل : تقویت توانایی‌های فردی

اوّلین قدم آن است که هریک از ما خود را برای ایفای چنین نقش مهمی آماده کنیم و توانمندی لازم را به‌دست آوریم. برای رسیدن به این آمادگی، برنامه‌های زیر پیشنهاد می‌گردد :

۱ــ تلاش برای کسب آگاهی دقیق از تمدن اسلامی و تمدن جدید: اجرای هر طرحی برای فردا، بدون آگاهی از موفقیت‌ها و دستاوردهای دیروز میسر نیست. گذشته، دربردارندهٔ تجربه‌های فراوان است که عوامل پیروزی‌ها و شکست‌ها را به ما نشان می‌دهد و بصیرت و روشن‌بینی ما را بالا می‌برد.

شناخت دنیای جدید نیز جهت درک درست واقعیت‌ها و انتخاب روش‌های مؤثر، ضروری و لازم است.

پس هریک از ما باید برنامه‌ای برای آشنایی دقیق با تمدن بزرگ اسلامی و شرایط جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، تنظیم کنیم.

۲ــ تقویت ایمان و اراده: مشارکت در این اقدام بزرگ نیازمند اعتقاد راسخ به دین، عزّت نفس، توکّل و اعتماد به خداوند، شجاعت، پایداری، عزم و ارادهٔ قوی، و طهارت نفسانی است.

۱ــ وصیت‌نامهٔ امام خمینی رحمة‌الله علیه

www.Gama-Plus.ir

با تفکر در آیهٔ ۱۲۸ اعراف به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – عاقبت نیک از آنِ چه کسانی است؟

.....

۲ – این عاقبت نیکو در چه صورتی به انسان می‌رسد؟

.....

حوزهٔ دوم: تحکیم بنیان خانواده

مواظبت و حراست از بنیان خانواده مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی می‌شود که هم‌اکنون تمدن جدید بدان گرفتار شده است. بنابراین لازم است راه‌های حراست از بنیان خانواده را بیابیم و در جامعه تبلیغ کنیم.

*با دوستان و همکلاسی‌های خود مشورت کنید و راه‌های تقویت بنیان خانواده را پیدا نمایید. همچنین ببینید چه عواملی سبب سست شدن بنیان خانواده می‌گردد.

حوزهٔ سوم: تقویت بنیان‌های جامعه

حضور فعال در جهان و تأثیرگذاری بر آن، با اقدامات فردی پراکنده میسر نیست. هریک از ما، علاوه بر خودسازی فردی و به فعلیت رساندن قابلیت‌ها و استعدادهای خود، لازم است بکوشد جامعهٔ خود را به شاخص‌های تمدن متعالی اسلام نزدیک کند و به جامعه‌ای اسوه و نمونه برای دیگران تبدیل نماید. برای رسیدن به این هدف، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱ــ همراه کردن دیگران با خود: در قدم اوّل شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ و متعالی را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعهٔ خود تبیین کنیم تا آنان نیز به این مسئولیت آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند.

مسلماً هدف مطرح شده، از بزرگ‌ترین «خیرها» در جهان امروز می‌باشد، که شایسته است دیگر مردم جامعه را به آن دعوت کنیم و با خود همراه نماییم.

۲ــ تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت علمی، پایه‌های استقلال یک ملت را

www.Gama-Plus.ir

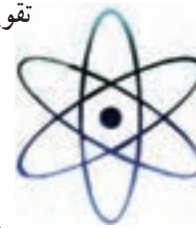

تقویت می کند و مانع تسلط بیگانگان می‌شود. هریک از ما باید بکوشیم با همت بلند و پشتکار فراوان، استعداد خود را به‌کار بگیریم تا به مرتبه‌ای از قدرت علمی برسیم که توجه دیگر ملت‌ها را به سوی خود جلب کنیم.

مقام معظم رهبری در این باره این‌گونه تذکر می‌دهند: «باید علم را که مایهٔ اقتدار ملی است، همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون‌جوش و درون‌زاست. باید استعدادهای یک ملت به‌کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود[1].»

پیشرفت‌های اخیر دانشمندان جوان کشور ما، در رشته‌های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو و هسته‌ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم‌های اولیه‌ای است که باید با همّت بلندتر و عزم قوی‌تر ادامه یابد و همهٔ عرصه‌های دانش را بپیماید.

۳ــ استحکام بخشیدن به نظام اسلامی: استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به‌طور طبیعی منزوی می‌شود و همراه و همدلی در دنیا نمی‌یابد. پس شایسته است نظام اسلامی خود را به مرتبه‌ای از پیشرفت و تعالی برسانیم که ملت‌های دیگر به‌طور عینی و ملموس ثمرهٔ اندیشه‌ها و آرمان‌های ما را ببینند. استحکام پایه‌های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعهٔ عدالت در همهٔ ابعاد، تقویت اتحاد ملّی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفهٔ مقدس امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است.

۴ــ تقویت عزت نفس عمومی: ملتی که به توانایی خود ایمان و باور دارد و عبارت «ما می‌توانیم» را، نه صرفاً در لفظ، که در «عمل» بیان می‌کند، قله‌های افتخار را به سرعت فتح خواهد کرد. ایمان و باور به اینکه «ما می‌توانیم» زنده‌کنندهٔ تمدن اسلامی و بزرگ‌ترین نیروی محرکه، برای پیمودن راه و گذر از گردنه‌های سخت آن است. آن خودباوری که پیامبر گرامی اسلام در یاران اندک خود به‌وجود آورد، سبب شد در شهر کوچک مدینه امتی تربیت شود که برای اصلاح جهان قیام کند و از همان ابتدا برای آزادی ستم‌دیدگان جهان و گسترش توحید در تمام دنیا برنامه‌ریزی نماید.

۱ــ سخنرانی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، خردادماه ۱۳۸۵

www.Gama-Plus.ir

برای مطالعه

صبحِ یکی از روزهایی که مسلمانان به حفر خندق در اطراف مدینه مشغول بودند، تا مانع ورود مشرکان مکه شوند و بتوانند با جمعیت اندک خود در مقابل آنها بایستند، به سنگ بزرگی برخوردند. شکستن و بیرون آوردن آن سنگ مشکل بود. گروهی از یاران پیامبر جمع شده بودند و تلاش می‌کردند با استفاده از ابزار آن روز و زور بازوی خود، سنگ را بشکنند و آن را بیرون آورند، امّا موفقیتی به‌دست نیامد.

جابربن عبداللّه نزد پیامبر آمد و از ایشان کمک خواست. پیامبر خدا ﷺ نزد آنان آمد، نگاهی به سنگ بزرگ انداخت، سپس به‌سوی آب رفت و وضو گرفت و جرعه‌ای از آن را نوشید. اعتماد و آرامش در رفتار وی تجلی داشت. با اطمینان کلنگ را در دست گرفت، آن را بالا برد و با بانگ تکبیر فرود آورد. آن‌چنان محکم کوبید که غرشی برخاست و جرقه‌ای چون شهاب از سنگ برآمد؛ با ضربهٔ دوم، برق دیگری درخشید و با ضربهٔ سوم، برق سوم. با این سه ضربهٔ پیاپی، سنگ سخت از هم پاشید و تکّه‌تکّه شد.

رسول خدا ﷺ از میان خندق رو به یاران کرد و فرمود: «خدای متعال با برق نخستین، کشور یمن را برای من گشود و با برق دومین، شام و مغرب زمین را و با برق سوم مشرق زمین را برای من فتح کرد[1].» ایشان خودباوری و توکل به خداوند را این‌گونه در یاران خود تقویت می‌نمود.

حوزهٔ چهارم: حضور مؤثر و فعال در جامعهٔ جهانی

پیام اسلام، پیامی برای فطرت انسان‌هاست. هر انسان حقیقت‌طلب و روشن‌ضمیری که جویای حقیقت باشد، در مواجههٔ با این پیام، جذب آن می‌شود و تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. آنچه اهمیت دارد، انتخاب روش‌های درست برای انتقال این پیام است. به همین منظور، برنامه‌های زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

۱ــ تأکید بر عقلانی بودن محتوای دین: میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. از این‌رو حق را نمی‌توان با روش‌های نادرست به دیگران رساند. خداوند، در قرآن کریم روش‌های تبلیغی مناسب را به پیامبر گرامی‌اش آموزش داده است.

۱ــ سلام بر خورشید، سید علی‌اکبر حسینی، ج ۴، ص ۲۴۲

www.Gama-Plus.ir

در آیهٔ ۱۲۵ سورهٔ نحل بیندیشید و روش‌هایی را که برای گفت وگو با مردم و رساندن پیام الهی پیشنهاد می‌کند، استخراج نمایید.

روش اوّل: .....

روش دوم: .....

روش سوم: .....

لازمهٔ به کارگیری این روش‌ها، تقویت عقل و خرد و تأمل خردمندانه در اسلام است؛ به‌طوری که بتوانیم معقول و خردمندانه از دین الهی دفاع کنیم و پاسخگوی پرسش‌های جویندگان حقیقت باشیم.

۲ــ استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام: امروزه ابزارهای رساندن پیام بسیار متنوع و گسترده است. این ابزارها، به همان میزان که می‌توانند در استخدام حق قرار گیرند، می‌توانند حامل پیام‌های باطل باشند و به گمراهی مردم کمک کنند.

شبکهٔ جهانی اطلاع‌رسانی (اینترنت) بهترین شاهد این مدعاست. در این میدان، که شاید سخت‌ترین هماوردی حق و باطل در جریان است، مشاهده می‌کنید که چگونه باطل پیشگان به تمام اصول و موازین اخلاقی و انسانی حمله می‌کنند و هیچ حدّ و مرز اخلاقی را رعایت نمی‌نمایند.

*۱ – امروزه چه ابزارهایی برای رساندن پیام حق و گفت وگو با دیگر مردمان وجود دارد که می‌توان از آنها کمک گرفت؟

۲ – دشمنان حق چگونه از این ابزارها سوء استفاده می‌کنند؟ و راه مبارزه با آنها چیست؟

۳ــ مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر: می‌دانیم که یکی از رسالت‌های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل در روابط جهانی و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می‌شود و پذیرای حق و حقیقت و عدالت می‌باشند، اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه‌تنها زیر بار حق و حقیقت نمی‌روند،

www.Gama-Plus.ir

بلکه سد راه حق‌جویی و حق‌پرستی می‌باشند و گسترش عدالت، منافع آنها را بر هم می‌زند و تا همه را تابع خط و مشی خود نکنند و یوغ اسارت بر گردن دیگران نیفکنند، آرام نمی‌گیرند.

امام خمینی ــ رحمة‌الله علیه ــ می‌فرمایند:

«نکتهٔ مهمی که همهٔ ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفتهٔ قرآن کریم [دشمنان] هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند[1]. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند.»[2]

بدین ترتیب، اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، درمی‌یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کرد، بلکه برای تحقق سخن حق باید قیام نمود و موانع حق و حق‌پرستی را در کل جهان زدود و این میسر نمی‌شود مگر با جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا، که همان راه حق و حقیقت است و تحمل همهٔ سختی‌های این راه.

برای مطالعه

امام خمینی «ره» در این باره در پیام برائت از مشرکین در حج سال ۱۳۶۶ فرمودند:

«... تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خون‌بهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزل‌ها و به آتش کشیده شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمب‌گذاری‌ها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به‌دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به‌دست آمده است. ملت ایران تجربهٔ پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکانِ در خواب، به‌دست آورده و با فداکاری و مجاهدت، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است، و ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجهٔ دفاع و مبارزه با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست.

۱ــ سوره بقره، آیه ۲۱۷

۲ــ صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷

www.Gama-Plus.ir

... من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همهٔ دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست؛ یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگ‌تری که شهادت است می‌رسیم و همان‌گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان‌ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان‌گونه که در جنگ نیز، مظلومانه‌تر از انقلاب، جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیماندهٔ راه پر نشیب و فراز را با اتکاء به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خود عمل خواهیم کرد : یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی با ماست و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم...».[1]

نمونهٔ بارز حق‌ستیزی و زورگویی در عرصه جهانی، اقدامات صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی است. فجایع و ظلم‌هایی که امروزه در فلسطین رخ می‌دهد، بر کسی پوشیده نیست و تاکنون سازمان‌های بین‌المللی ده‌ها قطعنامه در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی صادر کرده‌اند؛ اما آیا این قطعنامه‌ها توانسته‌اند در رویه‌های ظالمانهٔ این رژیم غاصب اندک تأثیری داشته باشد؟ آیا در مقابل یک جاه‌طلب قدرتمند می‌توان به مذاکره و نصیحت اکتفا کرد؟

* برخی می‌گویند راه‌حل معضل فلسطین را باید در پشت میزهای مذاکره و رایزنی‌های سیاسی جست‌وجو کرد و انتفاضهٔ مردم فلسطین تنها بر حجم مشکلات می‌افزاید. در گفت‌وگو با دوستان خود، این دیدگاه را نقد و بررسی کنید.

بنابراین، با شناخت دقیق فرصت‌ها، مردم دنیا را باید نسبت به شرایط سخت و ظالمانه‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم، آگاه کنیم و با زنده کردن روحیهٔ جهاد و مبارزه، به تقویت جبههٔ عدالت‌خواهان بپردازیم. با اقتدا به امام خمینی ــ رحمة‌اللّه علیه ــ عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها را بدان‌ها یادآوری کنیم، روحیهٔ خودباختگی و ترس را از ملت‌ها بزداییم و آنها را به سوی استقامت و مبارزه‌ای معقول و عزتمند هدایت کنیم.

۱ــ صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸

www.Gama-Plus.ir

برای مطالعه

۱ــ زندگی و سخنان امام خمینی پر از روحیهٔ حماسه و جهاد و شهادت‌طلبی است. جالب اینجاست که حتی در پیامی که هنگام قبول قطعنامهٔ مربوط به تهاجم عراق به ایران صادر کرد، نه فقط بر تداوم روحیه جهاد، بلکه بر تداوم خود این جهاد مقدس علیه ظلم و ستم تأکید نمودند و بیان داشتند هدف ما نه فقط رفع فقر، بلکه **محو هرگونه ظلم و کفر از کل جهان** است :

« ... آری، [مبارز] فلسطینی، راه گم‌کردهٔ خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه، چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد، و چطور خواب بنی‌اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره کوکب درّیهٔ[1] فلسطین از شجرهٔ مبارکهٔ لاشرقیه و لا غربیهٔ ما برافروخت و امروز همان‌گونه که فعالیت‌های وسیعی در سراسر جهان برای به‌سازش‌کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، [فعالیت‌هایی] برای خاموش‌کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان‌شکل ادامه دارد و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است...

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استکبار و استضعاف و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند می‌بوسم و سلام و درود خالصانهٔ خود را به همهٔ غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم؛ و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر کرده است و شرارهٔ کینهٔ انقلابی‌تان جهان‌خوارانِ چپ و راست را به وحشت انداخته است ... .

جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به‌راه اندازیم ...

اذناب[2] آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسأله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است، نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شدند، تمامی این‌ها خیالات باطل ملی‌گراهاست و ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده‌کردن

۱ــ اشاره به تعبیر «کوکب درّی» در آیهٔ ۳۵ سورهٔ نور، که به معنای «ستارهٔ درخشان» است.

۲ــ **اذناب** : پیروان

www.Gama-Plus.ir

اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است، ما می‌گوییم **تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم**. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم؛ ما تصمیم داریم پرچم «لا اله إلّاللّه» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم ... .

جهان‌خواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنها توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه‌افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم؛ و حال آنکه وظیفهٔ اولیهٔ ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنیم که ای خواب‌رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ، منزل گرفته‌اید؛ برخیزید که این‌جا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم : سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست ...

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای **احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان** سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم، ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.[1]

۲ــ مسأله‌ای که امروزه اندیشمندان دلسوز را در جوامع غربی و شرقی به خود مشغول داشته و به فکر چاره‌اندیشی برای آن هستند، فضای محصور و طراحی شده‌ای است که آدم‌ها به ناچار و ناخودآگاه در آن زندگی می‌کنند و می‌پندارند آن‌گونه زندگی می‌کنند که خود می‌خواهند و می‌پندارند که نوع لباس، غذا، اتومبیل، آرایش، تفریح و گردش، کتاب، مجلّه و ده‌ها جزءِ دیگر از اجزای زندگی را کاملاً به سلیقه خود انتخاب می‌کنند.

این اندیشمندان دلسوز، که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، می‌گویند در دنیای کنونی، آزادی انتخاب سبک و شیوهٔ زندگی، در هاله‌ای از ابهام و تردیدی جدی قرار گرفته است. گرچه به‌طور مثال، مد لباس، مدل اتومبیل و شکل آرایش بر کسی تحمیل نمی‌شود و انتشار صدها هزار روزنامه و مجلهٔ متنوع، نمادی از آزادی اندیشه است، امّا اگر از این نگاه ظاهربین بگذریم و ژرفای زندگی انسان امروز را بکاویم، می‌بینیم که بر دست و پای عقل و خرد بسیاری از انسان‌ها، زنجیرهایی ضخیم بسته شده که میدان عمل آزاد و انتخابگرانهٔ آنها

۱ــ برگزیده‌هایی از صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۲۳۴ تا ۲۳۷

www.Gama-Plus.ir

را کاملاً محدود کرده است.

شاید برای اوّلین بار در تاریخ انسان باشد که نصف ثروت جهان در مالکیت فقط سیصد خانواده است و نصف دیگر آن، بین بیش از شش میلیارد جمعیت زمین، آن هم باز به‌صورت ناعادلانه توزیع می‌شود. از این رو کاملاً منطقی است که دستگاه‌های فرهنگ‌ساز جهان در انحصار کسانی باشد که نصف ثروت جهان را در مالکیت خود دارند و با پیچیده‌ترین روش‌های تبلیغاتی، فکر و قلب بسیاری از انسان‌ها را مسحور می‌کنند و برای آنها سلیقه‌آفرینی می‌نمایند. لحظه‌ای که یک ورزشکار محبوب با پوشیدن لباسی با طرحی جدید پشت صفحهٔ تلویزیون ظاهر می‌شود و هزاران نفر از مشتاقان خود را به‌طور غیرمستقیم به پوشیدن آن ترغیب می‌کند، روشن است که سود و منفعت مادی این کار به چه کسانی می‌رسد و ثروت چه گروهی را افزایش می‌دهد.

امروزه قدرت‌های تبلیغاتی، نیازآفرینی می‌کنند و مردم را به دنبال نیازهای کاذبی که آفریده‌اند، می‌کشانند. امروزه، با کمک تبلیغات، ذائقه‌سازی می‌کنند و سلیقه‌ها را شکل می‌دهند. در کنار شرکت‌های بزرگ تولیدی و تجاری، گروه‌های سلیقه‌ساز و ذوق‌آفرین در تدارک آفرینش مدهای جدید و تحمیل سلیقه‌های خود بر افرادند.

ممکن است گفته شود : مگر ارائهٔ مد روز و سلیقه‌سازی کاری ناپسند است؟

در پاسخ باید گفت : اوّلاً، این سلیقه‌سازی‌ها به‌خاطر خدمت به مردم نیست؛ بلکه با هدف فروش بیشتر کالای سرمایه‌داران بزرگ و جمع‌آوری ثروت مردم دنیاست.

ثانیاً، ایجاد تنوع‌طلبی کاذب در زندگی مادی و مشغول و سرگرم کردن مردم به این امور، فرصت فکر کردن در امور معنوی و اخلاقی را از آنها می‌گیرد و هویت و شخصیتشان را در حد تمایلات و لذت‌های مادی پایین می‌آورد. آری، این سلیقه‌ها و مدها، هدف‌های حقیری هستند که انتخاب آنها بر انسان امروز دیکته می‌شود. وقتی که زندگی از هدف‌های بزرگ و متعالی تهی می‌شود، برای پرکردن خلأ ناشی از بی‌هدفی، راهی جز ایجاد نیازهای کاذب و اهداف دروغین باقی نمی‌ماند.

به‌راستی، آیا این همه تنوع و رنگارنگی در لباس، غذا، آرایش، کالاهای صنعتی و خانگی پاسخی به نیازهای حقیقی ماست؟ آیا توجه و دل‌مشغولی روزانهٔ مردم به این امور، آنان را از توجه به نیاز حقیقی باز نداشته است؟ آیا بسیاری از مردم دنیا، خویشتنِ حقیقی خود را فدای ثروت‌اندوزی جمعی اندک و ارضای خواهش‌های نفسانی آن عده نکرده‌اند؟

اگر حقیقت این است، پس چاره چیست؟

www.Gama-Plus.ir

۳ــ تلاش ما برای احیا و بازسازی تمدن اسلامی و اصلاح وضع کنونی جهان، صرفاً یک وظیفه در کنار سایر وظایف و مسئولیت‌ها نیست؛ مجاهده و قیامی است برای یکی از قدیمی‌ترین و مقدس‌ترین آرمان‌ها و اهداف انبیای الهی، یعنی تشکیل جامعهٔ عدل جهانی به رهبری موعود الهی، حضرت مهدی (عج).

شاید کسانی در یکی دو قرن گذشته می‌پنداشتند که بشریت به کمک علم و دانشی که به‌دست آورده است، بی‌نیاز از تعالیم خداوند، زندگی خود را به‌سوی بهروزی و سعادت سامان خواهد داد، امّا اکنون، در ابتدای قرن بیست و یکم، روشن شده که چنین پنداری ساده‌اندیشانه بوده است. دیدیم که انسان امروز، با تمام پیشرفتی که در علم و فن‌آوری کرده و دستاورد فراوانی که در تسهیل شیوهٔ زندگی به‌دست آورده، همچنان از رسیدن به بزرگ‌ترین آرزوهای خود بازمانده است. جامعهٔ بشری، امروزه تشنه‌تر از هر زمان، به دنبال عدالت و مساوات است و از تبعیض و بی‌عدالتی رنج می‌برد و بیش از هر زمان، از بی‌هدفی و بی‌آرمانی در اضطراب به‌سر می‌برد و در جست‌وجوی سعادت، خوش‌بختی واقعی و آرامش درونی است.

مسئولیت رساندن پیام رهایی‌بخش اسلام، امروزه بر دوش ماست. فردای انسان‌ها، به آگاهی، ایمان، همت و عزم راسخ ما برای ایفای نقش منحصر به فرد خود در جهان امروز بستگی دارد. درحالی که جهان به دهکده‌ای کوچک تبدیل شده و آدم‌ها در نزدیک‌ترین ارتباطات با یکدیگر قرار گرفته‌اند، تلاش ما برای رساندن پیام حق، به انسان‌های دیگر فرصت می‌دهد حقیقت را دریابند و امید به آینده پیدا کنند.

اینک که در انتهای آخرین درس به نام مقدس حضرت «مهدی» (عج)، موعود بزرگ پیامبران الهی رسیده‌ایم، خدا را سپاسگزاریم. در این پایان زیبا به امید دیدار دل‌انگیز و سُرورآورش، ظهور حضرتش را از خداوند مسألت می‌نماییم و برای سلامتی ایشان این‌گونه دعا می‌کنیم :

www.Gama-Plus.ir

اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ

خداوندا نسبت به ولیّ خودت، حجة بن الحسن

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ آبائِهِ

که درود تو بر او و بر پدرانش باد

فی هٰذِهِ السّاعَةِ وَ فی كُلِّ ساعَةٍ

در این لحظه و در تمام لحظات

وَلِيًّا وَ حافِظًا وَ قائِدًا وَ ناصِرًا

سرپرست و محافظ و رهبر و یاور

وَ دَليلاً وَ عَيْنًا

و راهنما و چشم بینا باش

حَتّىٰ تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا

تا (حکومت) او را در سراسر زمین خود با رغبت و پذیرش(مردمان) استوار سازی

وَ تُمَتِّعَهُ فيها طَويلًا

و او را در روی زمین تا زمانی دراز (از حکومت حق و عدل) برخوردار گردانی

www.Gama-Plus.ir

درس دهم

زندگی در دنیای امروز[1]

۱ــ احکامی که در این درس آمده، گرچه عموماً مشترک میان مراجع بزرگوار است، اما عبارت‌ها بیشتر از فتاوی حضرت آیت‌اللّه خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، استخراج شده است.

www.Gama-Plus.ir

عمل به احکام و راهنمایی خداوند، در دنیای پیچیدهٔ امروز، تنها شیوهٔ مطمئن زندگی و روش قابل اعتماد در مواجههٔ با مسأله‌هاست. در دنیایی که برترین معیارها و ارزش‌ها و مقدس‌ترین حقیقت‌ها تخریب می‌شوند، بسیاری از باطل‌ها را حق و حق‌ها را باطل جلوه می‌دهند، سهل‌انگاری در عمل و بی‌توجهی به احکام خداوند، قرار دادن خود بر لبهٔ پرتگاهی است که سقوط به وادی‌های هولناک گمراهی و سرگردانی را درپی خواهد داشت. خداوند همین خطر را به ما هشدار می‌دهد و می‌فرماید :

اَفَمَنْ اَسَّسَ بُنْیانَهُ	آیا آن کس که بنیاد [کار] خود را
عَلیٰ تَقْویٰ مِنَ اللّٰهِ وَ رِضْوانٍ	بر پایهٔ تقوا و خشنودی خدا نهاده
خَیْرٌ	بهتر است
اَمْ مَنْ اَسَّسَ بُنْیانَهُ	یا کسی که بنای خود را پی‌ریزی کرده
عَلیٰ شَفا جُرُفٍ هارٍ	بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط
فَانْهارَ بِهِ فی نارِ جَهَنَّمَ	و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟
وَاللّٰهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّالِمینَ	و خداوند گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند.
توبه ۱۰۹	

چرا برخی این راه یقینی را نادیده می‌گیرند و به این در و آن در می‌زنند و فرصت‌های زندگی را از دست می‌دهند؟

قبل از بیان برخی از احکام ضروری، توجه به دو نکته لازم است :

۱ــ هریک از احکام و دستورات خداوند، دارای علت خاصی است. اگر خداوند مهربان ما را به انجام کاری فرمان داده، حتماً آن کار به نفع ما بوده است. و اگر از کاری منع کرده حتماً آن کار به ضرر ماست. قرآن کریم می‌فرماید :

«چه بسیار چیزهایی که شما آنها را خوش نمی‌دارید، درحالی که برای شما خوب است و خداوند به آنها فرمان داده و چه بسیار چیزهایی که دوست می‌دارید و آنها برای شما بد است و خداوند آنها را منع فرموده است. زیرا خداست که بر هر چیزی آگاه است ولی شما این‌گونه نیستید.»[1]

۲ــ ممکن است ما انسان‌ها علت برخی از احکام را درک نکنیم، به‌خصوص وقتی که ببینیم

۱ــ بقره، ۲۱۶

www.Gama-Plus.ir

برخی از جوامع امروزی برخلاف آن احکام عمل می‌کنند. در این قبیل موارد باید به عقل و خرد خود مراجعه و توجه کنیم که علم ما نسبت به علم و حکمت خداوند، بسیار ناچیز است و بنای زندگی بر پایهٔ علم خداوند است که خوشبختی و سعادت را به ارمغان می‌آورد.

برخی از احکام زندگی در دنیای امروز

الف) ورزش و بازی

۱ــ بازی، ورزش و بازی‌های ورزشی[1] که برای نشاط، سلامتی و تقویت جسم و روح انجام می‌شود، اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد، مستحب است و پاداش اخروی دارد.

۲ــ کسانی که برای تقویت رابطهٔ صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده در بازی‌ها و ورزش‌های دسته‌جمعی پیش‌قدم می‌شوند، از پاداش اخروی بهره‌مند خواهند شد.

۳ــ شرط‌بندی، از امور زیان‌آور روحی و اجتماعی است و انجام آنها، حتی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی، حرام می‌باشد.

۴ــ قمار حرام است و بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به‌عنوان ابزار قمار شناخته شده‌اند، اگرچه به قصد قمار نباشد، حرام است. شرکت در مجالس قمار نیز حرام می‌باشد. یکی از دلایل حرمت می‌تواند این باشد که زشتی قمار در اذهان باقی بماند و زمینهٔ پیدایش قمار در جامعه فراهم نشود.[2]

۵ــ دادن جایزه توسط سازمان‌ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و اگر کسانی این جوایز را به این نیّت بدهند که افراد جامعه به ورزش و بازی‌های مفید رو آورند و سلامتی جسم و جان خود را افزایش دهند، کار نیکی کرده‌اند و از پاداش اخروی برخوردار خواهند بود.

۶ــ اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری‌های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی[3] است.

۱ــ بازی مجموعه فعالیت‌هایی است که برای نشاط و تفریح انجام می‌شود. ورزش مجموعهٔ حرکاتی است که برای سلامتی جسمانی و تقویت اندام‌هاست. بازی‌های ورزشی، آن دسته از بازی‌هایی هستند که هم سبب نشاط و فرح می‌شود و هم به تقویت اندام‌ها کمک می‌کند، مانند فوتبال، والیبال، دو و میدانی و بسیاری از بازی‌های محلی.

۲ــ رسالهٔ اجوبة‌الاستفتائات، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷

۳ــ واجب کفایی، عملی است که بر همه واجب است و اگر کسانی در حدّ کفایت به آن اقدام کنند، از دوش دیگران برداشته می‌شود.

www.Gama-Plus.ir

۷ــ بازی با ابزار قمار از طریق رایانه، مانند بازی با همان ابزار است و حرام می‌باشد.[۱]

ب) فرهنگ و ارتباطات[۲]

۱ــ تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به نیّت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب است و در شرایط ضروری، واجب کفایی است.

۲ــ تولید سایت‌ها در شبکهٔ اینترنت به منظور اشاعهٔ فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه‌های کفرآمیز و ابتذال اخلاقی، مستحب است و افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند، باید به تولید آن مبادرت ورزند.

۳ــ تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم‌ها، لوح‌های فشرده، نوارهای کاست، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ است.

۴ــ تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم‌ها، لوح‌های فشرده و سایر رسانه‌ها که دربردارندهٔ تصاویر یا متونی که موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا دربردارندهٔ موسیقی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه باشند، از گناهان بزرگ شمرده می‌شود و خرید و فروش آنها حرام است. همچنین، تماشا کردن و گوش دادن به آنها نیز حرام است.

۵ــ ابزارهای دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانهٔ اینترنت، از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های مختلف تلویزیونی و ارتباط هستند، که هم برنامه‌های حلال دارند و هم حرام، حکم ابزار مشترک را دارند. بنابراین، خرید و فروش و نگهداری آن برای امور حرام، حرام و برای امور حلال، جایز است. ولی چون این ابزار زمینهٔ دریافت برنامه‌های حرام را برای خود و اطرافیان خود کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز دربر دارد، خرید و نگهداری آنها حرام است؛ مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفادهٔ حرام نمی‌کند و نگهداری آن در خانه، مفسده‌ای را به‌دنبال ندارد.

البته در این قبیل موارد، قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران که مصالح کلی جامعه را در نظر

۱ــ رسالهٔ اجوبة‌الاستفتائات، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷

۲ــ رسالهٔ اجوبة‌الاستفتائات، ص ۲۵۹ تا ۲۶۶

www.Gama-Plus.ir

دارد، اولویت دارد و لازم‌الاجرا است.[1]

۶ــ موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش باشد، حرام محسوب می‌شود و فرقی نمی‌کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیرکلاسیک. این‌گونه موسیقی‌ها به سبب ویژگی‌هایی که دارند، انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق می‌دهند.

۷ــ به‌کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیرلهوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی و یا برای اجرای برنامه‌های فرهنگی مفید باشد، اشکال ندارد، به شرط این‌که مستلزم مفاسد دیگری نباشد.

۸ ــ شرکت در جشن‌های شادی، مانند جشن عروسی، درصورتی که مستلزم گوش دادن به غنا و موسیقی مطرب و یا هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد؛ همچنین فیلم‌برداری مردان از مجالس مردان و زنان از مجالس زنان جایز است اما فیلم‌برداری مردان از زنانی که رعایت حجاب کامل را نمی‌کنند، حرام است.

۹ــ اگر مؤلف یا ناشر یا تولیدکنندهٔ فیلم، نوار و لوح فشرده قید کرده باشد که چاپ یا تکثیر آن، بدون اجازهٔ صاحبش ممنوع است، لازم است حقوق صاحبان آن مراعات شود.

ج) روابط با بیگانگان

۱ــ اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیراسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سراسر عالم، تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و به‌کارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند.[2]

۲ــ هر نوع تجارتی که به نفع دولت غاصب صهیونیستی که دشمن اسلام و مسلمین است، تمام شود، حرام است. وارد کردن و ترویج کالاهای آنان که از ساخت و فروش آن سود می‌برند، حرام است. اگر این قبیل کالا در فروشگاه‌های کشورهای اسلامی باشد، خرید آنها بر مسلمانان حرام است.[3]

۱ــ خوب است توجه کنیم که حکومت اسلامی همان‌گونه که در قبال بهداشت جسمانی جامعه مسئول است و صرفاً به توصیه‌های بهداشتی بسنده نمی‌کند، بلکه چون ممکن است برخی از روی ناآگاهی یا برای سوءاستفاده، خوراکی‌های فاسد در جامعه توزیع کنند، قوانین الزام‌آوری برای حفظ بهداشت جامعه تصویب و با متخلفان برخورد قانونی می‌کند، در قبال بهداشت روح و روان جامعه نیز مسئول است و نمی‌تواند به توصیه‌های اخلاقی بسنده کند. در همین راستا، با توجه به این‌که متأسفانه اغلب کاربردهای ماهواره در راستای مسائل مفسده‌آمیز می‌باشد و افراد جامعه به‌دلیل غفلت یا سایر عوامل به این نوع استفاده‌ها اقدام می‌کنند، مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای در ۱۳۷۳/۱۱/۲۳، ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره را ممنوع کرد و فقط اجازه داد برخی از سازمان‌ها با کسب مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حق استفاده از تجهیزات مذکور را داشته باشند.

۲ و ۳ــ رسالهٔ اجوبة‌الاستفتائات، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۳۰۰ و ۳۰۱

www.Gama-Plus.ir

۳ــ خرید و پوشیدن لباس‌هایی که توسط دولت‌های استعماری تولید شده‌اند، اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیراسلامی دشمن باشد و باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی شود، یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد، حرام است.[۱]

۴ــ معمولاً مدهایی که در غرب پیدا می‌شود، دربردارندهٔ پیامی منفی یا ترویج‌دهندهٔ یک گروه غیراخلاقی است. به‌طور کلی، تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنها را به‌دنبال دارد، حرام است.

۱ــ رسالهٔ اجوبة‌الاستفتائات، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۳۰۷

www.Gama-Plus.ir

برای مطالعه

الف) نگاهی کوتاه به تمدن اسلامی

۱ــ مختصری از اوضاع فرهنگی پیش از اسلام

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام از آن ایام این‌گونه یاد می‌کند :

«خداوند رسول خویش، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را زمانی فرستاد که مدتی از پیامبران پیشین می‌گذشت. ملت‌ها در خوابی عمیق فرورفته و فتنه و فساد، جهان را فراگرفته بود. رشته‌ها از هم گسیخته و آتشِ جنگ، زبانه می‌کشید.[۱]

مردم آن زمانه، مذاهب پراکنده و خواسته‌های متناقض و روش‌های متفاوت داشتند. برخی خدا را شبیه سایر مخلوقات می‌دانستند و برخی نیز غیر او را پرستش می‌کردند.[۲]

مردم از شیطان اطاعت می‌کردند و در راه او گام برمی‌داشتند و از آبشخور او می‌نوشیدند. عَلَم های شیطان توسط این مردم به حرکت درآمده و پرچمش در فتنه‌هایی که شیطان، مردم را از

۱ــ نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۸۹

۲ــ همان، خطبهٔ ۱

www.Gama-Plus.ir

طریق آن زیر پاهایش می‌کوفت و زیر سم‌هایش لگدمال می‌کرد، برافراشته شده بود.[۱]

شما مردم در آن زمان بدترین کیش و آیین را داشتید. در میان سنگ‌های سخت و مارهای زهرآلود زندگی می‌کردید، آب تیره می‌نوشیدید، غذای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید و از خویشان می‌بریدید. بت‌ها در میان شما جای داشت و گناه، شما را فراگرفته بود.[۲]»

بسیاری از مردم، داشتن دختر را ننگ می‌شمردند و وقتی به آنها خبر می‌دادند که خداوند دختری به آنها بخشیده، ناراحت می‌شدند[۳] و حتی برخی، دختران خود را زنده به گور می‌کردند[۴]. و اگر پدری دخترش را زنده می‌گذاشت، مرگ زودرس او را سعادتی برای خود می‌شمرد[۵]. در داخل قبایل، غارت اموال، دزدی، برده‌داری، قمار، ربا و داد و ستدهای نادرست رواج داشت. کعبه مرکز بت‌های مختلف شده بود و شمارهٔ بت‌ها به ۳۶۰ می‌رسید. بسیاری نیز به پرستش ارواح و ماه و ستارگان مشغول بودند.

خارج از شبه جزیرهٔ عربستان نیز، جهان آن روز آمیزه‌ای از تهی‌دستی، شلاق خوردن و سوختن محرومان، اندیشه‌های خشکیده و غرض‌آلود کشیشان و کاهنان و موبدان و تجمل‌پرستی درباریان بود. خسرو پرویز، پادشاه ایران در زمان طلوع اسلام خود را آدمی فناناپذیر از میان خدایان و خدایی بسیار جلیل در میان مردمان می‌شمرد.[۶] در پادشاهی ساسانی حدود یک‌درصد کل جمعیت آن روز ایران، همه‌چیز را در اختیار داشتند و بیش از ۹۸ درصد مردم چون بردگان از حقوق اولیه و اساسی خویش محروم بودند.[۷]

امپراتوری روم با استبداد اداره می‌شد و مسیحیت تحریف شده را مبنای حکومتی ساخته بود. تبعیضات نژادی، انحطاط اخلاقی، تشکیلات اداری پیچیده و جنگ‌های طولانی مدت و پی‌درپی این امپراتوری را به افول کشانده بود. مردم به چهار طبقهٔ اشراف، شوالیه‌ها، طبقهٔ متوسط و بردگان تقسیم می‌شدند.

۱ــ نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۲

۲ــ همان، خطبهٔ ۲۶

۳ــ سورهٔ نحل، ۵۸

۴ــ سورهٔ تکویر، ۸ و ۹

۵ ــ دایرةالمعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۸۱

۶ــ ایرانیان در زمان ساسانیان، کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی، ص ۶۴۸

۷ــ تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ج ۲، صص ۱۱ــ۱۰ (سرزمین ایران در دورهٔ ساسانیان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان بود و قلمرو بسیار وسیعی را دربر می‌گرفت، جمعیت آن هم بسیار زیاد بود.)

www.Gama-Plus.ir

۲ــ گزارشی از تلاش مسلمانان صدر اسلام برای تحقق معیارها

الف) دربارهٔ معیار چهارم

در جامعه‌ای با آن فرهنگ منحط، پیامبر خدا ﷺ با رفتار و عمل خود بسیاری از سنت‌های جاهلی را نابود ساخت. رفتار ایشان با دخترشان، حضرت فاطمه علیها السلام برای جامعهٔ آن روز و نیز امروز بسیار آموزنده است. او پیامبری بود که پسری برایش نمانده بود و فقط چهار دختر داشت که کوچکترین آنها فاطمه علیها السلام بود. از این رو، برخی از اعراب، پیامبر ﷺ را «ابتر» (بی‌دنباله) صدا می‌کردند تا تحقیرش نمایند. امّا این پدر بزرگوار، همراه با دختر خردسالش، رسالت تغییر و انقلاب در نگرش انسان‌ها را برعهده گرفتند. فاطمه زهرا علیها السلام «کوثر» لقب گرفت و پس از رسول خدا ﷺ چشمه سار همیشه‌جاری خوبی‌ها و ارزش‌ها در جامعهٔ اسلامی شد. قبل از او نیز، حضرت خدیجه علیها السلام کنار پیامبر گرامی اسلام ﷺ ایستاد و پشتیبانی صمیمی برای وی بود؛ ثروت فراوان و شخصیت اجتماعیِ خود را فدای جهاد رسول خدا ﷺ کرد و نقش ممتاز خود را در شکل‌گیری بزرگترین تحول جهانی ایفا نمود.

به تدریج، رفتارهای پیامبر و دخترش جهت احیای ارزش‌های فراموش شدهٔ انسانی به بار نشست و فروریختن سنت‌های جاهلی آغاز شد. رسول خدا ﷺ سه دختر دیگر هم داشت که هر سه، قبل از رحلت پیامبر ﷺ از دنیا رفته بودند. بدین ترتیب، تنها فرزندی که از پیامبر باقی ماند، یک دختر بود: حضرت فاطمه علیها السلام. او وارث و ترویج کنندهٔ همهٔ مفاخر و ارزش‌هایی شد که پیامبر اکرم ﷺ به ارمغان آورده و پیامبران بزرگ الهی همچون نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام برای آنها مبعوث شده بودند.

خانهٔ فاطمه علیها السلام و خانهٔ پدر کنار یکدیگر بود. این خانه را یک خلوت دو متری از هم جدا و دو پنجرهٔ روبه‌روی هم، خانهٔ پدر و دختر را به یکدیگر متصل می‌کرد. هر صبح پدر دریچهٔ پنجره را می‌گشود و به دخترش سلام می‌کرد. هرگاه قصد سفر داشت، به سوی منزل فاطمه علیها السلام می‌رفت، در می‌زد و با او خداحافظی می‌کرد. هرگاه نیز که از سفر برمی‌گشت، فاطمه علیها السلام اولین کسی بود که پیامبر ﷺ به سراغش می‌آمد و حال او را می‌پرسید.

مورخان گواهی داده‌اند که این پدر همواره دست دخترش را می‌بوسید و دربارهٔ او می‌فرمود:

ــ بهترین زنان جهان چهار تن‌اند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیهن السلام

www.Gama-Plus.ir

ـ خداوند از خشنودیش خشنود و از خشمش به خشم می‌آید.

ـ خشنودی فاطمه خشنودی من است و خشم فاطمه خشم من.

ـ فاطمه پاره‌ای از تن من است، هرکه او را بیازارد مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد، خدا را آزرده است.

حضرت زهرا علیهاالسلام پس از درگذشت حضرت خدیجه، در همان خردسالی همراه پدر سختی‌های دوران بعثت را با شکیبایی تحمل کرد و با دست‌های کوچک خود نوازشگر پدر بزرگوار خود بود. روزی پدر را در مسجدالحرام به باد ناسزاگویی و کتک گرفته بودند، فاطمه خردسال در فاصله‌ای اندک ایستاده بود و می‌نگریست. روزی دیگر در مسجدالحرام، پدر به سجده رفته بود که مخالفان شکمبهٔ گوسفندی را بر سرش انداختند. در این زمان فاطمه علیهاالسلام خود را به پدر رسانید، آن را برداشت و با دست‌های کوچک و مهربان خود سر و روی پدر را پاک کرد، او را نوازش نمود و به خانه بازگرداند.

در این خانواده، زنان، پا به پای مردان، تاریخ را رقم زده‌اند:

خدیجه علیهاالسلام حامی بزرگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله،

فاطمه علیهاالسلام همراه پدر و حامی بزرگ علی علیه‌السلام،

و زینب علیهاالسلام در کنار برادر و پیام‌رسان نهضت عاشورا.

این‌گونه بود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت گرامی ایشان با رفتار خود عقاید و رسوم جاهلیت را باطل کردند و ارزش حقیقی زن را تبیین نمودند.

در عین حال، این خانواده الگوی تمام عیار عفاف، حیا و پوشش اسلامی بودند تا به دیگر مؤمنین بیاموزند که توجه به مقام و منزلت زن به معنی بی‌بند و باری، نگاه ابزاری به او، و یا به معنی هوسرانی و متزلزل ساختن بنیان خانواده نیست.

ب) دربارهٔ معیار هفتم

۱ــ روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد مسجد مدینه شد، چشمش به دو گروه افتاد. یک دسته مشغول عبادت و ذکر، و دستهٔ دیگر به درس و آموزش مشغول بودند. هر دو دسته را از نظر گذرانید و از دیدن آنها خرسند شد. به همراهان خویش رو کرد و فرمود: «هر دو دسته کار نیک می‌کنند و راه خیر و سعادت می‌پیمایند.» سپس جمله‌ای اضافه کرد: «امّا من برای تعلیم و دانا کردن فرستاده شده‌ام.» آنگاه به طرف دسته‌ای که به تعلیم و تعلّم اشتغال داشتند حرکت

www.Gama-Plus.ir

کرد و در حلقهٔ آنها نشست.[1]

۲ــ رسول مکرّم اسلام ﷺ در یکی از روزها به یارانش فرمود: «کسی که دوست می‌دارد نگاهش به چهرهٔ کسانی افتد که از آتش دوزخ در امانند، به جویندگان علم بنگرد. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، هر شاگردی که برای تحصیل علم (نه به قصد شهرت و نه برای تظاهر و تفاخر)، به خانهٔ عالمی رفت و آمد کند، در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یک سالهٔ عابد برای او منظور می‌گردد. و برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهر آبادی در بهشت برای او آماده می‌سازند. بر روی زمین که راه می‌رود، زمین نیز برای او طلب آمرزش می‌کند ...»[2]

۳ــ امام رضا علیه‌السلام حدیثی مفصل در ارزش علم از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که قسمتی از آن چنین است: «اگر آموختن دانش با هدف الهی همراه باشد، کار نیک (حسنه) تلقی می‌شود. علم‌آموزی، عبادت است و مذاکرهٔ علمی، تسبیح و تقدیس پروردگار. و عمل و رفتار هماهنگ با علم، جهاد در راه خداست ...

فرشتگان، شیفتهٔ دوستی با دانشمندان‌اند و با بال و پرشان آنان را نوازش کرده و با درود و تحیات خویش به آنان تهنیت می‌گویند ...»[3]

۴ــ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، که نهج‌البلاغه‌اش نشان خردورزی و احترام به تفکر و تعقل است، فرمودند: «ای مردم! هشیار باشید که کمال دین‌داری دانش‌آموختن و عمل بر مبنای علم است.» و سپس فرمودند: «منزلت عالم و دانشمند، والاتر از کسی است که با کوشش، روزها را به روزه می‌گذراند و شب‌ها را به عبادت سپری می‌سازد.»[4]؛ «اگر مرگ عالم و دانشمندی فرا رسد، شکستی در اسلام پدید می‌آید که جز به وسیلهٔ دانشمندی دیگر قابل جبران نیست.»[5]

۵ــ به این داستان زیبا توجه کنید که هم بیانگر منزلت علمی و بینش روشن حضرت فاطمه زهرا، علیهاالسلام، است و هم توجه به معرفت و تفکر را نشان می‌دهد:

زنی نزد ایشان آمد و گفت مادری دارم که در باب نماز سؤال‌هایی دارد. امّا چون بیمار

۱ــ آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمهٔ منیة‌المرید شهید ثانی، نگارش سیدمحمدباقر حجتی، ص ۵۵

۲ ــ همان، ص ۴۶ تا ۴۸ و ۵۴

۳ــ همان، ص ۶۰

۴و۵ ــ الکافی، ج۱، ص ۳۵

www.Gama-Plus.ir

است، مرا نزد شما فرستاد تا آن سؤال‌ها را مطرح سازم. حضرت فاطمه علیهاالسلام به پرسش آن زن پاسخ داد. زن از این فرصت مناسب استفاده کرد و سؤال دیگری را مطرح ساخت. آن حضرت پاسخِ آن را نیز بیان فرمود. همین‌گونه، آن زن پرسش‌های متعددی را در میان می‌گذاشت و حضرت زهرا، علیهاالسلام، به تمام سؤالات جواب‌های لازم را بیان می‌فرمود تا تعداد مسأله‌ها به عدد ۱۰ رسید. زن از کثرت سؤال‌ها احساس شرمندگی کرد و گفت: بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم.

صدیقه کبری، علیهاالسلام، در حالتی که نشان می‌داد هیچ منتی بر او ندارد، فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می‌آید، بپرس.» و سپس برای تشویق وی فرمود: «اگر فردی در مدت یک روز باری سنگین را به دوش کشیده، آن را به بالای بام حمل کند و در ازای آن حق‌الزحمه‌ای معادل هزار سکه طلا دریافت کند، با توجه به این مزد، آیا آن کار برای او سخت خواهد بود؟»

پاسخ داد: خیر.

فرمود: «من هم کارگزارم و خود را خادم خداوند قرار داده‌ام. مزد من در برابر هر سؤالی که پاسخ دهم، از مجموع مرواریدهایی که فاصلهٔ میان زمین و آسمان را پر کند، بیشتر است. پس سزاوار است که از پرسش‌های تو احساس رنج و زحمت نکنم.»[1]

آری تلاش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و پیشوایان ما سبب علاقهٔ مسلمانان به علم و دانش شد، به‌طوری که توجه نیاکان ما به اندیشه و تفکر و ارزشمندی آن غیر قابل انکار است.

نیاکان ما در جهان اسلام توانستند علوم و دانش بشری را به پانصد شاخه برسانند[2]. شوق و علاقهٔ آنان به دانش سبب شد که در بسیاری شهرها در کنار هر مسجد، مدرسه‌ای نیز بنا کنند[3]، در آن روزگار، دانشجویان اروپایی برای تحصیل به دانشگاه‌های اسلامی می‌شتافتند و پادشاهان آنان، برای معالجه به بیمارستان‌های مسلمانان مراجعه می‌کردند.

از بزرگ‌ترین دانشمندان این عصر ابن‌سینا بود که به حق، آثار وی یکی از عوامل اصلی تحول اندیشه در اروپا و توجه بیشتر اروپاییان به تفکر فلسفی و دانش تجربی محسوب می‌شود.

کتاب «شفا»ی ایشان یک دایرةالمعارف در منطق، ریاضیات، علوم

۱ــ آداب تعلیم و تعلّم در اسلام، سیدمحمدباقر حجتی، ص ۷۴

۲ــ تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان مسیحی، ج۳، ص ۲۶۴

۳ــ فجرالاسلام، ج ۱، ص ۱۴۲

www.Gama-Plus.ir

طبیعی و فلسفه است و بخش فلسفی آن هنوز هم از مهم‌ترین کتاب‌های فلسفی جهان محسوب می‌شود.

ملاصدرا، فیلسوف بزرگ اسلامی دربارهٔ هماهنگی میان دین و تفکر عقلی می‌گوید: «نمی‌شود قوانین این دینِ بر حقّ الهی که چون خورشید، روشن و درخشان است، با دانش استدلالی یقینی مخالفت داشته باشد، و مرده باد آن فلسفه‌ای که قوانینش با کتاب قرآن و سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام مطابقت نداشته باشد.»[1]

در امور مربوط به بهداشت و سلامتی، وضع مسلمانان بسیار درخشان است؛ اگر شرایط قبل از اسلام را درنظر بگیریم و اوضاع همان دوره در اروپا را که هنوز حتی با حمام آشنا نبودند موردتوجه قرار دهیم، درمی‌یابیم که چگونه دستورات ساده‌ای مانند وضو و غسل و دیگر آموزه‌های بهداشتی اسلام مانند طهارت و نجاست و نیز دستورات پیشوایان دین در مورد سلامتی و درمان[2]، دنیای اسلام را متحول کرد.

یکی از ویژگی‌های فرهنگ علمی دورهٔ اسلامی عدم اختصاص علم به طبقه یا قشری خاص بود. در همان زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله زنان به حضور ایشان می‌رسیدند و سؤال‌های علمی خود را طرح می‌کردند. حضرت فاطمه علیهاالسلام یک کلاس علمی تشکیل داده بود و زنان مدینه برای علم‌آموزی در آن شرکت می‌کردند. برخی از همسران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز جزو راویان حدیث به‌شمار می‌روند.

نیاکان ما در هر شهری، ابتدا به ساختن مسجد و آموزشگاه اقدام می‌کردند.[3] یکی از نویسندگان اروپایی می‌گوید: فرهنگی در دنیای اسلام پدید آمده بود که حتی پایین‌ترین و معمولی‌ترین افراد تشنهٔ خواندن بودند و گاهی کارگران به غذای کم و جامهٔ کهنه قناعت می‌کردند برای این‌که بتوانند با پول خود کتاب بخرند[4].

با این که در آن زمان صنعت چاپ اختراع نشده بود، در کشورهای اسلامی به حد کافی کتاب و کتابخانه وجود داشت. دانشگاه بیت‌الحکمه در بغداد با ۴/۰۰۰/۰۰۰ جلد،

۱ـ الاسفار الاربعه، ج ۸، ص ۲۰۳

۲ـ برخی از این دستورات در مجموعه‌هایی مانند «طب‌الصادق» و «طب‌الرضا» گردآوری شده‌اند.

۳ـ تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون فرانسوی، ص ۵۵۷ و ۵۵۸

۴ـ عظمت مسلمین در اسپانیا، ص ۱۷۰

www.Gama-Plus.ir

کتابخانهٔ طرابلس در شام با ۳/۰۰۰/۰۰۰ جلد، کتابخانهٔ سلطنتی قاهره با ۱/۰۰۰/۰۰۰ جلد، رصدخانهٔ مراغه با ۴۰۰/۰۰۰ جلد، دارالحکمهٔ قرطبه در اندلس (کوردوبای فعلی در اسپانیا) با ۴۰۰/۰۰۰ جلد، دارالکتب ری با ۳۰۰/۰۰۰ و کتابخانهٔ سیدمرتضی با ۸۰/۰۰۰ جلد از جملهٔ کتابخانه‌هایی هستند که تعداد کتاب‌های آنها ثبت شده است[۱].

علاوه بر مدرسه‌های کوچک و بزرگ در شهرهای مختلف دنیای اسلام، دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه قاهره، بغداد، قسطنطنیه، قرطبه، اسکندریه و جندی‌شاپور، با بهترین امکانات تحقیق و مطالعه، پذیرای دانشجویان از نقاط مختلف دنیا بود. در این دانشگاه‌ها رشته‌های مختلف علمی تدریس می‌شد و امکاناتی از قبیل لباس، مسکن، کتاب، بهداشت و حتی کاغذ و قلم مجانی دراختیار دانشجویان قرار می‌گرفت. دانشگاه مستنصریه، ساختمانی بسیار باشکوه داشت و دارای چهار مدرسه بود. علاوه بر حقوق ماهیانهٔ استادان، به هر شاگرد ماهیانه یک دینار طلا داده می‌شد. آشپزخانهٔ دانشگاه به همهٔ استادان و شاگردان روزانه مقدار معینی نان و گوشت می‌داد. دانشگاه، حمام و بیمارستان مخصوص داشت و پزشک بیمارستان، هر صبح، دانشگاه را بازدید می‌کرد و برای بیماران نسخه می‌نوشت.[۲]

یکی از دانشمندان بزرگ در این دوره ابونصر فارابی[۳] است که به معلم ثانی مشهور است[۴]، وی بسیاری از زبان‌های زندهٔ عصر خود را می‌دانست و حدود صد کتاب و رساله تألیف کرده که چهل و چهار جلد از آنها باقی مانده است[۵]. او را به حق می‌توان مؤسس فلسفهٔ اسلامی نامید. شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا[۶]، معروف‌ترین دانشمند جهان اسلام است که از او به **نابغهٔ شرق** یاد می‌کنند. وی با این که بیش از ۵۸ سال عمر نکرد و زندگی سیاسی پر فراز و نشیبی داشت، ۲۴۲ جلد کتاب و رساله نوشته است. تألیفات او در حوزه‌های مختلف، ازجمله فقه، منطق، فلسفه، طب، عرفان، ریاضیات و داروشناسی می‌باشد. اندیشه‌های ابن‌سینا در زمان خودش به سرعت در دنیای اسلام گسترش یافت و چندی نگذشت که کتاب‌های اصلی وی به زبان لاتین

۱ــ تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۳۱۸؛ و عظمت مسلمین در اسپانیا، ص ۴۲۸

۲ــ بغداد در زمان خلفای عباسی، جی لواسترانژ، چاپ آکسفورد، ص ۲۶۷ (به نقل از میراث اسلام، ص ۲۳۰)

۳ــ وی در سال ۲۶۰ هجری در فاراب واقع در خراسان بزرگ متولد شد و در سال ۳۳۹ هجری در دمشق وفات یافت.

۴ــ معلم اول، لقب ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی است که در قرن چهارم قبل از میلاد می‌زیسته است.

۵ــ تاریخ فلسفهٔ اسلامی، هانری کربن، ص ۲۰۰؛ و تاریخ تمدن ویل دورانت، ج۱۱، ص ۱۷۳

۶ــ وی در سال ۳۷۰ هجری در نزدیک بخارا متولد شد و در سال ۴۲۸ هجری در همدان وفات یافت.

www.Gama-Plus.ir

ترجمه شد و در مدارس اروپا تدریس گردید[1].

در ریاضیات، مسلمانان آثار دانشمندان بزرگ ریاضی مانند اقلیدس و بطلمیوس را ترجمه کردند و سپس شروع به نوآوری نمودند. هیچ‌کس در تاریخ ریاضی نمی‌تواند شخصیت استثنایی محمدبن موسی خوارزمی (۲۳۶ـ۱۶۶ هـ.ق) را نادیده بگیرد. او معاصر مأمون خلیفهٔ عباسی و رئیس کتابخانهٔ بزرگ بغداد بود. وی علم «جبر» را به‌عنوان یک علم مستقل تأسیس کرد. نام کتاب وی «الجبر و المقابله» بود که وقتی این کتاب به اروپا رفت، اروپائیان براساس نام این کتاب، علم جبر را «Algebra» نامیدند. همچنین الگوریتم یا «Algorithm» یا الگوریسم که فن محاسبه است، از نام «الخوارزمی» گرفته شده که پس از ترجمهٔ کتاب وی به زبان‌های اروپایی این نام‌گذاری پدید آمده است[2]. علاوه بر این، ریاضی‌دانان بزرگ اسلامی، مانند ابوریحان بیرونی(۴۴۰ـ۳۶۲ هـ.ق)، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ ـ ۵۹۷ هـ.ق)، ابوالوفای بوزجانی (۳۸۸ـ ۳۲۸ هـ.ق) و غیاث‌الدین جمشید کاشانی (از علمای قرن هفتم و اوایل قرن هشتم) ابتکارات فراوانی در معادلهٔ سرعت، علم مثلثات، حل معادلات درجهٔ دوم، سوم و چهارم، اندازهٔ دقیق عدد پی، و در هندسهٔ تحلیلی و هندسهٔ فضایی داشتند[3].

در حوزهٔ پزشکی و دارویی نیز دانشمندان نامداری ظهور کردند که شهرت جهانی دارند؛ محمدبن زکریای رازی یکی از دانشمندان بزرگ این دوره است که ۲۲۰ جلد کتاب و رساله نوشته و نیمی از آنها در طب بوده است. کتاب‌های وی در آبله و سرخک، بیانگر دقت علمی اوست و بیش از چهل بار به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است. «الحاوی» کتاب دیگر اوست که ۲۰ جلد بوده و محصول یک عمر پژوهش و آزمایش است و تنها در سال ۱۵۴۲ میلادی پنج بار در اروپا منتشر شد[4]. وی کتابی نیز در روان‌پزشکی به نام «الطب الروحانی» دارد.

در اوایل قرن چهارم هجری تنها در شهر بغداد ۸۵۰ پزشک دارای اجازهٔ درمان

۱ـ تاریخ فلسفهٔ اسلامی، هانری کربن، ص ۲۱۴

۲ـ دانش مسلمین، محمد رضا حکیمی، ص ۱۵۰

۳ـ همان، ص ۱۴۸ تا ۱۵۴

۴ـ تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۱، ص ۱۵۹

www.Gama-Plus.ir

بودند[1] و تعداد دانشجویان پزشکی دانشگاه بغداد بالغ بر ۶۰۰۰ نفر بوده است. پزشکی، شامل رشته‌هایی مانند پزشکی عمومی، چشم‌پزشکی، جراحی، مامایی، پزشکی زنان و اعصاب و روان بوده است[2].

مسلمانان با استفاده از تجربهٔ ایرانیان شروع به ساختن بیمارستان برای بیماران جسمی و روانی کردند. اولین بیمارستان در سال ۸۸ هجری در دمشق ساخته شد که به‌تدریج به یکی از مراکز بزرگ درمانی تبدیل شد. بیمارستان‌ها دارای بخش‌های مختلف جراحی، چشم‌پزشکی، داروسازی، دندان پزشکی، پزشکی زنان و روان‌پزشکی بودند و معمولاً بخش‌های زنانه و مردانهٔ جداگانه‌ای داشتند.

بوعلی سینا تا مدت‌ها در شرق و غرب با نام **امیر پزشکان** شناخته می‌شد. مهم‌ترین کتاب وی در طب، کتاب «قانون» است که فرهنگ جامعی در پزشکی و داروشناسی است. این کتاب در اروپا در اواخر قرن پانزدهم میلادی شانزده بار، و در قرن شانزدهم بیست بار، و در سال‌های بعد نیز به‌طور مرتب منتشر شده است[3]. کتاب‌های بوعلی به اکثر زبان‌های زندهٔ دنیا ترجمه شد و تا شش قرن، اصل و مبنای پزشکی جهان بوده است و تا مدتی پیش نیز، از کتاب‌های درسی فرانسه به‌شمار می‌رفت[4]. در دانشگاه پاریس، دو تصویر رنگی از دو طبیب دنیای اسلام آویخته‌اند: محمدبن زکریای رازی و شیخ‌الرئیس ابن‌سینا[5].

ابن سینا اولین کسی بود که فلج صورت ناشی از سکتهٔ مغزی را تشخیص و سکتهٔ مغزی ناشی از زیادی خون در مغز را به خوبی توضیح داد. مسری بودن سل ریوی را تبیین کرد، انتقال بیماری‌ها از طریق آب و خاک را بیان داشت و عوارض سنگ مثانه را به گونه‌ای توصیف کرد که برخی از پزشکان گفته‌اند مشکل است بتوان به آن چیزی اضافه کرد. وی روش روان‌درمانی

---

۱ ــ همان، ص ۱۵۸

۲ ــ تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۲۷۶

۳ــ میراث اسلام، ص ۱۱۶

۴ــ تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون فرانسوی، ص ۶۳۳

۵ ــ تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۱، ص ۱۵۹

www.Gama-Plus.ir

را توسعه داد و از داروهای طبی برای این‌گونه درمان‌ها کمک گرفت[1].

جراحی از رشته‌های مهم پزشکی بود. جراحان چشم‌پزشک با مهارت، انواع آب‌آوردگی چشم را با عمل جراحی معالجه می‌کردند[2]. حتی داروی بیهوشی که از اکتشافات جدید شمرده می‌شود، بر جراحان اسلامی پوشیده نبود. آنان با دارویی گیاهی بیماران را بیهوش می‌کردند[3]. ابوالقسیس جراح ماهری بود که رساله‌های او را باید اساس جراحی جدید به حساب آورد. کتاب‌های وی تا یک قرن پیش بارها در اروپا چاپ شده است[4]. جراحان مسلمان، انواع عملیات، مانند جراحی دندان، خُرد کردن و بیرون آوردن سنگ مثانه و کلیه، سزاریَن در هنگام وضع حمل و شکسته‌بندی استخوان‌ها را انجام می‌دادند[5].

از ویژگی‌های بیمارستان‌ها این بود که پزشکی و داروسازی در همان محل بیمارستان تدریس می‌شد و شاگردان تمرین عملی داشتند[6]. بیمارستان‌ها بسیار وسیع بودند و در مسیر جریان ملایم هوا قرار داشتند. وقتی که محمدزکریای رازی خواست بهترین نقطهٔ بغداد را برای بیمارستان انتخاب کند، چند نقطهٔ شهر را انتخاب کرد و در هر نقطه، قطعه گوشتی آویزان نمود تا تشخیص دهد در کدام نقطه، گوشت دیرتر فاسد می‌شود و در آن نقطه بیمارستان را بنا نمود[7]. در قاهره بیمارستان بزرگی ساخته بودند که در آن حوض‌هایی با فواره‌های آب، باغچه‌های پر از گل و چهار حیاط بزرگ وجود داشت. هر بیمار فقیری که وارد می‌شد، به‌طور رایگان تحت معالجه قرار می‌گرفت و پس از معالجه، پنج سکهٔ طلا برای هزینهٔ زندگی در دورهٔ بهبودی دریافت می‌کرد[8].

تلاش علمی مسلمانان، دیگر حوزه‌های علوم تجربی را نیز در بر می‌گرفت. از آن‌جا که در این‌جا امکان طرح همهٔ آنها نیست، به اختصار فقط به برخی از تلاش‌های دانشمندان در رشته‌های دیگر اشاره می‌کنیم:

۱ــ فلاسفهٔ شیعه، ص ۹۳ و ۹۴

۲ ــ کارنامهٔ اسلام، ص ۴۶ تا ۵۲

۳ ــ تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۷

۴ــ میراث اسلام، ژوزف ماک‌کاپ، ص ۱۱۷

۵ــ تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۴

۶ ــ تاریخ تمدن اسلام، ج۲، ص ۲۸۴

۷ ــ تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۵؛ و کارنامهٔ اسلام، ص ۵۳

۸ ــ میراث اسلام، ژوزف ماک کاپ، ص ۱۲۳

www.Gama-Plus.ir

یکی از دانشمندان به نام ادریسی، ۲۹۰ جلد کتاب نوشته که ۵۰ جلد آن در گیاه‌شناسی بوده است[۱].

یک دانشمند اروپایی می‌گوید: این که در کتاب‌های شیمی می‌نویسند لاوازیه مؤسس علم شیمی است، درست نیست. اگر آزمایشگاه‌های هزار سال پیش مسلمانان و اکتشافات مهم آنان نبود، هیچ‌گاه لاوازیه نمی‌توانست قدمی به جلو بردارد[۲]. هنوز حدود صد رساله در شیمی از جابربن حیان در دست است[۳]. پیش از آن که گالیله حرکت زمین به دور خورشید را اعلام کند، ابوریحان بیرونی و پیش از وی ابوسعید سِجْزی این عقیده را ابراز کرده بودند[۴]. مسلمانان راه‌های تازه‌ای برای رصد ستارگان پیدا کردند و ابزارهای بسیاری برای آن ساختند. نخستین تحوّلی که تمدن اسلامی در این علم پدید آورد آن بود که مسلمانان به موهومات مربوط به ستاره‌شناسی و تأثیر اوضاع کواکب در احوال مردم، از حیث سعد و نحس اعتنایی نکردند[۵].

آری، چنین است؛ آنگاه که ملتی قدر علم، فرهنگ، اخلاق و ارزش‌های دینی خود را بداند و با جان و دل، آنها را ارجمند شمارد، درخت علم و معرفت و اخلاق شکوفا می‌شود و ثمرات گرانبهای آن به جامعهٔ انسانی می‌رسد.

در حوزهٔ علوم و معارف قرآنی نیز باید گفت مسلمانان از همان ابتدا، تشنهٔ آموختن قرآن کریم و تبیین معارف آن بودند. به همین دلیل، از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دربارهٔ معنا و مقصود و محتوای آیات سؤال می‌کردند. ساختار قرآن کریم نیز خود به گونه‌ای است که قوّهٔ تعقل و تدبّر در خود را پرورش می‌دهد و خوانندهٔ خود را به تفکر دربارهٔ آیات وامی‌دارد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به سؤال‌های مسلمانان پاسخ می‌داد و آنان را به تفکر بیشتر در آیات قرآن تشویق می‌کرد. این روش، پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله توسط حضرت علی علیه‌السلام و سایر پیشوایان ما ادامه یافت تا

۱ــ عظمت مسلمین در اسپانیا، ص ۱۶۹

۲ــ تمدن اسلام و عرب، ص ۶۱۱ تا ۶۱۵

۳ــ میراث اسلام، ص ۱۱۵

۴ــ فلاسفهٔ شیعه، ص ۱۱۵

۵ ــ تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان مسیحی، ج۳، ص ۲۸۸ تا ۲۹۴

www.Gama-Plus.ir

این که به تدریج شاخه‌ای علمی به نام علم تفسیر قرآن شکل گرفت و مفسران بزرگی در تاریخ اسلام ظهور کردند.

تدوین و جمع‌آوری حدیث نیز نزد مسلمانان اهمیت زیادی داشت. زیرا از نظر مسلمانان، حدیث، دومین منبع هدایت و سعادت بود. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام که از کودکی با رسول مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بود، اولین تنظیم کنندهٔ کتاب حدیثی است که در آن، سخنان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ثبت شده است. ایشان این کتاب را به فرزندان بزرگوار خود تحویل داد تا به عنوان سندی مهم، نزد خود نگه‌دارند و احادیث آن را به مردم بیاموزند[1].

اکنون در میان ما مسلمانان، صدها کتاب حدیثی وجود دارد که سخنان پیشوایان ما در آنها جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است. همچنین از همان ابتدا، علمی به نام حدیث‌شناسی تأسیس شد که شیوه‌های جدا کردن حدیث‌های ساختگی از واقعی و رابطهٔ احادیث با یکدیگر و میزان کاربرد آنها را مشخص می‌کند.

برنارد شاو، نویسندهٔ معروف انگلیسی در این باره می‌گوید: «من همیشه نسبت به دین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به واسطهٔ زنده بودن عجیبش نهایت احترام را گذاشته‌ام. به نظر من، اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و متغیر زندگی، و مواجهه با قرون مختلف را دارد.»[2]

ج) دربارهٔ معیار هشتم

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مردم را به عدالت در همهٔ ابعاد آن دعوت می‌فرمود که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱ــ عدالت اقتصادی یکی از ابعاد عدالت است که قرآن‌کریم تفاوت انسان دین‌دار و بی‌دین را در آن دانسته و فرموده است:

اَرَاَیْتَ الَّذی	آیا دیدی کسی را که
یُکَذِّبُ بِالدّینِ	روز جزا را دروغ می‌پندارد
فَذٰلِکَ الَّذی	او همان کسی است که

۱ــ مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج۱۴ (خدمات متقابل اسلام و ایران)، ص۴۱۳

۲ــ برنارد شاو (به نقل از کتاب خداپرستی و افکار روز، مهدی بازرگان)

www.Gama-Plus.ir

يَدُعُّ الْيَتيمَ	یتیم را به شدت (از خود) می‌راند
وَ لايَحُضُّ	و (دیگران را) ترغیب نمی‌کند
عَلىٰ طَعامِ الْمِسْكينِ	به خوراک دادن به بینوا

ماعون ۱ تا ۳

۲ــ رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه با یاران از کوچه‌های مدینه می‌گذشت. پیرزنی که کناری ایستاده بود، جلو آمد تا نیاز خود را با پیامبر در میان گذارد. پیرزن به خیال این که با امیر و سلطانی مانند امیران گذشته روبه‌رو شده به لکنت افتاد و نتوانست سخن بگوید.

پیامبر با مهربانی در کنار او روی زمین نشست و چنان با صمیمیت با او رفتار کرد که او احساس راحتی کرد و آنچه در دل داشت با پیامبر در میان گذاشت.

۳ــ رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم می‌فرمود:

«برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»[۱]

۴ــ روزی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حال عبور از کوچه‌ها، پیرمردی نابینا و از کار افتاده را دید که در گوشه‌ای نشسته و از مردم کمک می‌خواست. امام، از اوضاع وی پرسید. گفتند مردی است مسیحی که در ایام جوانی و صحت بدن کار می‌کرده و اکنون از کار افتاده و نابینا شده و گدایی می‌کند.

امام، علیه السلام، فرمود: «عجب، تا وقتی توانایی داشت از او کار کشیدید و اکنون او را به حال خود واگذاشته‌اید؟ ... برعهدهٔ حکومت و اجتماع است که تا زنده است، او را سرپرستی کند؛ بروید از بیت‌المال به او مستمری بدهید.»[۲]

۵ــ روزی سلمان فارسی و جمعی دیگر از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودند. هرکس دربارهٔ اصل و نسب خود چیزی می‌گفت و فخرفروشی می‌کرد. نوبت به سلمان رسید. گفتند: تو نیز از اصل و نسب خود بگو.

گفت: «من، سلمان، فرزند بندهٔ خدایم. گمراه بودم، خداوند به‌وسیلهٔ رسولش، محمد، صلی الله علیه و آله، هدایتم کرد. بَرده بودم، به‌وسیلهٔ پیامبرش محمد، صلی الله علیه و آله، آزادی‌ام بخشید.

۱ــ میزان‌الحکمة، ج۱، ص ۶۵۶ به نقل از کنزالعمال، حدیث ۴۳۵۸۸

۲ــ وسائل‌الشیعه، ج۲، ص ۴۲۵

www.Gama-Plus.ir

در این میان رسول خدا، ﷺ، وارد شدند و گزارشی از جلسه به ایشان داده شد. رسول خدا، ﷺ، رو به آن جمع که همه از قریش بودند، نمود و فرمود:

«ای مردم قریش، نَسَبِ موجب افتخار برای هرکس، دینش، مردانگیش، و خُلق و خوی اوست، و ریشه و اصلش، عقل او.»

۶ــ رستم فرخ‌زاد، فرماندهٔ سپاه یزدگرد، آخرین شاه ساسانی، در راه جنگ با مسلمانان بود. وی که مردی جهان‌دیده و با تجربه بود، در قادسیه با طلایه‌داران سپاه مسلمانان برخورد کرد. شب‌هنگام، سوار بر اسب، روی تپه‌ای رفت و به ارزیابی آن لشکر پرداخت. با وجود این که لشکر مسلمانان از نظر عده و تجهیزات اندک بودند، در قلب خویش اضطراب عجیبی احساس می‌کرد. از تپه فرود آمد و پیکی سوی زَهرة‌بن عبدالله، فرماندهٔ آن لشکر، فرستاد و وی را به مذاکره دعوت کرد. فرمانده آمد و سخنانی میانشان رد و بدل شد.

رستم پرسید: دربارهٔ دین خود سخن بگوی.

جواب داد: پایهٔ آن دو چیز است: گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد ﷺ.

رستم گفت: این که عیبی ندارد؛ خوب است، دیگر چه؟

زَهره ادامه داد: آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی انسان‌ها به سوی بندگی خداوند.[1]

رستم گفت: این هم خوب است، دیگر چه چیزی؟

زَهره گفت: مردم همه از یک پدر و یک مادر زاده شده‌اند و همه برادر و خواهر یکدیگرند.

رستم گفت: این نیز خیلی خوب است. اگر ما این‌ها را بپذیریم، شما باز خواهید گشت؟

پاسخ داد: آری، قسم به خدا به سرزمین‌های شما دیگر قدم نخواهیم گذاشت، مگر برای تجارت.

رستم گفت: راست می‌گویی، امّا در میان ما مردم ایران، سنّتی از زمان اردشیر رایج شده که با دین شما سازگار نیست. کشاورز و پیشه‌ور حق ندارند به طبقهٔ بالاتر روند و از امتیازات آن برخوردار شوند. اگر این طبقات در ردیف اشراف قرار گیرند، پا از گلیم خود درازتر خواهند کرد و با اعیان و اشراف به ستیز برخواهند خواست.

زَهره گفت: پس ما برای مردم بهتر از دیگر حکومت‌ها هستیم. ما نمی‌توانیم مثل شما

۱ــ اخراج العباد من عبادة العباد الی عبادة الله

www.Gama-Plus.ir

باشیم. ما عقیده داریم که باید امر خداوند را در مورد همهٔ طبقات رعایت کنیم. همهٔ مردم از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند و همه با هم برادر و برابرند.[1]

یک نکته: با این که رسول خدا ﷺ عدل و مساوات را اساس زندگی سیاسی و روابط اجتماعی قرار داده، و با رفتار و گفتار خود، به مردم آموخته بود که حاکم و رهبر مسلمین باید برمبنای قانون الهی و بدون هیچ‌گونه ستمگری عمل کند. امّا زمان کوتاهی پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، شرایط دگرگون شد؛ حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، که خود را جانشین رسول خدا ﷺ می‌دانستند، شیوهٔ سلاطین ایران و روم را در پیش گرفتند و حکومت‌هایی خودکامه و مستبد تشکیل دادند. توجه آنان به مردم کاهش یافت، چاپلوسان گرد آنان جمع شدند، و حق‌جویان و عدالت‌پیشگان منزوی گردیدند و یا در مبارزه علیه ستمگران به شهادت رسیدند.

با وجود این، به علت آموزش‌های مؤثر قرآن کریم، رسول خدا ﷺ، اهل‌بیت بزرگوار و یاران با وفای ایشان، و افزایش آگاهی‌های مردم، ستمگران ناچار بودند برخی ظواهر را مراعات کنند. یزید که می‌خواست حتی این ظاهرسازی را هم زیر پا گذارد، با قیام تاریخی امام حسین علیه‌السلام مواجه شد. این قیام بزرگ، با تأثیر عمیق خود ابتدا پایه‌های حکومت یزید و بنی‌امیه را ویران کرد و سپس به مدرسه‌ای دائمی تبدیل شد تا مسلمانان در آن مدرسه، درس جهاد با ستمگران را بیاموزند.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس هیچ‌گاه از انتقاد، اعتراض و مبارزهٔ آگاهان و اندیشمندان جامعه و در رأس آنان اهل بیت پیامبر ﷺ در امان نبودند.

نتیجه این‌که: تا قبل از ظهور اسلام، مبارزات سیاسی معمولاً میان پادشاهان، سلاطین و رؤسای قبایل برای فتح قلمروی یکدیگر پدید می‌آمد. **اما در دورهٔ اسلامی، به علت افزایش آگاهی‌های مردم از حقوق و مسئولیت‌های خویش، مبارزهٔ مردم با حکومت برای برقراری عدالت شکل می‌گرفت و وارد معادلات سیاسی میان ملت‌ها و حکومت‌ها گردیده بود**[2].

تأثیرگذاری شهادت امام حسین علیه‌السلام و مقاومت سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌صورت یک جریان مقاومت منفی بزرگ و سراسری در برابر حکومت‌های ظالم درآمد. رفتار مجموعهٔ

۱ــ کامل ابن‌اثیر، ج ۲، ص ۳۱۹ تا ۳۲۱ (به نقل از کتاب داستان راستان)

۲ــ قیام علیه ظلم، قبلاً هم اتفاق افتاده بود، مانند قیام کاوهٔ آهنگر علیه ضحاک (البته اگر آن قیام افسانه نباشد). امّا این که این‌گونه قیام‌ها و مبارزات به یک فرهنگ سیاسی تبدیل شود و جامعه بدان توجه داشته باشد، حقیقتی است که در دورهٔ تمدن اسلامی به‌وقوع پیوست.

www.Gama-Plus.ir

اندیشمندان و بزرگان علمی جهان اسلام نشان می‌دهد که تا چه اندازه تحت تأثیر فرهنگ عاشورا بوده‌اند.

ابوحنیفه، رئیس مذهب حنفی، در اواخر حکومت بنی‌امیه از طرف والی عراق به احراز عالی‌ترین مقام قضایی دعوت می‌شود ولی او قاطعانه رد می‌کند و به‌خاطر همین عمل شلاق می‌خورد. در زمان منصور، خلیفهٔ عباسی نیز برای وزارت دادگستری فراخوانده می‌شود، ولی نمی پذیرد و تا آخر عمر زندانی می‌شود. مالک، رئیس مذهب مالکی، به‌خاطر این اعتراض به خلفا که با زور و اجبار نمی‌توان بر مردم حکومت کرد، زندانی شد.[1]

همین فرهنگ سیاسی قوی که از تعالیم روح‌بخش اسلام نشأت گرفته بود، حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس را ناچار به ظاهرسازی و مراعات برخی قوانین می‌کرد. آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم، وجود شخصیت‌های اندیشمند در جامعه و طرح مباحث عمیق اجتماعی، فضای سیاسی جهان اسلام را از دیگر کشورهای آن روز کاملاً متمایز می‌کرد.

دو تهاجم بزرگ

در چنین شرایطی و در اواخر دورهٔ بنی عباس و پس از آن، دو حملهٔ وسیع و ویران کننده، یکی به غرب دنیای اسلام و دیگری به شرق آن صورت گرفت. امپراتوری روم به تحریک کلیسا از سال ۴۸۹ هجری (۱۰۹۶م) به قسمت غربی دنیای اسلام، یعنی سوریه، فلسطین، ترکیه و برخی دیگر از سرزمین‌های مجاور هجوم آورد. این تهاجم آغاز هشت جنگ طولانی و شدید بود که آخرین آن در سال ۶۶۸هجری (۱۲۷۰م) رخ داد. این جنگ‌ها که به قصد فتح بیت‌المقدس از طرف اروپاییان آغاز شد، بالاخره با فرماندهی بی‌نظیر سردار بزرگ مسلمانان به نام صلاح‌الدین ایوبی با پیروزی مسلمانان پایان یافت؛ امّا بسیاری از امکانات مادی و معنوی دنیای اسلام را از بین برد. از آن‌جا که در این جنگ‌ها اروپاییان صلیب با خود حمل می‌کردند، این جنگ‌ها را **جنگ‌های صلیبی** می‌نامند.

تهاجم ویرانگر دیگر، حملهٔ مغولان به بخش شرقی و مرکزی دنیای اسلام بود که به تصرف قسمت‌های وسیعی از جمله ایران انجامید. با این که مغولانِ حاکم بر ایران بعداً به وسیلهٔ ایرانیان، مسلمان شدند و آداب تمدن آموختند، امّا ویرانگری‌های ابتدایی آنان به‌قدری وسیع و عمیق

۱ــ مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، ج ۱۹، ص ۱۱۳

www.Gama-Plus.ir

بود که توان تجدید حیات را برای مدتی طولانی از مسلمانان گرفت؛ به‌خصوص که بیشتر این حملات به سرزمین‌ها و شهرهایی بود که مرکز علم، فرهنگ و دانش در دنیای آن روز بودند. چنگیز فرمانروای قوم مغول، به نیروهایش گفته بود به هر شهری که می‌رسند، هیچ کس را باقی نگذارند؛ مرد و زن، پیر و جوان، کودک و بالغ، آزاد و بنده را بکشند.[1]

وقتی او به مسجد جامع شهر بخارا درآمد، بالای منبر رفت و دستور سوزاندن شهر را صادر کرد و سربازانش به سوزاندن شهر مشغول شدند. تمام شهر، به جز مسجد جامع که وی در آن بود، سوخت. آن‌گاه دستور داد صندوق‌های قرآن را به صحن آوردند. قرآن‌ها را پاره کردند و صندوق‌ها را آخور چهارپایان ساختند. سپس کودکان و زنان را کشتند و جوانان را باخود بردند تا به‌عنوان سپر جلوی سپاه خود قرار دهند و به شهر بعدی که سمرقند بود، حمله کنند.

این ویرانگری‌ها در بسیاری از شهرهای دیگر مانند سمرقند، بلخ، مرو، نیشابور، کابل، غزنین، قوچان، هرات، دامغان، سمنان و آمل اتفاق افتاد و سپس به استان‌های دیگر سرزمین اسلامی کشیده شد[2].

۱ــ مجمع‌الانساب، محمدعلی شبانکاره‌ای، ص ۲۳۴

۲ــ پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۳، ص ۸۰ تا ۸۷

www.Gama-Plus.ir

ب) نگاهی کوتاه به تمدن جدید

اروپا شاهد سه تمدّن بوده است : تمدن اوّل مربوط به قبل از میلاد حضرت مسیح علیه‌السلام که در قرن‌های ششم تا چهارم قبل از میلاد، در اوج خود بود. تمدن دوم، در قرن چهارم میلادی با گسترش مسیحیت در اروپا و آغاز حاکمیت کلیسا بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم، آغاز شد و تا قرن‌های پانزدهم و شانزدهم ادامه یافت. تمدن سوم با افول قدرت کلیسا در همین قرن‌ها شروع شد و هم‌چنان ادامه دارد.

در درس قبل گزارش کوتاهی از تمدن اسلامی داده شد و با مراجعه به معیارهایی که از قرآن و سیره آموخته بودیم، به ارزیابی این تمدن و کشف علت‌های پیشرفت و افول آن پرداختیم. در این درس، مروری بر تمدن جدید داریم تا ببینیم این تمدن تا چه میزان با معیارهای الهی مطابقت دارد و آیا می‌تواند بستر و فضای مناسبی برای حرکت تکاملی انسان باشد یا نه؟

اکنون اروپا قرن بیستم میلادی را پشت سرگذاشته و وارد قرن بیست‌ویکم شده است. حدود چهار قرن از تمدن جدید می‌گذرد و بسیاری از پیامدهای مثبت و منفی آن پدیدار شده است؛ می‌توان آنها را برشمرد و دربارهٔ آنها داوری کرد. شاید حدود چهار قرن پیش، برای معماران تمدن جدید پیش‌بینی این پیامدها سخت و مشکل بود. ما مسلمانان، مانند سایر امت‌ها و ملت‌ها، با این تمدن ارتباط مستقیم داریم؛ هم تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم و هم می‌توانیم بر آن تأثیر بگذاریم. هرقدر که توانمندی، هوشیاری و کرامت نفس ما بیشتر باشد، قدرت تأثیرگذاری ما افزایش می‌یابد. داوری دربارهٔ این تمدن، نه تنها حق ما، که مسئولیت ماست. برای داوری صحیح و منصفانه، ضروری است ابتدا نگرش غالب و عمومی سازندگان این تمدن و بنیادهای فکری آنان را بشناسیم و سپس به گسترده‌ترین حوزه‌های این تمدن نظر کنیم و پیامدهای آن را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

در پرداختن به بنیادی‌ترین موضوعات، دیدگاه تمدن جدید به جهان، انسان و دین را مرور می‌کنیم.[1]

۱ــ آن چه در این‌جا به عنوان نگاه تمدن جدید به جهان، انسان و دین می‌آید، نگاه غالب و حاکم است. در همین دوران متفکرین بزرگی در غرب و سایر نقاط جهان بوده‌اند که نسبت به این تمدن نگاه انتقادی داشته و کتاب‌های فراوانی هم در این‌باره نوشته‌اند.

www.Gama-Plus.ir

جهان، در این دیدگاه، بیشتر منحصر به همین جهان مادی است. مراتب غیب عالم یا انکار می‌شود و یا اگر انکار نشود، ارتباطی با جهان طبیعت ندارد. گویی خداوند این جهان را آفریده و مانند یک ساعت آن را برای همیشه تنظیم کرده و به خود واگذار نموده است. خداوند از جهان طبیعت غایب است و هیچ نظارت و دخالتی در آن ندارد.

انسان نیز در این دیدگاه، یک موجود زندهٔ طبیعی، مانند دیگر موجودات زندهٔ شناخته شده، ولی پیچیده‌تر است، با یکسری نیازهای طبیعی و مادی. از بُعد معنوی و فطرت الهی او، که او را مسجود فرشتگان و مقرّب پروردگار می‌سازد، خبری نیست. او حق دارد این نیازهای طبیعی و مادی را در هر حدّی که بخواهد تأمین کند. آزادی و حق هر کس در برآوردن نیازهای طبیعی و تمایلات مادی را فقط آزادی و حق دیگران محدود می‌کند و خواست انسان محور همه چیز است و هیچ کس، حتی خداوند، محدودکنندهٔ او نیست.

دین در نگاه غالب، یک امر شخصی است و فقط بخش کوچکی از زندگی هر فرد را که مربوط به عبادت و راز و نیاز با خداست، دربر می‌گیرد و دارای کمترین ارتباط با زندگی اجتماعی و سیاسی انسان‌ها است. برخی دین را فقط دارویی برای درمان بیماری‌های روحی عصر جدید و وسیله‌ای برای آرامش می‌پندارند. برخی نیز هیچ جنبهٔ مثبتی در دین ندیده و آن را در کنار اموری مانند جادو و خرافه قرار داده و علت عقب‌ماندگی جوامع تلقی می‌کنند.

نتایج و پیامدها

در محدودهٔ این‌گونه افکار و اندیشه‌ها عناصر تمدن جدید شکل گرفت و شیوهٔ نوینی از زندگی پدید آورد. این اندیشه‌ها و افکار در همهٔ عناصر این تمدن و حوزه‌های مختلفش حضور دارد و خود را نشان می‌دهد. در این‌جا به برخی از این حوزه‌ها می‌پردازیم و نتایج و پیامدهای تمدن جدید را دنبال می‌کنیم.

الف) علم و شاخه‌های آن:

تولید علم در قرون اخیر، جهشی فوق‌العاده داشته است؛ به طوری که دوران جدید را می‌توان دوران علم نامید. کشف صنعت چاپ، کشف الکتریسیته، ساخت ماشین، ساخت وسائل ارتباطی مانند: تلفن، رادیو، تلویزیون و ماهواره، راه‌اندازی شبکه‌های اینترنت، کشف ویروس و واکسن و معالجهٔ بیماری‌های واگیردار، پیشرفت در مهندسی پزشکی و ساخت ابزارهای پیشرفته برای جراحی‌های پیچیده، ساخت اتومبیل، هواپیما و قطار، فرستادن سفینه‌های فضایی به آسمان

www.Gama-Plus.ir

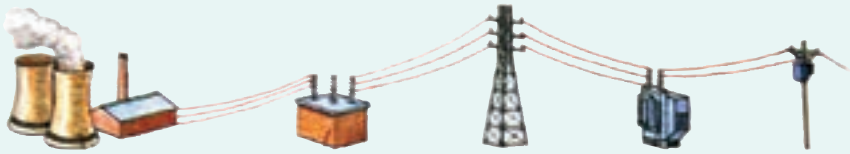

و تحقیق دربارهٔ کرات آسمانی، نظریات و کشفیات جدید در فیزیک، شیمی و سایر علوم تجربی و توانایی استخراج منابع طبیعی مانند نفت، زندگی در جهان امروز را متحول کرده است.

از حدود قرن هیجدهم میلادی به علت همین پیشرفت‌های گسترده در علم، این احساس پدید آمد که علم تجربی تنها رمز موفقیت و سعادت ملت‌هاست و جامعه‌ای که این راه را بپیماید، کلید خوشبختی را به‌دست آورده است.

پیشرفت علم و ساخت ابزارهای صنعتی پیامدهایی به‌دنبال داشته که به برخی از آنها اشاره می‌شود :

۱ ــ توانایی تصرف در طبیعت: کشف قوانین طبیعی و ساختن ابزارهای دقیق و کارآمد، سبب شده است که آدمی بتواند در طبیعت تصرف کند و تغییراتی را در آن به‌وجود آورد. نفت را از اعماق زمین بیرون آورد، معادن را استخراج کند، کوه‌ها را برای ساختن تونل بشکافد، گیاهان را دست‌کاریِ ژنتیک کند، با سدهای بزرگ آب‌ها را مهار نماید و قدرت و توانایی خود را به رخ طبیعت بکشد.

البته حرص و طمع برخی از انسان‌ها و استفادهٔ نابجا از این قدرت، آثار تخریبی فراوانی بر روی کرهٔ زمین برجای گذاشته است و سبب شده که نظم طبیعی آن به هم بخورد، منابع معدنی، که نتیجهٔ میلیون‌ها سال فعالیت موجودات بوده، رو به پایان گذارد، محیط دریاها و اقیانوس‌ها آلوده گردد، تعادل ترکیبی گازهای جوّ به هم بخورد، بسیاری از جنگل‌ها از بین برود، مواد بسیار خطرناک و زیان‌آور ساخته شود و بالاخره بیماری‌های جدیدی شایع گردد و ده‌ها مسألهٔ جدید برای انسان‌ها پدید آید.

۲ ــ تولید انبوه کالا و مصرف‌گرایی شدید: از زمانی که ماشین‌آلات صنعتی ساخته شد و در خدمت تولید کالا درآمد، تولید انبوه آغاز شد. این تولید فراوان، گرچه در ابتدا نیازهای طبیعی مردم را رفع می‌کرد، امّا در بسیاری از موارد بیش از نیاز طبیعی بازار بود. به همین جهت کارخانه‌داران با استفاده از جاذبهٔ تبلیغات، نیازهای کاذب در مردم به‌وجود آوردند تا آنان را به تنوع‌طلبی بکشانند و مصرف‌گرایی را به گونه‌ای سرسام آور افزایش دهند تا خودشان

www.Gama-Plus.ir

به سود بیشتری برسند. تولید انبوه، بهره‌برداری از منابع طبیعی را به سرعت افزایش داد و به تخریب ساختار طبیعی محیط زیست انجامید و سبب شد که در سراسر دنیا زباله‌های زیاد تولید شود و محیط زیست به شدت آسیب ببیند. البته آسیب اصلی مربوط به دل‌مشغولی دائمی مردم به کالاهای متنوع و گوناگونی می‌شود که همه روزه وارد بازار می‌گردد و ذهن و فکر آنها را به خود مشغول می‌کند و در نتیجه، انسان را از اساسی‌ترین نیازهای خود، یعنی پرورش و تکامل بُعد معنوی و متعالی خویش، غافل می‌سازد.

امروزه اندیشمندان دلسوز در غرب و شرق جهان نگران آیندهٔ انسان و خطرهای تهدیدکنندهٔ وی هستند و به بررسی این سؤال‌ها می‌پردازند که آیا این تنوع سرسام‌آور پاسخی به نیازهای واقعی مردم است یا تأمین‌کنندهٔ خواست سرمایه‌داران بزرگ و صاحبان صنایع برای کسب درآمد بیشتر؟ آیا این شتاب سریع در مصرف کردن منابع طبیعی نشانهٔ خودخواهی انسان امروز و بی‌توجهی به نسل‌هایی که در سال‌های متمادی آینده حق زندگی کردن بر روی زمین را دارند، نیست؟

سؤال مهم دیگر این است که آیا این‌گونه توجه به علم تجربی، آرامش و آسایش انسان امروز را درپی داشته است یا فقط به رفاه عده‌ای معدود از مردم دنیا کمک کرده و اکثریت انسان‌ها را هم‌چنان در فقر و نیازمندی نگه داشته است؟

ب) نظام حکومتی و سیاسی:

پس از گذر کشورهای اروپایی از قرون وسطی و شکل‌گیری دورهٔ جدید، توجه گسترده‌ای به حقوق، قانون، ساختار حکومت و دولت پدید آمد که عموماً عکس‌العملی در برابر حاکمیت نامطلوب کلیسا در قرون وسطی بود. آگاهی به قانون و حقوق که ابتدا با ترجمهٔ آثار اسلامی اتفاق افتاد، فوایدی برای تمدن جدید داشت. مردم با حقوق خود در مقابل دولت‌ها و در رابطهٔ با یکدیگر آشنا شدند و به تأسیس قانون برای آن پرداختند و برای صیانت از آنها سازمان‌هایی تأسیس کردند. حق کارگر، حق کودک، حق تعلیم و تربیت، حق داشتن شغل، حقوق متقابل زن و مرد و حق مردم در مقابل دولت به رسمیت شناخته شد. امّا به علت نگاهی که در تمدن جدید به انسان، دین و حکومت شد، نظام‌های سیاسی و قوانین و مقررات فقط دغدغهٔ این را داشتند که انسان‌ها بتوانند به‌طور مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند تا در رهگذر آن هر انسانی بتواند آن‌طور که می‌خواهد نیازهای طبیعی و خواسته‌های نفسانی خود را برآورده سازد. مطابق این دیدگاه، هیچ قانون الهی وجود ندارد که انسان‌ها را در شیوهٔ زندگی هدایت کند و برای آنان جهت تعیین نماید. این اندیشه که «لیبرالیسم» نام دارد، زیربنای بیشتر نظام‌های

www.Gama-Plus.ir

سیاسی و قوانین اجتماعی جوامع کنونی غرب است. حق تعیین سرنوشت و دخالت مردم در امور خود، دیگر گام مثبتی بود که در عصر جدید برداشته شد و برخی حکومت‌های استبدادی و موروثی را از صحنه خارج کرد؛ امّا چون در سایهٔ «لیبرالیسم» متولد شد، به ابزاری برای ارضای تمایلات مادی قدرتمندان و سرمایه‌داران تبدیل گردید که عملاً حاکمیت ملت‌ها را در دست داشتند. بدین‌ترتیب، قدرت و توان دولت‌های جدید غربی از یک طرف و پیشرفت‌های علمی و ابزارهای صنعتی از طرف دیگر، در خدمت تأمین منافع سرمایه‌داران و قدرتمندان قرار گرفت و پیامدهای زیر را به دنبال آورد.

۱ــ افزایش فاصلهٔ میان انسان‌های فقیر و غنی در جهان : شکل‌گیری نظام‌های سیاسی جدید، بر پایهٔ قدرت سرمایه‌داران و نفع‌طلبی فزاینده آنان از یک سو، و امکان تولید انبوه کالا به‌وسیلهٔ ماشین‌های صنعتی از سوی دیگر، به‌تدریج تولیدکنندگان کوچک را از رده خارج کرد. صاحبان سرمایه و صنعت، منابع طبیعی اکثر نقاط جهان را به بهایی بسیار اندک خریدند و یا با قدرت نظامی خود تاراج کردند، و کالاهای خود را با قیمت‌هایی بسیار سنگین به مردم همان سرزمین‌ها فروختند. بدین‌ترتیب، بخش کوچکی از جهان، روز به روز غنی‌تر شد و بخش اعظم جهان در فقر و تنگدستی فرو رفت.

برای مثال : در سال ۲۰۰۵ میلادی نیمی از تمام ثروت دنیا در مالکیت ۳۰۰ خانواده بوده و نیم دیگر آن در مالکیت بقیهٔ مردم، آن هم به‌صورت بسیار نابرابر.

www.Gama-Plus.ir

در چند سال اخیر و تا سال ۲۰۰۵، کشورهای غنی (که فقط چند کشور محدود هستند) ۱۱۰۰ میلیارد دلار وام به کشورهای فقیر داده‌اند و با تبلیغات فراوان اعلام کرده‌اند که این وام‌ها را برای توسعهٔ کشورهای فقیر پرداخت کرده‌اند. درحالی که در طول این سال‌ها، ۱۸۰۰ میلیارد دلار بابت سود بانکی وام‌های خود باز پس گرفته‌اند، با این وجود، تا همین سال، کشورهای فقیر ۲۰۰۰ میلیارد دلار دیگر به کشورهای غنی بدهکار بوده‌اند.

۲ــ ظهور پدیدهٔ استعمار: تولید انبوه کالا و نیاز به بازارهای کشورهای دیگر، احتیاج به منابع طبیعی آن کشورها و نیز روحیهٔ توسعه‌طلبی و فزون‌خواهی سبب شد که سرمایه‌داران و قدرتمندان غربی، کشورهای دیگر را، به خصوص در آسیا و آفریقا هدف قرار دهند و به بهانهٔ استعمار (یعنی آباد کردن) بسیاری از این کشورها را تصرف کنند و ذخایر با ارزش و گران‌قیمت آنها، از آثار باستانی و کتاب‌های خطی تا جواهرات و منابع طبیعی و معدنی را به کشور خود ببرند و برای آن ملت‌ها فقر و نیازمندی را بر جا گذارند، فرهنگ مستقل ملت‌ها را از بین ببرند و حاکمان وابسته و مزدور خود را بر مردم مسلط سازند و آنها را به‌صورت بازاری جهت مصرف کالای خود درآورند.

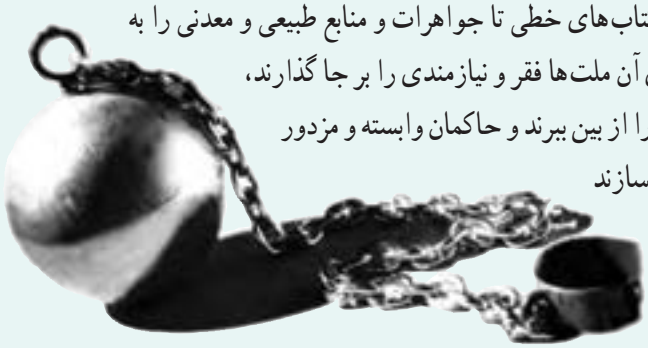

فرانتس فانون، متفکر آفریقایی، دربارهٔ دورهٔ استعمار می‌گوید: وقتی اروپایی‌ها برای نخستین بار به آفریقا آمدند، آنان انجیل داشتند و ما زمین، امّا پس از مدتی دیدیم که آنان زمین دارند و ما انجیل!

دورهٔ استعمار که دورهٔ غارت علنی ثروت ملت‌ها بود و تا اواخر قرن بیستم ادامه داشت، یکی از سیاه‌ترین دوران‌های زندگی انسان روی کرهٔ زمین بوده است. در ابتدای همین دوره میلیون‌ها آفریقایی از این قاره ربوده شدند و به مالکیت اروپائیان و آمریکایی‌ها درآمدند و به عنوان برده در مزرعه‌ها، کارخانه‌ها و معادن به کارهای طاقت‌فرسا وادار شدند. دادگاه‌های آنان قوانین سختی برای برده‌ها داشتند و برای کوچک‌ترین خطا، به شدت آنان را مجازات می‌کردند[1]. بردگان برای رهایی خود مبارزه کردند و کشته‌های فراوان دادند تا این که بالاخره

---

۱ ــ نویسندهٔ سیاهپوست آمریکایی معاصر، آلکسی هیل، در رمان معروف خود به نام «ریشه‌ها» تاریخچه و نحوهٔ زندگی بردگان در آمریکا را به خوبی حکایت کرده است.

www.Gama-Plus.ir

در قرن نوزدهم ظاهراً قانون برده‌داری لغو شد.

با بیداری ملت‌ها، مبارزه با استعمارگران نیز از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد و نهضت‌های ضداستعماری به تدریج سراسر آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را فراگرفت. این مبارزات، که گاه چندین دهه به طول می‌انجامید، قربانیان زیادی داشت. مثلاً کشور الجزایر که تمام جمعیت آن به هیجده میلیون نفر می‌رسید، برای بیرون راندن فرانسه از کشور خود، یک میلیون نفر قربانی داد.

بالاخره، دولت‌های غربی ناچار شدند به ظاهر از کشورهای استعمار شده بیرون بروند و نظامیان خود را خارج کنند. امّا شیوه‌ای دیگر را برای تسلط بر این کشورها در پیش گرفتند که «استعمار نو» نام گرفت. در این شیوهٔ جدید، با استفاده از قدرت نظامی، جاسوسی، تبلیغاتی و فرهنگی، افراد وابسته به خود را در کشورها به قدرت می‌رساندند و به صورت‌های گوناگون از آنها حمایت می‌کردند. آن افراد وابسته نیز اهداف سیاسی و اقتصادی آن قدرت‌ها را در کشور خود به اجرا در می‌آوردند. این نوع از استعمار هم اکنون در بسیاری از کشورها ادامه دارد.

برخی محققان بر این باورند ثروتی که در دورهٔ استعمار از کشورهای استعمار زده به کشورهای استعمارگر منتقل شد، آن‌قدر زیاد بود که پایه‌های اصلی قدرت اقتصادی اروپائیان را به وجود آورد.

۳ــ جهان نظامی شده و محصور در تسلیحات : امروزه، مردم جهان محصور در سلاح‌هایی هستند که می‌تواند چندین بار تمام امکانات موجود روی کرهٔ زمین را نابود کند. هم‌اینک که شما در حال مطالعهٔ این صفحه‌اید، ناوهای جنگی در اغلب نقاط حساس دنیا حضور دارند و آمادهٔ جنگ‌افروزیند. کلاهک‌های هسته‌ای بیشتر مجتمع‌های انسانی را نشانه‌گیری کرده است. انبارهای اسلحه، انباشته از پیچیده‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی است. سلاح‌های شیمیایی و میکروبی که به کمک دانش جدید ساخته شده، در مدت اندکی قادر است تمام جنبندگان ریز و درشت روی زمین را از بین ببرد.

www.Gama-Plus.ir

ج) فرهنگ و هنر:

امروزه بی‌بندوباری جنسی آن‌چنان در غرب رواج یافته است که بسیاری از مردم به این نتیجه رسیده‌اند که توان اصلاح و مبارزهٔ با آن را ندارند. به‌ناچار در پی آن برآمده‌اند که ضوابط و معیارهای اخلاقی را تغییر دهند. به عنوان مثال، در میان غربیان جدید، دیگر هیچ گونه ضابطه و معیار مذهبی یا اخلاقی که منشأ الهی داشته باشد، معنا ندارد. تصویب قوانین حمایت از خانواده‌های تک‌سرپرست (که بیشتر شامل خانواده‌ای می‌شود که زن در روابط نامشروع صاحب فرزند شده) درسال ۱۹۶۰در امریکا، موجب شد که آمار فرزندان بدون پدر از چهار درصد در این سال به ۲۰ درصد درسال ۱۹۹۰ و به حدود ۵۰ درصد درسال ۲۰۰۵ برسد.[۱]

در گذشتهٔ نه‌چندان دور و هم‌اکنون در بسیاری از شهرهای اسلامی، با این‌که حیاط‌های بزرگ و دیوارها، خانه‌ها را از هم جدا می‌کرد، امّا ارتباط صمیمانهٔ میان همسایه‌ها و افراد یک محله، واقعیتی انکارناپذیر بود. وجود آن دیوارها بیانی از حرمت و منزلت خانواده و عفاف را به دیگران منتقل می‌کرد و در عین حال، زمینهٔ ارتباط سالم اقوام و خویشان و همسایه‌ها را فراهم می‌ساخت.

امروزه، با این‌که در بسیاری از شهرهای بزرگ، آن دیوارها و حیاط‌ها از بین رفته و بسیاری از خانواده‌ها در یک ساختمان چندین طبقه در فاصله‌ای بسیار نزدیک به هم زندگی می‌کنند، اما ارتباط صمیمی و سالم میان همسایگان به حداقل کاهش یافته است.

در زمینهٔ هنر نیز می‌توان گفت، در گذشته، بیشتر صنعتگران، هنرمند نیز بودند و هنر بخشی از صنعت محسوب می‌شد. یعنی هنر در همان کالاهای موردنیاز زندگی تجلی می‌یافت؛ نه صرفاً برای تجمّل و فخرفروشی. لذا می‌توان گفت: با این‌که موزه‌ها حافظ و نگه‌دار هنر پیشینیان شده و مانع انهدام مواریث بشری گردیده، امّا وجود این موزه‌ها به معنای این نیز هست که هنر، دیگر جزء زندگی روزمرّهٔ مردم نیست. جوامع قدیمی که آن همه اشیای هنری را که امروزه در موزه‌ها گرد آمده، تولید می‌کردند، خودشان موزه نداشتند؛ زیرا هنر از زندگی روزمرّه‌شان جدا نبود. هنر همان زندگی بود و زندگی همان هنر. به قول «آناندا کومارا سوامی»، از بزرگ‌ترین صاحب‌نظران در زمینهٔ هنر شرقی، هنرمند در جوامع سنتی، انسان خاصی در کنار سایر انسان‌ها

۱ ــ نشریه سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های اسلامی سازمان صدا و سیما، شمارهٔ ۷

www.Gama-Plus.ir

نبود، بلکه هریک از اعضای این جوامع به نوع خاصی هنرمند بودند. جدایی هنر از زندگی از ویژگی‌های عصر جدید است.

بخش اعظم هنر تصویری جدید غربی بر محرک‌های روانی نقاش مبتنی است، نه بر معیارهای الهی که تعالی‌دهندهٔ هنرمند است. موسیقی امروز غرب نیز به همین وضع دچار شده است. امروزه، غرب با یک موسیقی بسیار عامیانه و مبتذل مواجه است که با ریتم‌هایی شدیداً افسار گسیخته و اجراهای فوق‌العاده پر سر و صدا ظهور کرده است. آهنگ‌های «راک» یا «هِوی‌مِتال» و نظایر آن غرایز حیوانی را در آدمی برمی‌انگیزند. حداقل سخنی که می‌شود دربارهٔ این نوع موسیقی‌ها گفت این است که این موسیقی‌ها نه از تسلیم در مقابل خداوند مایه گرفته، نه به سلامت و آرامش نفس کمک می‌کند، نه مانند برخی موسیقی‌های انقلابی قرن نوزده و بیست در خدمت تلاش و مبارزه و اصلاح نظام اجتماعی است و نه اجراکنندگان و ستارگان این موسیقی‌ها اسوه‌های معنوی و عفّت اخلاقی هستند. تنها فایدهٔ آن تخریب روح و روان کسانی است که به دامن آنها پناه برده‌اند! به‌راستی؛ چرا اسوه‌های برخی از انسان‌ها در جهان معاصر تا این اندازه تنزل یافته و مبتذل شده‌اند؟ جوان مسلمان حق دارد سؤال کند که آیا خداوند انسان را برای این آفریده بود؟

امروزه اشتیاق شدید برخی از افراد به شنیدن موسیقی‌هایی مانند راک یا هوی‌متال، و پوشیدن لباس‌هایی که زبان حالِ بی‌قیدی و بی‌بندوباری است، تفریح با فیلم‌های هیجان‌انگیز، کاملاً آشکار است.

واقعیت این است که تمدن جدید و جوامع غربی با سرعتی شتابان از معیارهای متعالی دور می‌شود. برای مثال، تا یکی دو نسل قبل، بنیان خانواده یک استحکام نسبی داشت و بسیاری از ارزش‌ها حفظ می‌شد. مفهوم پوچی و بی‌معنایی زندگی و هیچ‌انگاری، از دست رفتن نقش‌های سنتی زن و مرد، و بالاخره بر باد رفتن اقتدار اخلاقی و معنوی پدر و مادر در چند دههٔ اخیر سرعتی فزاینده یافته است. شاید در میان نسل‌های اخیر، هیچ نسلی بیش‌تر از نسل کنونی جوانان غربی برای گریز از سنت‌های اجداد خود نکوشیده است. این گریز باعث ایجاد پدیده‌ای موسوم به شکاف بین نسلی شده که تاکنون به این نحو در جهان وجود نداشته است. بر این پدیده‌ها باید این واقعیت را نیز افزود که امروزه شمار فزاینده‌ای از کودکان در غرب، در خانواده‌ها یا خانه‌هایی بزرگ می‌شوند که پدر یا مادر در آن حاضر نیست و آن یکی هم که حاضرست، چون نمی‌تواند یک تنه وظیفهٔ پدر و مادر را توأماً ایفا کند، غالباً از زیر بار مسئولیتی که پدرها و مادرها در خانواده‌های اصیل برای انتقال دادن ارزش‌های اخلاقی به جوانان برعهده داشته‌اند، شانه

www.Gama-Plus.ir

خالی می‌کند و لذا بسیاری از جوانان ناچارند به‌تدریج خودشان زندگی‌شان را شکل دهند.

چرا چنین اتفاقاتی در دهه‌های اخیر در غرب رخ داده و برخی جوانان به سمت چنین روش‌هایی در موسیقی، مد لباس و سر و صورت و به سمت چنین هیجان‌هایی رو آورده‌اند؟ آیا این قدمی در جهت پیشرفت در فرهنگ جامعهٔ غربی است؟

امّا متفکران دلسوز و دردمند غربی تصریح کرده‌اند که این رفتارهای هیجان‌انگیز برخاسته از پیامدهای تمدن جدید است که نابسامانی فکری، پوچ‌گرایی و بی‌تکیه‌گاهی را برای بسیاری از جوانان به ارمغان آورده است. این رفتارها نشان‌دهندهٔ انواع بی‌عدالتی‌ها، نژادپرستی‌ها، تخریب محیط‌زیست، بی‌محتوایی زندگی ماشینی و بی‌معنایی آن، غفلت از خداوند و خلاصه محرومیت جامعهٔ غربی از یک تفکر عمیق و درست نسبت به هستی، انسان و خداست. همین از دست رفتن معنای زندگی برای بسیاری از جوان‌های غربی است که آنها را به بیراههٔ لذت‌های آنی جسمانی از طریق روابط جنسی یا استفاده از مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان و یا گاهی خشونت و جنایت کشانده[1] یا برخی دیگر را به جستجوی فلسفه‌ها و فرهنگ‌ها و حتی «ادیان جدید» واداشته است.[2]

نماد خشونت را می‌توان در فیلم‌های فراوانی مشاهده کرد که هر ساله ساخته و وارد بازار می‌شود. تاریخ انسان، در هیچ دوره‌ای خشونتی را که اینک در فیلم‌ها نمایش می‌دهند، ندیده است؛ چیزی که متأسفانه امروزه عادی تلقی می‌شود.

استفادهٔ ابزاری از زنان برای تبلیغ کالاهای سرمایه‌داران، تشویق آنان به پوشیدن لباس‌های نامناسب و تحریک‌کننده، عادی شدن روابط نامشروع میان زنان و مردان در برخی کشورها، و تجارت گستردهٔ زنان به عنوان کالای جنسی، روی دیگر سکهٔ رایج بی‌توجهی به معنویت است. اگر لایهٔ ظاهری و سطحی موقعیت زن در دنیای امروز، کنار رود و باطن آن آشکار گردد، خواهیم دید که سودآوری تجارت فحشا، در حال ربودن گوی سبقت از تجارت مواد مخدر و اسلحه است، زیرا مخاطراتِ آن دو را ندارد. سود این تجارت، سالانه ۵۲ میلیارد دلار است[3].

متأسفانه، گرچه این گونه فسادها، در ابتدا از کشورهای غنی آغاز گردیده، امّا رنج و

---

۱ ــ شهوت و خشونت، دو صفت بسیار ناپسند است که همواره پیشوایان ما، مسلمانان را از آنها برحذر داشته‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به کسی که جانم در دست اوست سوگند که انسان دشمنی به بدی شهوت و خشونت ندارد» (مجموعهٔ ورام، ج۲، ص ۱۱۵) امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «در میان انگیزه‌های شهوت و خشونت، عقل نابود می‌شود.» (مستدرک‌الوسایل، ج ۱۱، ص ۲۱۱).

۲ ــ نگاهی به تمدن جدید اقتباس از کتاب «جوان مسلمان و دنیای متجدد»، تألیف دکتر سیدحسین نصر می‌باشد که سال‌های متمادی در آمریکا و اروپا زندگی کرده و با پیامدهای تمدن جدید از نزدیک آشناست.

۳ ــ مؤسسهٔ تحقیقاتی ریپ‌ایز (به نقل از نشریهٔ سیاحت غرب، شمارهٔ ۶)

www.Gama-Plus.ir

زحمت آن دامن‌گیر کشورهای ضعیف شده است. تجارت فحشا از کشورهای ضعیف به غنی صورت می‌گیرد و با این‌که بیماری ایدز از بی‌بند و باری اخلاقی در آمریکا سر برآورده، امّا امروزه میلیون‌ها نفر در آفریقا و آسیا را با مرگ مواجه کرده است.

یک نویسندهٔ تیزبین آمریکایی دربارهٔ جامعهٔ خود می‌گوید: «فرهنگ ما یک فرهنگ مصرفی، و جامعهٔ ما جامعه‌ای علاقه‌مند به سرگرمی و تفریح شده است؛ جامعه‌ای که هر روزه وقت بیشتری را صرف تماشای تلویزیون، فیلم‌های سینمایی، ویدئویی و غیره می‌کند. سوداگران فن‌آوری مدرن، خواست‌های مردم آمریکا را با عرضهٔ فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و نوارهای ویدئویی که در اغلب آنها صحنه‌های زنندهٔ هیجان‌آور و خشونت هر روز بیش از پیش دیده می‌شود به بازار عرضه کردند و چنانچه قرار بر این باشد که خستگی و کسالت مردم برطرف شود باید هیجان آفرید و به ایجاد شور و هیجان بیشتر در مردم دامن زد[1].»

خطرناک‌تر از همه، فروپاشی بنیاد خانواده است؛ خانواده منشأ عفاف، حیا و تنظیم‌کننده و کنترل کنندهٔ تمایلات جنسی در محدودهٔ رابطهٔ زن و شوهری است و این ویژگی با توجه افراطی به لذت‌های مادی و جنسی سازگار نیست. به همین جهت، برخی از افراد در جوامع غربی، خانواده را فقط به‌عنوان محلی برای استراحت می‌خواهند و به دنبال هوس‌های خود در بیرون خانواده‌اند. همین امر سبب شده تا مرد و زن به زودی از هم جدا شوند و خانواده‌های تک سرپرست و کودکان بی‌سرپرست زیاد شود. در آمریکا روزانه ۱۳۰۰ کودک نامشروع به دنیا می‌آید و ۱۱۰۰ تای دیگر سقط می‌شوند[2].

در همین‌جاست که جوان مسلمان ایرانی مسئولیت بزرگ و سنگینی را بردوش خود می‌یابد: مسئولیت رساندن پیام نجات‌بخش معنویت و عدالت اسلامی و ارائهٔ تفکر عمیق اندیشمندان اسلامی دربارهٔ انسان، جهان و خدا.

خسران و زیان سنگین، گریبانگیر آن جوانانی است که بدون توجه به گرداب بزرگی که این دسته از جوانان را در غرب به هم پیچیده و در حال بلعیدن است، با هیجان زیاد از آنان دنباله روی کرده و در آستانهٔ آن گرداب قرار گرفته‌اند.

امّا سؤال مهم این است: ما برای نجات انسان امروز، به‌خصوص برای جوان غربی، چه باید بکنیم؟ از کجا آغاز کنیم؟ و چگونه؟

---

۱ ــ در سراشیبی به سوی گومورا، پروفسور رابرت. اچ. بورگ، ترجمهٔ الهه هاشمی حائری، ص ۳۰.

۲ ــ نشریهٔ سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های اسلامی سازمان صدا و سیما، شمارهٔ ۷.

www.Gama-Plus.ir

کتاب‌نامه

نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	درس	مخاطب
۱ـ آموزش عقاید	محمدتقی مصباح یزدی		سازمان تبلیغات اسلامی	مرحلهٔ اوّل	معلم/ دانش آموز
۲ـ آن که به خدا ایمان داشت و آن که به خدا ایمان نداشت	ژان گیتون ـ ژاک لانزمن	عباس آگاهی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	درس ۱	معلم
۳ـ اثبات خدا	سیدمحمدباقر صدر	محمود عابدی	انتشارات روزبه	درس ۱و۲	معلم
۴ـ اسلام و تنگناهای انسان متجدد	سیدحسین نصر	انشاء اللّه رحمتی	نشر سهروردی	مرحلهٔ سوم	معلم
۵ ـ اسلام و مقتضیات زمان	مرتضی مطهری		انتشارات صدرا	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۶ ـ اصول عقاید	محسن قرائتی		مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن	مرحلهٔ اوّل	معلم/ دانش آموز
۷ـ افسانه نجات بخشی علم	ماری میجلی	عبدالرحیم گواهی	مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۸ ـ اللّه شناسی	سیدمحمدحسین حسینی طهرانی		انتشارات حکمت	مرحلهٔ اوّل	معلم/ دانش آموز
۹ـ الهی نامه	جواد محدثی		بوستان کتاب قم	مرحلهٔ اوّل	دانش آموز
۱۰ـ امام و حیات باطنی انسان	سیدمرتضی آوینی		مؤسسه روایت فتح	درس ۹	معلم/ دانش آموز
۱۱ـ امام خمینی و گفتمان غرب	علی خالقی افکند		انجمن معارف اسلامی ایران	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۱۲ـ امام صادق (ع) مغز متفکر جهان شیعه	جمعی از دانشمندان	ذبیح اللّه منصوری	انتشارات جاویدان	درس ۸	معلم/ دانش آموز
۱۳ـ انسان و سرنوشت	مرتضی مطهری		انتشارات صدرا	درس ۵	معلم/ دانش آموز

www.Gama-Plus.ir

نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	درس	مخاطب
۱۴ـ انقلاب تکاملی اسلام	جلال الدین فارسی		مرکز انتشارات علمی و فرهنگی	درس ۸	معلم/ دانش آموز
۱۵ـ اوتوپی و عصر تجدد	رضا داوری اردکانی		نشر ساقی	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۱۶ـ باورهای کهن و خرافه های نوین	مارتین لینگز	کامبیز گوتن	انتشارات حکمت	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۱۷ـ بحران دنیای متجدد	رنه گنون	سیدضیاء الدین دهشیری	انتشارات امیرکبیر	درس سوم	معلم
۱۸ـ بینش و نیایش	مصطفی چمران		بنیاد شهید چمران	مرحلهٔ اوّل	دانش آموز
۱۹ـ پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران	علی اکبر ولایتی		مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۲۰ـ تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی	مونتگمری وات	حسین عبدالمحمدی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)	مرحلهٔ سوم	معلم
۲۱ـ تاریخ آموزش در اسلام	احمد شبلی	محمدحسین ساکت	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	مرحلهٔ سوم	معلم
۲۲ـ تاریخ تمدّن	ویل دورانت	ابوالقاسم پاینده	انتشارات علمی و فرهنگی	مرحلهٔ سوم	معلم
۲۳ـ تاریخ تمدن اسلام	جُرجی زیدان	علی جواهر کلام	انتشارات امیرکبیر	مرحلهٔ سوم	معلم
۲۴ـ تاریخ تمدن یا داستان زندگی انسان	محمود حکیمی		شرکت سهامی انتشار	مرحلهٔ سوم	دانش آموز
۲۵ـ تبیین براهین اثبات خدا	عبدالله جوادی آملی		مرکز نشر اسراء	درس ۱و۲	معلم
۲۶ـ تمدن اسلام و عرب	گوستاولوبون	سیدهاشم حسینی	کتاب فروشی اسلامیه	مرحلهٔ سوم	معلم

www.Gama-Plus.ir

نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	درس	مخاطب
۲۷ـ تمدن اسلامی از زبان بیگانگان	محمدتقی صرفی		دفتر نشر برگزیده	مرحلهٔ سوم	دانش آموز
۲۸ـ تمدن اسلامی در قرن چهارم	آدام متز	علیرضا ذکاوتی	انتشارات امیرکبیر	مرحلهٔ سوم	معلم
۲۹ـ تمدن و تفکر غربی	رضا داوری اردکانی		نشر ساقی	مرحلهٔ سوم	معلم
۳۰ـ توبه آغوش رحمت	حسین انصاریان		دارالعرفان	درس ۵	معلم/ دانش آموز
۳۱ـ توبه انقلاب درونی	محمدرضا اکبری		نشر مفید	درس ۵	دانش آموز
۳۲ـ توبه، شرحی از دعای سی و یکم صحیفه سجادیه	سیدمحمد ضیاء آبادی		مؤسسه نبأ	درس ۷	معلم/ دانش آموز
۳۳ـ توحید	مرتضی مطهری		انتشارات صدرا	مرحلهٔ اوّل	معلم/ دانش آموز
۳۴ـ توحید در قرآن	عبداللّه جوادی آملی		مرکز نشر اسراء	مرحلهٔ اوّل	معلم/ دانش آموز
۳۵ـ جامعه شناسی غربگرایی	علی محمد نقوی		انتشارات امیرکبیر	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۳۶ـ جوان مسلمان و دنیای متجدد	سیدحسین نصر	مرتضی اسعدی	طرح نو	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۳۷ـ جهان بینی توحیدی	مرتضی مطهری		انتشارات صدرا	درس ۱،۲ و ۳	معلم/ دانش آموز
۳۸ـ چپاول دانش و طبیعت	واندا ناشیوا	حسین داوری	کتاب صبح	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۳۹ـ چهل حدیث	امام خمینی (ره)		مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)	مرحلهٔ اوّل	معلم/ دانش آموز
۴۰ـ حکمت عبادات	عبداللّه جوادی آملی		مرکز نشر اسراء	درس ۳	معلم/ دانش آموز

www.Gama-Plus.ir

نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	درس	مخاطب
۴۱ـ حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه	عبدالله جوادی آملی		مرکز نشر اسراء	درس ۱و۲	معلم
۴۲ـ خدا	حسین سوزنچی		انتشارات مدرسه	مرحلهٔ اوّل	معلم/ دانش آموز
۴۳ـ خدا از دیدگاه قرآن	سیدمحمد حسین حسینی بهشتی		نشر بقعه	درس ۱،۲ و ۳	معلم/ دانش آموز
۴۴ـ خدمات متقابل اسلام و ایران	مرتضی مطهری		انتشارات صدرا	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۴۵ـ خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی	امام خمینی (ره)		مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۴۶ـ داستان ورزش ایران	اسماعیل شفیعی سروستانی		انتشارات موعود	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۴۷ـ دانش مسلمین	محمدرضا حکیمی		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	مرحلهٔ سوم	دانش آموز
۴۸ـ در سراشیبی به سوی گومورا	رابرت.اچ.بورگ	الهه هاشمی حائری	انتشارات حکمت	مرحلهٔ سوم	معلم
۴۹ـ راز عصر طلایی	ناصر نادری		کیهان	مرحلهٔ سوم	دانش آموز
۵۰ـ رسائل توحیدی	علامه سیدمحمد حسین طباطبایی		انتشارات الزهراء	مرحلهٔ اوّل	معلم
۵۱ـ ریا و عُجب از دیدگاه امام خمینی	سید احمد فهری		مؤسسه انتشاراتی تحقیقاتی فیض کاشانی	درس ۴	معلم/ دانش آموز
۵۲ـ زندگی درعیش، مردن در خوشی	نیل پُستمن	سیدصادق طباطبایی	انتشارات اطلاعات	مرحلهٔ سوم	معلم
۵۳ـ عصر امام خمینی	میراحمدرضا حاجتی		بوستان کتاب قم	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۵۴ـ عظمت مسلمین در اسپانیا	ژوزف ماک کاپ	ابوالقاسم فیضی	چاپ تأیید	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز

www.Gama-Plus.ir

نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	درس	مخاطب
۵۵ـ علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین	زین العابدین قربانی		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۵۶ ـ علل تزلزل تمدن غرب	اصغر طاهرزاده		گروه فرهنگی المیزان	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۵۷ـ علم پیشین الهی و اختیار انسان	محمد سعیدی مهر		پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	درس ۵	معلم
۵۸ـ علم و تمدن در اسلام	سیدحسین نصر	احمد آرام	انتشارات خوارزمی	مرحلهٔ سوم	معلم
۵۹ـ علم و دین از تعارض تا گفتگو	جان.اف هات	بتول نجفی	مؤسسه فرهنگی طه	مرحلهٔ سوم	معلم
۶۰ـ علم و دین و معرفت در آستانه قرن بیست و یکم	مهدی گلشنی		پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	مرحلهٔ سوم	معلم
۶۱ ـ غربزدگی	جلال آل احمد		نشر رواق	مرحلهٔ سوم	دانش آموز
۶۲ـ فردایی دیگر	سیدمرتضی آوینی		نشر ساقی	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۶۳ ـ فرهنگ اسلام در اروپا	زیگرید هونکه	مرتضی رهبانی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۶۴ـ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی	غلامعلی حداد عادل		سروش	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۶۵ ـ کارنامه اسلام	عبدالحسین زرین کوب		انتشارات امیرکبیر	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۶۶ ـ گزینش تکنولوژی از دریچهٔ بینش توحیدی	اصغر طاهرزاده		انتشارات گُلبن	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۶۷ـ گفتارهای معنوی	مرتضی مطهری		انتشارات صدرا	درس ۵	معلم/ دانش آموز
۶۸ ـ مبانی توسعه و تمدن غرب	سیدمرتضی آوینی		نشر ساقی	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز

www.Gama-Plus.ir

نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	درس	مخاطب
۶۹ ـ متفکران اسلام	بارون کارادووو	احمد آرام	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۷۰ ـ محمد پیامبری برای همیشه	حسن رحیم پور ازغدی		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	درس ۸	معلم/ دانش آموز
۷۱ـ مسلمانان در بستر تاریخ	یعقوب جعفری		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۷۲ـ مناظرهٔ دکتر و پیر	عبدالکریم هاشمی نژاد		نشر شاهد	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۷۳ـ میراث اسلام	جمعی از خاورشناسان			مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۷۴ـ نشت نشاء	رضا امیرخانی		انتشارات قدیانی	مرحلهٔ سوم	دانش آموز
۷۵ـ نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام	جهانبخش ثواقب		مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم	مرحلهٔ سوم	معلم
۷۶ـ نیت : راه هدایت (شرح حدیث اخلاص از چهل حدیث امام خمینی)	محمدحسن احمدی فقیه		مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر	درس ۴	معلم/ دانش آموز
۷۷ـ وامداری غرب نسبت به شرق	محمد آراسته خو		پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز
۷۸ـ ویژگی‌های قرون جدید (مجموعه آثار ج ۳۱)	علی شریعتی		نشر چاپخش	مرحلهٔ سوم	معلم/ دانش آموز